

# بیماری های ناشی از شیطان جنی، چشم زخم و جادو و علاج قطعی آن

نویسنده: دکتر مجتبی خوانساری  
(پزشک)

مقدمه: حجت الاسلام مراد نامپور  
(دکترای فقه)



مَا جِئْتُكُمْ بِهِ السَّحَرُ  
إِنَّ اللَّهَ سَبَّحْتَ لَهُ



وَأَنْ يَكْفُرُوا  
بِالْقُرْآنِ بِأَنْصَارِهِمْ

وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنَىٰ مَسْنَىٰ  
الشَّيْطَانُ بُنْصَبَ وَعَذَابُ ﴿٤١﴾ اِرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا  
مُغْتَسِلٌ تَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ  
وَمَقْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لَأُولَى  
الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که  
پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج  
و عذاب مبتلا کرد ﴿٤١﴾ [به او گفتیم] با پای خود  
[به زمین] بکوب اینک این چشمه ساری  
است سرد و آشامیدنی و برای شستشوی  
﴿٤٢﴾ و [مجددا] کسانش را و نظایر آنها را  
همراه آنها به او بخشیدیم تا رحمتی از  
جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد ﴿٤٣﴾



اینکه به پشتوانه علم امروزی بخواهید خدا و  
روح القدس، جن و ملائکه و نیروهای ماورائی و  
شیطانی بیمار کننده را زیر لام میکروسکوپ  
ببرید و یا با دوربین آن هم به واسطه طبی که  
در سیطره سازمان جهانی بهداشت یهودی  
است کشف کنید امری محال و غیرممکن  
است، بعد از گذشت هزاران سال از هیوط آدم  
به زمین و بروز بیماری های با قدمتی همچون  
صرع و جنون و دیوانگی و میگرن از همان ابتدا  
تاکنون چنین چیزی محقق و میسر نشده و  
نخواهد شد، چرا که با یک پدیده علمی روبرو  
هستیم که علم پزشکی و پرتوشناسی و پاتولوژی  
و... همگی از درک آن عاجزند، علم انسان عصر  
حاضر (آخرالزمان) مناسفانه در مسائل معنوی  
در مقایسه با پیشرفت های علمی پیشرفت  
آنچنانی نداشته و عمر بشر نیز کوتاه تر از آن  
است که انسان بخواهد آن را صرف بحث و  
جدل و یا انکار غیب و یا موضوعاتی کند که  
خود نیز گرفتار آن است و علمی از آن ندارد، از  
طرفی علوم غربی دنیای حال حاضر بر پایه  
انکار خداوند و انکار معنویت و ماورا بنا شده  
اند، فلذا نمی توانند و نتوانسته اند پاسخگوی  
نیازهای جوامع و حالات بیمارانی که با بیماری  
های عصبی-روحي ناشناخته و امراض لاعلاج  
و صعب العلاج و اضطراب ها و استرس های  
فراگیر و پدیده های ماورائی دست و پنجه نرم  
می کنند باشند. تمامی آنچه که باید در ارتباط  
با بیماری های جسمی و روحی ناشی از ابتلا  
به جن زدگی و همزاد داشتن و حالات و  
بیماری های ناشی از چشم زخم و جادو شدن  
بدانید در دستان شماست، شاید زمان کوبیدن  
پای بر زمین و برخاستن از حالت ضعف و عجز  
و مرض فرا رسیده باشد.

با آرزوی بهبودی برای هموطنان عزیز



انتشارات آیات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیماری های ناشی از شیطان جنی، چشم زخم و جادو  
و علاج قطعی آن

دکتر مجتبی خوانساری

سرشناسه	:	خوانساری، مجتبی، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور	:	بیماری‌های ناشی از شیطان جنی، چشم زخم و جادو و علاج قطعی آن/ مجتبی خوانساری.
مشخصات نشر	:	اهواز : آیات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۹۶ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	978-964-6474-47-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	بیماری‌ها -- درمان جایگزین
موضوع	:	Diseases-- Alternative treatment
موضوع	:	درمان -- مطالب گونه‌گون
موضوع	:	-- MiscelleneaTherapeutics
موضوع	:	تشخیص عامیانه
موضوع	:	Medical misconceptions
موضوع	:	چشم زخم
موضوع	:	Evil eye
موضوع	:	پزشکی جایگزین
موضوع	:	Alternative medicine
موضوع	:	طلسم‌ها و تعویذها
موضوع	:	Talismans
موضوع	:	جادوگری
موضوع	:	Magic
رده بندی کنگره	:	۵۳۷RC
رده بندی دیویی	:	۸۵۲۷/۶۱۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۳۱۶۶۷۶



انتشارات آیات

www.ayatpub.ir

## بیماری‌های ناشی از شیطان جنی، چشم زخم و جادو و علاج قطعی آن

نویسنده	دکتر مجتبی خوانساری
ناشر	انتشارات آیات
صفحه آرائی	انتشارات آیات
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۳۹۹
شمارگان	۱۰۰۰ جلد
شابک	۵-۴۷-۶۴۷۴-۹۶۴-۹۷۸
قیمت	۱۵۰۰۰ تومان

اهواز- کمپلو - خیابان انقلاب بین ارفع و ولیعصر پاساژ عبدالحقانی

۰۶۱۳۳۷۹۲۱۵۸ - ۰۹۳۵۵۴۶۵۵۲۵

تقدیم به

آنکس که حق قدرش آنطور که می بایست شناخته نشد

## فهرست

۵	مقدمه
۱۹	پیشگفتار
۲۳	لیست بیماری هایی که از این درمان ان شالله نتیجه کامل میگیرند
۳۳	برنامه و دستورالعمل درمان
۴۲	انواع روش ها و درمان هایی که معمولاً برای این امراض به کار میروند
۶۰	برخی از حالات روحی بیماران مبتلا به میگرن و سایر بیماری های ذکر شده و دلیل آن
۶۹	دلایل ابتلاء به این امراض
۹۲	استنادات



## • مقدمه:

شیاطین جی

جن در تصورات عامهٔ مردم با جن در عرف قرآن کریم تفاوت دارد و از آنجایی که ابلیس، بزرگ شیاطین از نوع جن بوده است و بسیاری از جنیان شیطانی و پلید هستند لازم است شیطان و جن مورد بررسی قرار گیرند. بر این اساس شیطان در لغت به معنای دور شده از رحمت حق می‌باشد و شیطان اسمی است که بر هر فرد پلید و بدخوبی از جن و انس و حیوانات اطلاق می‌شود؛ مانند وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰ اِكْلًا نَّيِّئًا عَدُوًّا شَيَاطِیْنَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ اِین چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. برخی شیطان را به معنای متمرّد و دور شده از خیر می‌دانند .

قرآن کریم به ابلیس که همان شیطان معروف است اشاره می‌کند که از نوع جتیان است. **إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ** ابلیس از جنّ بود و از فرمان پروردگارش سر بر تافت. جنّ در عرف قرآن کریم موجودی با شعور و اراده است که به اقتضای طبیعتش از حواس بشر پوشیده است و مانند انسان مکلف است و در آخرت مطیع و عاصی، مؤمن و مشرک آن و... مبعوث می‌شوند و خلاصه دوش به دوش انسان است با این تفاوت که انسان محسوس است و جنّ غیر محسوس می‌باشد و فرقه‌های گوناگونی

<sup>١</sup> «ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن»، ج ٢، ص ٣٢٦

٢ سورہ انعام ٦، آہ ١١٢

٣ «قاموس قرآن»، ج ٤، ص ٣٢-٣٣

۴ سورہ کہف ۱۸، آلہ ۵۰

باشند. برخی از آن‌ها از شلیاطین و برخی دیگر اهل ایمان و عمل صالح هستند. کاربردهای قرآنی از چند مورد حکایت می‌کنند:

- ۱- خداوند متعال جنّ را قبل از انسان از آتش سوزان و نافذ خلق کرده است. وَ الْجَانُّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ وَ جنّ را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم.
- ۲- جَنّیان موجوداتی نامحسوسی هستند که انسان‌ها آنها را نمی‌بینند ولی آنها انسان‌ها را می‌بینند. إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ هَمانا شیطان و گروهش شما را از آنجا که شما آن‌ها را نمی‌بینید می‌بینند.

- ۳- ابلیس که بزرگ و رهبر شیاطین است از جنّ بوده و از اطاعت پروردگارش خارج شده و عصیان کرده است، او دارای ذرّیه و فرزندی است که برخی از مردم آن‌ها را رهبر و ولی خود قرار می‌دهند و با اطاعت از وسوسه‌ها و القائات آن‌ها اظهار دوستی کرده و از اطاعت خداوند یگانه خودداری می‌کنند. إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي ابلیس - که از جنّ بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال)، او و فرزندان او را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید؟! ۴

- ۴- جَنّیان به لحاظ اعتقادی گروه‌های مختلفی می‌باشند و آن‌گونه که آیات شریفه ذیل از زبان خود آن‌ها می‌گویند میان آن‌ها افراد صالح و افراد غیر صالحی وجود دارد و لذا همه آن‌ها شیطانی نیستند. وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا و اینکه در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالح‌اند و ما گروه‌های متفاوتی هستیم. آیه شریفه

۱ «قاموس قرآن»، ج ۲، ص ۶۲

۲ سوره حجر ۱۵، آیه ۲۷

۳ سوره اعراف ۷، آیه ۲۷

۴ سوره کهف ۱۸، آیه ۵۰

۵ سوره جن ۷۲، آیه ۱۱





بیان می کند که وجود ابلیس در میان طایفه جنّ این توهم را به وجود نیاورد که طبیعت جنّ بر شر و فساد است بلکه گروهی از جتّیان از صالحین می باشند. همچنین برخی از آنان اهل ایمان بوده و وقتی هدایت را شنیدند ایمان آوردند. وَ اَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدٰى اٰمَنَّا بِهٖ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهٖ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَّ لَا رَهَقًا و اینکه ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم و هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می ترسد و نه از ظلم. و لذا بر اساس قرآن کریم آن گونه که آیه شریفه از زبان خود آن ها می گوید گروهی از آن ها مسلم و گروهی دیگر ظالم و بیدادگر می باشند که ما به آنها شیاطین می گویم از میان جتّیان، برخی اسلام را برگزیده اند و به سوی هدایت و رشد و ثواب الهی گام برداشته اند و از سوی مقابل جتّیان شیطانی ظالمان آتشگیره دوزخ می باشند. وَ اَنَّا مِمَّا الْمُسْلِمُوْنَ وَّ مِمَّا الْقٰسِیُطُوْنَ فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰٓئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَّ اَمَّا الْقٰسِیُطُوْنَ فَكَانُوْا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالماند هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است و اما ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند.

۵- از برخی آیات شریفه قرآن کریم می توان دریافت که طایفه جنّ از دو نوع زن و مرد یا نر و ماده می باشند. وَ اَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِنْسِ یَعُوْذُوْنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَرَاذِلُهُمْ رَهَقًا و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می بردند، و آن ها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند. بنابراین جنّ برای انسان موجودی نامحسوس است که دارای شعور و اراده می باشد و برخی از جتّیان مسلم و صالح بوده و برخی دیگر که شیطانی هستند عصیانگر، متمرّد، فاسق و... می باشند.

۱ سوره جن ۷۲، آیه ۱۳

۲ سوره جن ۷۲، آیات ۱۴-۱۵

۳ سوره جن ۷۲، آیه ۶

۶- شیطان دشمن آشکار انسان است و از طریق مختلف به او آسیب می‌رساند از جمله به هنگام سخن گفتن میان افراد فتنه می‌کند تا موجب نزاع گردد. وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا و به بندگام بگو: سخنی گویند که نیکوتر است، چرا که شیطان (با سخنان ناموزون) میان آنان فتنه و فساد می‌کند. همانا شیطان هواره برای انسان، دشمنی آشکار بوده است.

برای درک عمیق‌تر از دشمنی شیاطین جنی لازم است بدانیم این موجودات شرور و عصیانگر از طُرُق گوناگونی با هدف دشمنی، انسان را فریب داده و از مسیر هدایت توحیدی منحرف می‌سازند. ابلیس در جهت مذکور روش‌ها و تاکتیک‌های مختلفی دارد. او قسم خورده تا تمام انسان‌ها به غیر از بندگان مخلص که به دلیل پاکی راهی بر آن‌ها ندارد را گمراه سازد. قَالَ فَبِعَرَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ گفت: به عزّت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد مگر بندگان خالص تو، از میان آن‌ها. او در وسوسه‌های خود چنان مهارت دارد که زشت‌ترین و بدترین جنایت‌ها را گاهی در نظر انسان ضعیف الایمان آن چنان زیبا کرده و زینت می‌بخشد که انسان نه تنها متوجه جرم و گناه و عمل زشت خود نشده بلکه آن را افتخار می‌پندارد و این همان آراسته کردن اعمال آلوده است که به موجب آن انسان ضعیف الایمان شیطان را ولی خود قرار می‌دهد. فَرِيقٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَغْمَالُهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ أَمَّا شَيْطَانُ أَعْمَالِهِمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ و سرپرستان است. نمونه‌های زیادی از این تزئینات شیطانی در اعمال بشر قابل مشاهده است. امروزه بسیاری از دزدی‌ها، غارت‌ها، جنایت‌ها، اعمال منافی با عفت، ظلم‌ها، تبعیض و بی‌عدالتی‌ها، رشوه‌ها، اختلاس‌ها و... تحت عناوین زیبا و

۱ سوره اِسراء ۱۷ آیه ۵۳

۲ سوره ص ۳۸، آیات ۸۲-۸۳

۳ سوره نحل ۱۶، آیه ۶۳



فریبنده‌ای انجام شده و با تعبیرات گوناگونی توجیه می‌شوند. در گذشته به دلیل همین وسوسه‌ها و اغواهای شیطانی اعراب جاهلی دختران خود را زنده به گور می‌کرد و با این توجیه فریبنده که از ناموس و حیثیت خانوادگی و قبیله‌ای حمایت کرده تا دخترانشان به دست دشمن نیفتند، گناه بزرگ قتل نفس را مرتکب می‌شدند.

شیاطین با وعده‌های دروغ انسان را فریب داده و به طمع سودی که هرگز به دست نمی‌آید او را می‌فریبند. آن‌ها به انسان‌ها وعده می‌دهند تا یار و یاورش باشند و با آرزوهای موهوم و دور انسان‌ها را سرگرم می‌سازند. آرزوهای دنیوی را آن چنان در دل او می‌افکند تا دنیا را بر آخرت ترجیح دهند. به تعبیری؛ آرزوها و هوس‌های باطل را در دل انسان‌ها افکنده و زیورهای دنیا را در نظرشان می‌آریند تا هر کسی به هر چیزی که متناسب به ذائقه‌اش هست سرگرم و دلخوش گشته تا از اطاعت خداوند یگانه و سعادت اخروی بازمانده و به دنبال معصیت و دنیاطلبی بروند. شیاطین با وعده‌های دروغ و آرزوهای دور و موهوم که جز خسران ابدی نتیجه‌ای ندارند، سعادت حقیقی انسان‌ها را تبدیل به شقاوت حقیقی می‌کند، سرانجامی که جایگاه پیروانش دوزخ است و هیچ راه فراری ندارند. **يَعِدُّهُمْ وَيُمَيِّبُهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا عُرُوزًا أُولَئِكَ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ لَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا** شیطان به آن‌ها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها، سرگرم می‌سازد در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آن‌ها وعده نمی‌دهد. آن‌ها [پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری ندارند.

امروز بسیاری دلخوش به وعده‌ها و آرزوهای موهومی هستند که جز در عالم ذهن و وهم انسان عملیاتی نمی‌شوند بلکه تنها ایجاد سرگرمی و دل مشغولی دنیوی هستند که موجب غفلت از مسیر بندگی معبود یگانه و اطاعت از وسوسه‌ها و اغواگری شیطانی می‌شوند. شیطان به هنگام اتفاق مال طیب، انسان‌ها را وسوسه کرده و از فقر و

تنگدستی می ترسند و ذهن آن ها را به سوی تأمین آینده خود و فرزندان در دنیا ترغیب می کند تا از اتفاق مستحبی مانند صدقه و اتفاق واجب مانند زکات به فقرا و نیازمندان جلوگیری کرده و انسان ها از وظیفه اجتماعی خود غفلت ورزند. او با چنین کاری می خواهد تا فساد و بزهکاری ناشی از فقر و بر هم خوردن تعادل اقتصادی در جامعه توسعه یافته و افراد به کسب حرام و نامشروع ترغیب شوند. علاوه بر آن انسان ها را دعوت و وادار به معصیت و کارهای زشت مانند بخل و بی عفتی می کند، حال آنکه خداوند یگانه در مقابل اتفاق مال طیب، به انسان ها وعده آمرزش گناهان و وسعت و افزونی اموال را می دهد. الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ شیطان، شما را (به هنگام اتفاق)، وعده فقر و تهیدستی می دهد و به فحشا (و زشتیها) امر می کند ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می دهد و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده های خود، وفا می کند). بنابراین می توان گفت سرچشمه هر فکر منفی و بازدارنده و کوتاهی، اطاعت از وسوسه های شیطانی است و در مقابل سرچشمه هر فکر مثبت و بلندی از ناحیه الهامات الهی و اطاعت و عبودیت خداوند یگانه است.

شیطان در وسوسه ها و دشمنی خود با انسان دارای تاکتیک و سیاست های گام به گام است تا جایی که پرستشگران مطیع خود را از مرحله ای به مرحله پایین تر و هولناک تر می کشاند و لذا قرآن کریم به همه انسان ها هشدار می دهد که مراقب خطوات و سیاست های اغواگر شیطان باشند و او را پرستش و اطاعت نکنند زیرا او دشمن آشکار آن ها می باشد. لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُم عَدُوٌّ مُبِينٌ از گام های شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست.

۱ سوره بقره ۲، آیه ۲۶۸

۲ سوره بقره ۲، آیه ۱۶۸



برنامه های شیطان گاهی به صورت تدریجی و کم رنگ است و اگر انسان در همان مراحل نخستین مراقبت نکند وقتی متوجه می شود که کار از کنترل خارج شده است؛ بنابراین هنگامی که اولین وسوسه های شیطان اشاعه فحشا، حرام خواری، حرام کاری، ظلم و هر گناهی آشکار شد بلافاصله باید در آن مرحله مقاومت کرده و اعمال آراسته شده را متوقف کند و با توبه کردن و استغفار بار دیگر در مسیر عبودیت خداوند یگانه قرار گیرد.

شیطان در مرحله اول به القای وسوسه می پردازد و از القائات نرم و بسیار آهسته ی خود از درون و برون انسان، برای انحراف استفاده می کند. او پس از شناسایی تمایلات انسان در لباس حق و راهنمایی درآمده و با نشان دادن جاذبه حق او را می فریبد. جاذبه و لباس حق وسیله ای برای فریفتن است همچنان که شیطان در گذشته راه رسیدن به حکومت و سلطنت دائمی و جاویدان برای آدم علیه السلام را در خوردن میوه ی درخت ممنوعه نشان داد. درخت ممنوعه را درخت عمر جاودان معرفی کرد زیرا آدم علیه السلام به زندگی جاویدان و قدرت بی زوال تمایل داشت. فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْئَلُ شَيْطَانُ أَوْ رَا هُنَائِي كَمْ؟

اگر انسان دست از بندگی شیطان برندارد و استغفار و توبه نکند شیطان با سیاست های وسوسه انگیز خود جلوتر می آید و این وسوسه ها به انسان اصابت کرده و او را مس می کند بدین کیفیت که وسوسه های شیطانی همچون طواف کننده ای پیرامون فکر و روان و قلب انسان پیوسته گردش می کند تا راهی برای نفوذ در قلب بیابد. در این صورت اگر اهل پرستش و اطاعت شیطان باشد وسوسه در قلب او نفوذ می کند لیکن اگر اهل تقوا باشد وقتی شیطان طائف با وسوسه های پیوسته نزدیک می شود در

آن لحظه به یاد نعمت های بی پایان و عواقب شوم گناه افتاده و از شر او به خداوند یگانه پناه می برد. در آن هنگام خداوند یگانه نیز شر شیطان را از ایشان دفع نموده و پرده ی غفلت را از چشمان و قلب پرهیزکاران کنار می زند و آن ها راه حق را به روشنی دیده و انتخاب می کنند. إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناکهان پنا می گردند.

کسانی که وسوسه ها را اطاعت می کنند شیطان موفق می شود در قلب آن ها نفوذ کرده و بر شعور و ذهنشان غالب می گردد. الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ که در درون سینه انسانها وسوسه می کند. شیطان به این مقدار اکتفا نکرده و بلکه سیاست های گام به گام خویش را جلوتر می برد. کسانی که او را پرستش و اطاعت می کنند در این صورت از ذکر خداوند رحمان غفلت کرده و مانند کوری که نمی بیند از حق روی گردان می شوند، بلکه غرق در دنیاطلبی و لذت های ناپایدار می گردند. در نتیجه، اعراض از یاد خداوند رحمان موجب می شود تا شیطان بر آن ها مسلط گشته و همواره قرین و ملازم او گردد. مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ يَقْنِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او می فرستیم پس همواره قرین اوست.

مرحله بدتر برای انسان هایی که این موجود شریر را اطاعت می کنند آن است که بر آن ها مسلط شده و استیلاء می یابد به گونه ای که یاد خداوند یگانه را به فراموشی می سپارند، در این مرحله انسان ها نه تنها از یاد خداوند رحمان غفلت کرده بلکه به کلی او را فراموش می کنند. در این صورت در زمره ی انصار، اعوان، لشکر و حزب شیطان

۱ سوره اعراف ۷، آیه ۲۰۱

۲ سوره ناس ۱۱۴، آیه ۵

۳ سوره زخرف ۴۳، آیه ۳۶



برای گمراه کردن مردم قرار می گیرند. سرنوشت چنین حزبی خسران است چرا که حزب شیطان بهشت را از دست داده و به جای آن جهنم را نصیب می شوند. اسْتَحْذَرُوا عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانَ فَإِنَّهُمْ ذَكَرَ اللَّهُ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند.

در نهایت اطاعت شیطان تا جایی پیش می رود که انسان تبدیل به خود شیطان می شود و به دشمنی علیه پیامبران و اولیاء الهی برخاسته و با سخنان فریبنده مردم را به اشتباه می اندازد و همواره این گونه بوده است که در برابر هر پیامبری دشمنی از شیاطین انسانی و جنّی قرار گرفته است. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جنّ قرار دادیم.

بنابراین اطاعت شیطان متأثر از سیاست های گام به گام و اغواگرش در یک نقطه متوقف نمی شود بلکه این دشمنی با انسان مطیع تا جایی پیش می رود که او را تبدیل به شیطانی همانند خویش می کند. لیکن بندگانی که با نور اخلاص خداوند یگانه را عبودیت می کنند از وسوسه های اغواگر شیطان و دشمنی او در امان خواهند ماند؛ زیرا شیطان قادر نیست آن ها را گمراه و سرگرم زیبایی های دنیوی کند. قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمت های مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت مگر بندگان مخلص را. او در دل بندگان مخلص<sup>۳</sup> پروردگار یگانه هرگز اثر نمی گذارد؛ زیرا مخلصین در پرتو تعلیم و تربیت توحیدی و مجاهدت با نفس به

۱ سوره مجادله ۵۸، آیه ۱۹

۲ سوره انعام ۶، آیه ۱۱۲

۳ سوره حجر ۱۵، آیات ۳۹-۴۰

نیروی معنوی ایمان و عمل رسیده‌اند تا جایی که در برابر وسوسه‌های شیطان و هر وسوسه‌گری نفوذ ناپذیرند و به همین دلیل ابلیس و شیاطینش بر آن‌ها سلطنت و تسلطی ندارند چرا که خداوند یگانه ولی و حافظ آن‌ها خواهد بود و ولایت و سرپرستی او برای هر کسی کفایت می‌کند. إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كُنِيَ بِرَبِّكَ وَكِيلًا تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ گاه به دام تو گرفتار نمی‌شوند)!

همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ و وکیل آن‌ها باشد.

مشاهدات حاکی از آن است که در عرفان‌هایی که بر محور معرفت توحیدی و قرآن کریم پی‌ریزی نشده‌اند، افراد پیام‌هایی از امور غیب دریافت می‌کنند که شخص گیرنده مدعی است این پیام‌ها از طرف ملائک می‌باشند و لذا آن پیام‌ها و دستورات را اطاعت و پیروی کرده و پیروان خود را نیز به انجام آن ترغیب می‌کنند. لیکن ناسازگاری بسیاری از این پیام‌های دریافتی با معارف قرآن کریم و توحید نشان می‌دهد که این پیام‌ها از طرف ملائک نبوده بلکه از طرف جتّیان شیطانی بوده است. بنابراین ایشان القائن جتّی و شیطانی را به جای الهامات ملکوتی دریافت و اطاعت کرده است که این اطاعت جتّیان شیطانی است. گاهی ارتباط میان انسان و جنّ تا جایی پیش می‌رود که برخی از این مردان به ظاهر عابد و راهب به مردانی از جنّ پناه می‌برند و این پناه بردن برای دفع شر به این دلیل است که مبنای خرافی و باطل دارند و این مبنا موجب بدبختی هر چه بیشتر انسان‌ها و جتّیان می‌شود؛ مردان جتّی به گناه آلوده‌تر شده و مردان انسی بر طغیان و ذلّت و ترسشان افزوده می‌شود. وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می‌برند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیان‌شان می‌شدند. مراد از پناه بردن انسان به جنّ به طوری که نقل

۱ سوره اسراء ۱۷، آیه ۶۵

۲ سوره جن ۷۲، آیه ۶





شده این است که در عرب رسم بود وقتی که در مسافرت شب هنگام به بیابانی بر می خوردند از شر جانوران به ویژه شر جتیان سفیه به عزیز آن بیابان که سرپرست جتیان بود پناه می بردند و می گفتند من به عزیز این وادی از شر سُفهای قومش پناه می برم، و به این ترتیب این کار در میان طوایف عرب شایع و رایج گردید. همچنین مراد از پناهنده شدن به جتّ بعید نیست این باشد که برخی انسان ها برای اِیمنی از دست سُفهای جتّی به کاهنی مراجعه نموده و از او می خواستند تا جتّ را برای کمک دعوت کند.

از نگاه قرآن کریم شیطان به طور مستقیم بر فیزیک و بدن تاثیر نمی گذارد بلکه کار او دعوت و تاثیر بر روح و روان انسان است به عبارتی؛ دست و پای او را نمی بندد بلکه از طریق تسلط بر ذهن و روان، او را به سوی ترک واجبات و انجام محرمات ترغیب می کند و در مرحله بعد انسان تحت تاثیرگناه و اعمال زشتی که مرتکب می شود خود را به نابودی روحی و جسمی می کشاند. گواه این مطلب صحنه مجازات مجرمان در روز رستاخیز است در آن هنگام که کار حساب بندگان صالح و غیر صالح پایان پذیرفت و هر کدام به پاداش و کیفر قطعی خود رسیدند، شیطان به پیروان خود می گوید: خداوند به شما وعده حق داد و شما نپذیرفتید و من نیز به شما وعده پوچ و بی ارزش دادم و شما نپذیرفتید ولی از آن تخلف کردم. من بر شما تسلط و اجبار و الزامی نداشتم، بلکه تنها از شما دعوت کردم و شما هم با میل و اراده خود دعوت پوچ و به ظاهر زیبای مرا نپذیرفتید؛ بنابراین مرا هرگز سرزنش نکنید، بلکه خود را سرزنش کنید؛ چراکه از دعوت شیطنت آمیز من پیروی کردید. وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا

<sup>۱</sup> «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۲۰، ص ۶۴-۶۵، «ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۲۵، ص ۳۷۳

تَلُومُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ شَيْطَان (از روی ملامت به دوزخیان) گوید: همانا خداوند به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم ولی با شما تخلف کردم، من بر شما تسلطی نداشتم، جز آن که شما را دعوت کردم و شما (به میل خود) استجابت کردید. پس مرا ملامت و نکوهش نکنید، و خود را سرزنش کنید.<sup>۱</sup>

قرآن کریم به مس شدن انسان توسط شیطان اشاره می کند که برخی آن را جن زدگی می نامند. این کتاب آسمانی با هدف توصیف رباخوار بیان می کند کسانی که ربا می خورند، بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با او دیوانه شده است و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاه به زمین می خورد و گاه بر می خیزد. الَّذِينَ يَكُونُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَيْمَنِ کسانی که ربا می خورند، (در قیامت از قبرها) بر نمی خیزند مگر همانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، آشفته و دیوانه شده است. در آیه شریفه شَنْص رِبَاخُور، به آدم مصروع یا دیوانه ای تشبیه شده است که به هنگام گام برداشتن قادر به حفظ تعادل خود نیست. هیچ بعید نیست که شیطان و اشرار جن در شخص چنین اثری بگذارند و تعادل روانی او را بر هم زند به ویژه اینکه انسان با اطاعت از وسوسه ها و القائات شیاطین جنی خود را به نابدی می کشاند. نمونه های بسیاری از آسیب های جنیان شیطانی به انسان در برخی روایات دیده می شود. بر این اساس امام صادق علیه السلام می فرماید: هر که سوره «قل اوحی الی» (سوره جن) را بسیار تلاوت کند در زندگی دنیا گرفتار چشم زخم، دمیدن سحر، جادو و نیرنگ جنّ نشود.<sup>۳</sup>

۱ سوره ابراهیم ۱۴، آیه ۲۲

۲ سوره بقره ۲، آیه ۲۷۵

۳ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال / ترجمه حسن زاده ؛ حدیث ۴۴۲، ص ۲۷۵



بنابراین ابلیس و سایر جنیان شیطانی دشمن آشکار انسان هستند و با سیاست‌های گام به گام مبتنی بر اغواگری، زینت دادن اعمال زشت و... انسان را وسوسه کرده تا بر ذهن و روانش تسلط یابند و پس از آنکه قرین انسان شدند در جهت نابودی او هر لحظه پیش‌روی می‌کنند تا انسان از سعادت دنیا و آخرت محروم گردد.

حجت الاسلام مراد نام پور ۱۳۹۹/۲/۱۲

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

و هنگامی که بیمار شوم اوست (خداوند) که مرا شفا می دهد (الشعراء آیه ۸۰)

بیماری های جسمی و روحی ناشی از شیطان جنی، چشم زخم و جادو و روش علاج قطعی آن



### \*پیشگفتار:

اینجانب پزشک هستم و از آنجاکه طی مدت تحصیل و در نهایت طی طبابت به وفور با بیمارهایی قبیل میگرن، وسواس، پانیک، روده تحریک پذیر و... برخورد داشته ام (که پای ثابت تمام این بیمارها ترس ها و استرس ها و اضطراب های بیش از حد و اکثراً بی دلیل است که همگی هم لاعلاج هستند و هیچ درمان پزشکی قطعی برای آنها وجود ندارد) لذا بر آن شدم که از همان ابتدا پیگیری هایی در مورد علل و حالات و درمان این بیماران بخصوص در بعد معنوی انجام دهم تا اینکه تأثیر داشتن آیات قرآن کریم برای درمان و ریشه کنی این قبیل بیمارها به من ثابت گردد هرچند که متأسفانه بسیاری از همکاران پزشک ممکن است نقش مسائل غیبی و ماورائی را در بیمار کردن انسان رد کنند و قبول نکنند، ولی ما از منظر دینی و مقداری هم طبی به این قضیه نگاهی می اندازیم که نتیجه آن خدمت شما تقدیم میگردد.

هدف اصلی از این کتاب هوشیاری شما خلق الله نسبت به بیماری های صعب العلاج و لاعلاج است (که شیوع برخی از آنها مثل میگرن و روده تحریک پذیر و وسواس و... بسیار زیاد شده است)، برای جدا کردن بیماری هایی که با این راهکار قرآنی قابل درمان هستند چند سال زمان گذاشته ام تا اینکه قابل درمان بودن این بیمارها (که در مورد بعدی لیست بیمارها ذکر میشود) بوسیله راهکاری معنوی به من ثابت گردید تا بتوانم اینچنین با اطمینان دراینباره سخن بگویم، کسی مرا مجبور به نوشتن این کتاب نکرده و یا بابت این نوشتار حقوقی به من داده نشده است و انتظار کسب درآمدی از طریق فروش این کتاب را ندارم بلکه در این راستا هزینه هم کرده ام و نهایتاً سود حاصل از آن صرف چاپ مجدد کتاب برای شما خواهد شد، منظور این است که برای رضایت الله تعالی و درمان درد و رنج و بیماری مزمن شما مردم مسلمان و مؤمن ایران زمین این کتاب را منتشر کرده ام و نیت اصلی من صرفاً برطرف شدن بیماری لاعلاج شماست و دعای

خیر شما برادران و خواهران دینی بعد از تهبودی برای من بالاترین نعمت است، همه ما بندهٔ یک خدا هستیم و انسانیت حکم میکند که بنده این نسخه گرانها که بر اساس قرآن و روایات پیامبر و اهل بیت اش و مقداری هم تجربه ی بالینی این حقیر نوشته شده است را منتشر کنم (که طی این پیگیری ها درمان پذیر بودن این قبیل بیماری ها با کلام قرآن به من ثابت گردید و ان شاء الله به زودی به شما هم ثابت میگردد)، آیه ای که از ابتدای کار برای عنوان این کتاب در نظر گرفته بودم آیه بالا بود که سخن حضرت ابراهیم (ص) در سوره الشعراء است، ولیکن درباره انتشار این نسخه علمی-معنوی شدیداً مردّد بودم (به دلیل اینکه شاید بسیاری از پزشکان (از نظر جنبهٔ طبی و علمی این درمان) و یا حتی بعضی مردم معاند و بی دین نسبت به حرف های اینجانب جبهه بگیرند و یا از روی ندانستن شبهه ای به این امر وارد کنند، به همین دلیل با استخاره از قرآن کریم خواستم بدانم که آیا صلاح است این درمان را منتشر کنم یا خیر؟ با کمال تعجب وقتی که استخاره را دیدم جواب استخاره آیه و **اذا مرضت فهو یشفین** تکرار شده بود، لذا از هر شخص یا سازمان معاند با خداوند و دین و قرآن و اسلام و یا هرکسی که بخواهد نظرات شخصی خود را القاء کند یا نام این مطالب با ارزش را ندانسته و بغير علم شایعه پراکنی و یا خرافات و یا بدعت و شیادی و بازی با اعتقادات مردم و ترساندن و یا دغانویسی و یا ایجاد عوارض برای مردم و یا استناد نداشتن و بی پایه اساس بودن متهم کند از او به خدا پناه میبرم (درحالیکه این درمان معنوی قرآنی هیچگونه آثار سوئی ندارد و از آن مهم تر آنکه توسط بنده بارها و بارها تجربه شده است هرچند که در نظر شما عجیب و غیر ممکن باشد و در اینجا اعلام میکنم و حاضرم در صورت تمایل و همکاری سازمان نظام پزشکی و یا پزشکان محترم متخصص مغز و اعصاب و متخصصین روانپزشک و... طی چندین مطالعه و کارآزمایی، درمان پذیر بودن این بیمارها صرفاً با آشنامیدن آب قرآن خوانده شده را اثبات کنم و نتایج آن به صراحت به عموم مردم اطلاع داده شود ولی از آنجا که در سیستم پزشکی به چنین مسائل معنوی مرتبط با جسم و روح و بیماری معمولاً بها داده نمیشود و حتی اگر در مطالعه ای اثر آن ثابت گردد احتمال دارد وارد بایگانی مقالات شود و هیچگاه اینچنین به سمع و بصر مردم نرسد، ازینرو به ناچار ابتدا



مییایست با نوشتن کتاب شروع کم تا مردم و دردمندان خودشان این نسخه قرآنی را انجام دهند تا حقیقت را ببینند و تجربه کنند تا اینکه در آینده اگر علاقه ای در بین پزشکان بخصوص متخصصین نورولوژیست و روانپزشک برای بررسی اثبات این ادعای من ایجاد شد همکاری لازم از طرف اینجانب نیز در حد کمال خواهد بود ان شاءالله) و امید است که هر شر و نیرنگ و فتنه ای که بخواهد در این راه متوجه انسان های مؤمن شود و آنها را از توسل به خداوند بازدارد خداوند عزوجل آن را به خودشان برگرداند، با این حال به بیماران تاکید میکنم که درمان پزشکی روز دنیا (اعم از دارویی، جراحی و...) در کنار درمان اسلامی-معنوی لازم و بسیار کمک کننده است چراکه دارو سبب حذف حداقل موقت علائم بالینی آزار دهنده این قبیل بیماریها میشود و قطع داروها خصوصاً قطع ناگهانی جایز نیست مگر با اجازه متخصص مربوطه و بعد از بهبودی قابل توجه حال بیمار ان شاءالله.

\*توصیه هایی که صورت گرفته کاملاً توسط اینجانب تجربه شده است و بنده نیز به وضوح تأثیر آن را در درمان کامل این بیماران مشاهده کرده ام. یا میتوانید اسمش را شفا بگذارید. چرا که واژه درمان بیشتر برای زمانی به کار میرود که دارویی در کار باشد، ولی راهکار این نسخه به شفای الهی شبیه تر است تا درمانی پزشکی.

برخی از بیماریها مثل آرتروز و دیسک ستون فقرات و دیابت و سرماخوردگی و گلودرد چرکی و سنگ کیسه صفرا و کلیه و... علت فیزیکی و یا مکانیکی یا ناشی از عادات بد غذایی یا تغذیه نامناسب و یا دارای علل میکروبی هستند و قابل درمان دارویی هستند و درمان طبی و پزشکی و جراحی دارند پس با تعجب نگوئید که آیا همه بیماریها با آب قرآن خوانده درمان میشوند؟! خیر، برای همه بیماریها نیاز به انجام این برنامه نیست و همه امراض با این روش قابل درمان نیستند، هرچند که اگر نگاهی به کتب مربوط به خواص آیات و اذکار بیاندازید با کمال تعجب میبینید که برای تمام بیماریها اعم از کمردرد، عفونت گوش و... هم آياتی معرفی میشود! ولی تا جایی که من متوجه شده ام بیشترین حوزه اثر وضعی آیات قرآن کریم و معنویات در طب، مربوط به همین بیماریهایی است که لیست آن در ذیل ذکر میشود که در منابع پزشکی غربی که رفرانس کتب

پزشکی ما نیز همان است علت منطقی برای هیچکدام از این بیماریها پیدا نکرده‌اند و حتی بعضاً علت ایدیوپاتیک یا با دلیل ناشناخته را برایشان مطرح می‌کنند و در بعضی موارد مطرح کردن عللی همچون ژنتیک و عوامل محیطی صرفاً به صورت نظریه است. درحالیکه این برنامه درمانی ریشه کنی و قطعی است چون عامل بوجود آورنده را هدف قرار می‌دهد. در ادامه علت اصلی پشت پرده این بیماریها را برای بیماران مؤمن بیان کرده‌ام تا متوجه شوند که به چه دلیل دچار MS و یا مثلاً صرع و یا میگرن شده‌اند. این یک بحث تئوری نیست که کسی بخواهد آن را رد کند، برای یک روش درمانی تجربه پذیر بودن آن روش بسیار مهم است و این درمان نیز به تجربه رسیده است و توسط بیماران نیز قابل تجربه دوباره است. بیماریانی که سالیان متدیدی به اسم بیماری اعصاب از این بیماریها رنج برده اند که ان شاءالله بیش از این شاهد بروز و شیوع این بیماریها در جامعه نباشیم. اینچنین شد که الان این نوشته در دست شماست، تا حد امکان سعی کرده ام بیماریها را بر اساس علم پزشکی نوین دسته بندی کنم تا بیماران ان شاءالله از این نسخه کمال استفاده را ببرند در پناه حق باشید والسلام علی من اتبع الهدی.





## \*لیست بیماری‌هایی که ان شاءالله از این درمان نتیجه کامل می‌گیرند:

**\*بیماری‌های مغز و اعصاب: میگرن** احتمالاً شایع‌ترین بیماری از بین بیماری‌های ذکر شده است که شیوع آن وحشتناک و رو به افزایش است بطوریکه در هر ۲-۱ خانواده یک یا چند نفر یا حتی بیشتر (تقریباً ۱۰-۲۰٪ مردم جهان، بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت) گرفتار این بیماری منفی است، و حتی بسیاری از مردم مبتلا به سردرد میگرنی هستند ولی خودشان آگاهی ندارند و به پزشک مراجعه نکرده و غمی کنند، لذا در قسمت مربوط به میگرن توضیحات کامل‌تری درباره سردرد میگرنی و حالات روحی کلی بیماری‌های ذکر شده می‌دهم تا علت این بیماری‌ها برایتان روشن تر شود.

تمام انواع صرع (صرع بزرگ Grand mal و کوچک Petit mal، پارشیال، میوکلونیک و...)، حتی اگر به بیمار گفته شود که تشنج آتکا ناشی از فشار به سر به دنبال زایمان سخت و یا ضربه به سر بوده ولی در صورتیکه این تشنج تا چندین سال بعد ادامه پیدا کند و برطرف نشود چنین فردی از انجام این برنامه سود خواهد برد، هرگونه تشنج تکرار شونده‌ای که دلیلی برای آن یافت نشود. هرگونه سردرد بی دلیل و طولانی مدت. (میگرن همراه با اورا (Aura) یا بدون اورا، میگرن چشمی، میگرن یک طرفه\_دوطرفه و...)

پارکینسون یا همان لرزش دست‌ها در سنین بالا، ام اس (MS)، ای ال اس (ALS)، فلج مغزی (CP) (حتی در صورتیکه گفته شود که به علت زایمان طول کشیده و سخت و زایمان زودرس و نارس بودن نوزاد و عللی ازین قبیل عامل ایجاد آن فلج مغزی بوده باز هم شما این برنامه درمانی را برای حداقل چند ماه انجام دهید چون هم احتمال درمان و بهبودی نسبی وجود دارد و هم ضرر و هزینه ندارد و هرچه سریعتر اقدام به درمان کنید احتمال جواب گرفتن بیشتر است)، سردرد کلاستر و تشن، میاستنی گراویس، گیلن باره، بیماری فراموشی (آلزایمر)، دمانس فرونتوتیمپورال، انواع گره آنتوز، انواع لوکوانسفالوپاتی و لوکودیستروفی، آتاکسی فردرچ، گروه دیستروفی های عضلانی (دوشن، بکر، FSH و...)،

لال شدن ناگهانی یا لکنت زبان در کسی که قبلاً سالم بوده به خصوص در کودکان، پرش ها و گرفتگی های عضلانی بی دلیل، پرش پلک ها و عضلات بدن و یا نبض زدن آنها که مزمزم و تکرار شونده و بی دلیل باشد، لرزش سر و بدن (ترمور)، حالت غش بی دلیل، خواب رفتگی یا مورمور کردن و سوزن سوزن شدن بی دلیل و مکرر دست ها یا اندام ها، دردهایی که جابه جا می شوند و علتی ندارند، فلج های بی دلیل عضلات، انواعی از گوز پستی و قوز و کیفواسکولیوز و دفورمیتی های مادرزادی بخصوص با شروع ناگهانی از سنین کودکی خصوصاً اگر قبلاً سالم بوده باشد (بیماری نوروفیبروماتوز I, II، بیماری شوئرمین و...)، انحراف و لوجی و عدم تطابق چشم ها (استرابیسم).

**\* بیماری های روان پزشکی:** وسواس از هر نوع (مثلاً پاک و نجسی، شستشو، چک کردن مداوم مثلاً در مورد قفل در و...، شک در وضو، شک در رکعات نماز، افکار پلید و...) \_ اسکیزوفرنی \_ بیماری دوقطبی، اضطراب های بی دلیل، تپش قلب های بی دلیل، تپش قلب و تیرکشیدن بی دلیل قلب که از نظر متخصص قلب منشأ عصبی داشته باشد که به طور شایع توسط متخصص قلب اکوکاردیوگرافی می شوند در حالیکه مشکل طبی وجود ندارد و در نهایت داروهایی مثل پروپرانولول تجویز میشوند، احساس گیر کردن چیزی در گلو و یا بغض و گرفتگی گلو و میل به گریه بدون دلیل پزشکی (که این سه حالت در میگرن شایع است بخصوص بعد از چند سال از شروع بیماری)، کسانی که در حالت استراحت دائماً و مکرر دست یا پای خود را سریعاً تکان می دهند، قرمزی بی دلیل و دائم چشم ها، بیرون زدگی و خیرگی چشم ها بدون دلیل پزشکی، ترس بی دلیل و بیش از حد بخصوص شب ها و هنگام تنهایی، بی خوابی شدید و بی دلیل، بی خوابی های شبانه که به اصطلاح بیمار می گوید "فکر زیاد می کند" و دائماً خودخوری می کند. کابوس های شدید و ترسناک، حرف زدن در خواب، گریه کردن در خواب، راه رفتن در خواب (کسانی که حتی یکبار سابقه راه رفتن در خواب در بچگی را دارند از انجام این برنامه سود می برند چون عاملی که این راه رفتن را ایجاد می کند همچنان تا بزرگسالی و الی آخر همراه بیمار حضور دارد و با بزرگ شدن و بالا رفتن سن از بین



نرفته است، بلکه فقط به دلیل تکامل مغز و رشد سنی جلوی این عمل گرفته شده است و احتمال دارد در آینده بصورت تغییرات اعتقادی یا رفتاری و شخصیتی و یا میگرن یا صرع و یا یکی از حالات و بیماریهای ذکر شده خود را نشان دهد) \_دندان قروچه در خواب بدون دلیل پزشکی و بخصوص در همراهی با میگرن، صرع و...، افسردگی از هر نوع و بخصوص از نوع بی دلیل، افکار پلید و منفی و کفرآلود تکرار شونده و مزمن، کاهش ناگهانی میل جنسی بدون علت پزشکی، واژینیسموس، اختلال نعوذ در مردان جوان بدون سابقه قبلی، اعتیاد به دیدن فیلم های مستهجن، افکار و امیال شهوتی نسبت به محارم خود مثل مادر یا خواهر یا حتی فکر رابطه جنسی با محارم و یا کودکان و یا حیوان و یا در خواب دیدن این مسائل، احتلام و جنابت زنان و دختران در خواب (حتی اگر فقط ابار اتفاق افتاده باشد)، میل و رغبت به همجنس بازی، خودارضایی بصورت افراطی و یا میل و یا حتی فکر به حیوانات، هرگونه تیک عصبی سروصورت و بدن (ترمور سر، ترمور دست، ترمور بدن، سندرم توره و...)، حملات ترس و وحشت (حملات پانیک)، بعضی از بیماران مبتلا به فوبیا (ترس شدید از جامعه، ترس از تنهایی، ترس از ماندن در جای در بسته مثلاً بنسنت در حمام یا آسانسور از ترس گیر افتادن یا خفه شدن)، اختلال خود بیمار انگاری یا هاپوکندر یازیس (اینکه بیمار دائماً فکر می کند مثلاً سرطان دارد یا یکی از اعضای بدنش مشکل جدی دارد و با وجود سالم بودن جواب آزمایشات و تصویربرداری به خوبی توجیه نشود و بعد از مدت کوتاهی دوباره بر وجود بیماری اصرار داشته باشد)، تمام بیماریهای جنونی: جنون قتل، جنون تجاوز، جنون دزدی کردن با وجود عدم نیاز (کلپتومانیا)، جنون عاشقانه (اروتومانیا) جنون جنسی (سکسومانیا)، جنون قماربازی، جنون مشروب خواری، جنون کندن موهای سر و ابرو و یا مناطق دیگر (تری کوتیلومانیا)، جنون دروغگویی، جنون تقلید بیمارگونه رفتار یا گفتار دیگران (اکوپراکسی & اکولالیا)، جنون آتش افروزی (پیرومانیا) و...، سادیسزم (دیگرآزاری)، مازوخیزم (خود آزاری، مثلاً جویدن ناخن یا میل به خط انداختن روی بدن با جسم تیز و...)، جنونی که بعد از ترک شیشه با بیمار مانده و برطرف نشده (انجام این برنامه شاید بتواند به ترک ماده شیشه و حبشیش که ناشی از

و سوسه مکرر است کمک کند، بخصوص اگر این اعتیاد همراه با یکی از بیماری‌های ذکر شده باشد)، میل و یا فکر به خودکشی، اختلال شخصیت مرزی و ضد اجتماعی، اختلالات تبدیلی (هیستری) (فلج هیستریک، کوری هیستریک و...)، اختلال شخصیت هیستریونیک و تشنجات کاذب و...، بی ثباتی روحی روانی، احساس اضطراب و نفرت و یا اذیت شدن و تپش قلب هنگام شنیدن صدای قرآن یا اذان یا دیگر مقدسات، خمیازه کشیدن دائم و مکرر هنگام شنیدن یا خواندن قرآن و یا نماز و اذکار، احساس حمله کردن موجوداتی هنگام نماز خواندن، حرف زدن با خود، احساس دیوانه شدن یا جنون گرفتن، پرخاشگری بی دلیل، پرخاشگری‌های مکرر و پشیمانی‌های مکرر به طوریکه در کنترل بیمار نباشد، میل به کفر گفتن نسبت به خداوند متعال و یا انبیاء و ادیان و... ولادت بردن از آن (کوپرولالیا)، شک فراوان در اعتقادات، بدینی یا سوءظن بی دلیل و طولانی مدت نسبت به خیانت همسر بدون شواهد و دلایل و یا اینکه مثلاً همسایه‌ها بخوانند مسمومش کنند و یا اطرافیان قصد آسیب زدن به وی را دارند (هذیان پارانوئید)، احساس وجود حشرات و یا حرکت حشرات و کرم‌ها و خزنده‌ها و جانداران کوچک در زیر پوست و یا دیگر اعضاء بدن (Parasitosis)، غش کردن‌های مکرر و سیاهی رفتن مکرر جلوی چشمان بدون تغییرات فشار خون یا دلیل پزشکی دیگر، دل تنگی یا تنگی نفس یا درد قفسه سینه بدون دلیل پزشکی که طولانی مدت بیمار درگیر آن باشد بخصوص اگر نزدیک غروب این درد شروع شود، بی اشتها و کاهش وزن با شروع ناگهانی و بدون دلیل پزشکی، احساس تنفر بی دلیل زن به شوهرش یا برعکس، غیب گویی و یا خواب دیدن مکرر اتفاقات با اهمیت یا بی اهمیتی که هنوز اتفاق نیافتاده اند و بعداً واقعاً تحقق میابند (بخصوص در کسانی که نماز نمی‌خوانند یا اعتقادی ندارند و یا عبادتی انجام نمی‌دهند در حالی که خودشان نیز مبتلا به میگرن و روده تحریک پذیر و... هستند که اکثراً هم زن هستند و حتی اگر نمازخوان هم باشند چه مبتلا به بیماریها و حالات ذکر شده باشند چه نباشند ازین درمان سود می‌برند)، بیماری نارکولسی، احساس بی دلیل کسالت دائم که با خوابیدن و استراحت برطرف نشود، خواب دیدن مکرر سقوط از ارتفاع یا خفگی یا غرق شدن در آب که معمولاً منجر به



تکان خوردن ناگهانی در خواب و حتی بیدار شدن های مکرر می شود (این حالت آنقدر شایع است که بسیاری از مردم آن را طبیعی در نظر میگیرند در حالیکه اگر این حالت زیاده از حد و تکرار شونده باشد طبیعی نیست، خواب طبیعی خوابی است همراه با آرامش و عمیق شدن و حتی گاهی با دیدن رویای خوب همراه است، اگر زرنک باشید متوجه میشوید که شیوع بالای این حالت در بنی ادم در عصر حاضر به چه معنی است)، بختک (آپنه خواب از نوع مرکزی و به ندرت انسدادی)، فلج خواب، احساس خروج روح از بدن خصوصاً هنگام خواب (به صورت دیدن جسم خود و حالات مشابه) و خصوصاً در بیماران مبتلا به میگرن و صرع و بختک و...، ظهور بیماری یا هرگونه ناخوشی به دنبال چشم زخم خوردن از شخصی که به او مشکوکید، خواب دیدن موجودات سیاهی که حمله می کنند، کسانی که میل به تقلید صدای حیوانات دارند و یا گاهی بی اختیار صدای غرش و... در می آورند. کسانی که در خانه هایشان وسایل مکرر و بی دلیل گم می شوند و در جای دیگر یا جای قبلی پیدا می شوند و یا حتی هیچگاه پیدا نمی شوند! و یا در و دیوار و سقف بی دلیل صدا می دهند در چنین خانه هایی احتمال اینکه یک یا دو یا حتی چند مورد از بیماری های که در این کتاب ذکر شده از قبیل میگرن، بختک، وسواس، روده تحریک پذیر و... در اعضای خانواده دیده شود بسیار بالاتر است (مهم)، زنان یا دخترانی که احساس می کنند در خواب یا خواب بیداری کسی آنها را لمس می کند بخصوص اگر باعث بی میلی به همسر و یا متسر نشدن و رد شدن خواستگارها شود و با وجود طبیعی بودن آزمایش خون سبب آثاری از کبودی یا قرمزی یا جای چنگ روی پوست شده باشد، خواب دیدن مکرر قبرستان و گرگ و مار و عقرب و جن و دیو و حیوانات درنده و شیطان و...، ناله یا تعریق در خواب بی دلیل، دیدن سایه هایی که به سرعت از جلو چشم رد میشوند، و یا دیدن موجودات ترسناک بخصوص شبها و هنگام تنهایی، ایجاد میل و علاقه شدید برای ارتباط با جن، وزوز گوش یا صدای زنگ و یا سوت در گوش بی دلیل، شنیدن صدایی در گوش یا اینکه شخصی مکرراً احساس کند کسی اسمش را صدا میزند و یا شخصی که بخصوص هنگام تنهایی احساس کند کسی پشت سرش هست که او را نگاه می کند بخصوص در

همراهی با میگرن و سایر بیماریهای ذکر شده یا اینکه شخصی که حس می‌کند هنگام خواب کسی بالای سرش نشسته و حضور دارد و امثال اینها....

**\*بیماری‌های پوست و مو:** کچلی‌های مکرر سکه مانند که در نواحی ریش و یا موهای سر اتفاق می‌افتد (الوپسی آره آتا) به خصوص در همراهی با میگرن و صرع و یا سایر حالات یا بیماریهایی که ذکر شده و میشود (لازم است برای این مورد کچلی برنامه درمانی انجام شود تا وقوع مجدد اش مهار شود و یا به حداقل برسد)، خون مردگی و یا کبودی مکرر و یا خارش مکرر یک عضو بدن که علت پزشکی نداشته باشد و بی دلیل باشد، ویتیلیگو (پیشگی) (برنامه درمانی باید منظم انجام شود تا مانع پیشرفت لکه های پیشگی شود و در مواردی احتمال پسرقت آن نیز وجود دارد)، زگیل های راجعه پوستی خصوصاً در بیمار مبتلا به میگرن و وسواس و بختک و...

**\*بیماری‌های داخلی:** بعضی از بیماران مبتلا به آسم و حساسیت‌های سر و صورت و بعضی از انواع آلرژی به خصوص در بیماریانی که زمینه حالات عصبی دارند (میگرن، وسواس، صرع، اضطراب بی دلیل، کابوس و...) و بالاخص در موارد شدید و مقاوم به درمان با علت نامشخص، کم کاری تیروئید هاشیوتو که بیماری خودایمنی است که همان بیماری رايچ تیروئید در حال حاضر است (به خصوص در صورت همراهی با اضطراب و میگرن و روده تحریک پذیر و یا هر گونه حالت عصبی و همراهی با سایر بیماریهای ذکر شده)، هر گونه بیماری مزمن لاعلاج و ناشناخته (که کم نیستند)، بعضی از انواع کانسر خصوصاً اگر از نوع بدخیم و سریعاً پیشرونده باشد.

**\*بیماری‌های گوش و حلق و بینی:** بیماری منیر (Meniere)، سرگیجه‌های شدید بی دلیل، وز وز گوش بی دلیل، سرگیجه وضعیتی خوش خیم (BPV) بخصوص اگر تکرار شونده و مزمن باشد بخصوص در همراهی با میگرن و یا سایر بیماریهای ذکر شده.



**\*بیماری های گوارش: IBS** یا روده تحریک پذیر، همان نفخ و دل پیچه های مکرر و ترش شدن مزه دهان و ریفلاکس همراه با حالت تهوع که شیوع نسبتاً بالایی دارد. شخصی که دچار این بیماری است احساس فشار زیادی برای دستشویی رفتن می کند ولی وقتی به دستشویی می رود معمولاً چیزی جز گاز دفع نمی شود و این حالات نفخ و پرکاری شکم و دل پیچه با استرس تشدید می شوند و این بیماران معمولاً به صورت دوره ای اسهال و یبوست دارند و گاهی فقط اسهال یا یبوست دارند که شیوع نسبتاً بالایی دارد و از نفخ دائم شکم و آروغ بیش از حد نیز شایع است که گاهی آن را میگرد روده ای یا روده عصبی میگویند و یا حتی بعضاً به اشتباه کولیت روده میگویند که از نظر پزشکی دلیل واضح علمی برایش یافت نشده و درمان قطعی هم ندارد. (اگر داروهای گوارش جواب ندهند در موارد شدید برایشان داروهای اعصاب و ضد افسردگی و آرام بخش تجویز می شود)، و این بیماران اکثراً دچار میگرن و افسردگی بی دلیل و اضطراب و بختک و وسواس و ترس از بیماری و سرطان و... به طور همزمان یا با فاصله زمانی میشوند، بیماری ویلسون، زخم معده و یا التهاب معده و اثنی عشر و ریفلاکسی که با میگرن همراهی داشته باشد، بیماری التهابی روده (IBD) شامل کرون و کولیت اولسراتیو.

**\*بیماری های زنان و زایمان:** سقط های کاملاً بی دلیل بخصوص در ماه های آخر بارداری، ناباروری یا سقط در زنان بخصوص اگر آن زن همزمان مبتلا به یکی از بیماری های ذکر شده مثلاً میگرن، صرع و پانیک و... باشد، جنون بعد از زایمان (که با افسردگی پس از زایمان متفاوت است) جنون دوره نفاس، که طی آن مادر ممکن است به خودش یا بچه اش به صورت عمدی یا بی اختیار صدمه بزند و یا شنیدن صداهایی که به مادر دستور به قتل نوزاد میدهند و....، فشارخون بارداری (یا همان پره اکلامپسی = به معنی قبل از تشنج) بیماری است که اگر درمان نشود فشار خون مادر بالا میرود کلیه ها پروتئین دفع میکنند و بدن ورم میکند، پلاکت ها گاهی افت کرده و در نهایت بیمار تشنج تونیک کلونیک منتشر میکند (همانند صرع) و حیات مادر و فرزند هر دو در خطر

است که دلیل شناخته شده ندارد، حالات عصبی و روحی و روانی در زنی که قبلاً در بارداری های قبلی دچار پره اکلامپسی بوده و بعد از زایمان آن حالات عصبی و روحی روانی باقی بمانند و ادامه پیدا کنند خصوصاً اگر به میگرن، وسواس و یا سایر بیماری های ذکر شده منجر شده باشد، بیماری آتی فسفولیپید (که با ایجاد لخته خون منجر به سقط های مکرر و ناباروری میشود)، آندومتریوز (که منجر به درد شدید ماهانه لگن و ناباروری و استرس و اضطراب فراوان می شود که غالباً با میگرن و پانیک و بختک و یا سایر حالات و امراض ذکر شده همراه است)، دائم الحیض بودن (خونریزی حیض دائم و طولانی) بدون دلیل خاص پزشکی (که معمولاً علتی برای آن یافت نمیشود و با انواع دارو های استروژنی و... هم کنترل نمیشود و در آخر گاهی به دلیل حجم بالای خونریزی مجبور به جراحی و خارج کردن رحم میشوند)، درد های لگنی نسبتاً شدید و بی دلیل، سندرم قبل از قاعدگی (PMS)، قاعدگی های مزمن دردناک، یائسگی زودرس (POF).

**\* بیماری های روماتولوژی:** بیماری لوپوس (SLE)، سندرم پای بی قرار (درد و گرفتگی عضلات ساق پا به خصوص موقع بستر رفتن که معمولاً به سختی به درمان جواب میدهد)، بیماری فیبرومیالژی که طی آن تمام بدن دچار درد مزمن و بی دلیل می شود، سندرم خستگی مزمن (CFS) که علت پزشکی واضح نداشته باشد و درمان نگردد، اسکرودرمی (محدود\_سیستیک)، سارکوئیدوز.

**\* بیماری های اطفال:** کولیک نوزادی یا همان گریه های بیش از حد و بی دلیل نوزاد که با هیچ دارویی بهبود نیابد و تمام آزمایشات و رشد کودک طبیعی است ولی کودک نزدیک غروب ها گریه میکند و دچار بی قراری شدید میشود، در کودکان تبی که با تشنج و هذیان و بخصوص سفید شدن چشم ها همراه است گاهی این تشنج همراه کودک می ماند، به همین دلیل در صورتی که بعد از سن ۷-۶ سالگی تشنج مکرراً تکرار شود و یا حالات صرعی بگیرد حتماً از انجام این برنامه سود می برند و حتی اگر فقط ۱ بار چنین تب و تشنجی در کودک اتفاق بیافتد توصیه میکنم این درمان را انجام دهید (چون قرار





نیست که هر کودکی که دچار تب شود تشنج کند و چشمانش سفید شوند و یا تشنج همراهش بماند، در چنین کودکانی احتمالاً ابتلا به سایر بیماریها و یا حالاتی که ذکر شده در آینده افزایش خواهد داشت)، بیش فعالی (ADHD)، اوتیسم (بیماری عدم توانایی ارتباط کلامی و رفتاری کودک با دیگران)، سایر اختلالات طیف اوتیسم (اسپرگر و...) .

**\*بیماری های قلب و عروق:** فشار خون بالا و یا افت فشار مکرر بی دلیل به خصوص اگر بیمار جوان باشد (مثلاً زیر ۲۵-۳۰ سال) و زمینه خانوادگی فشار خون وجود نداشته باشد خصوصاً اگر بیمار به تازگی دچار یکی از بیماری های ذکر شده باشد به خصوص به دنبال ابتلاء جدید به میگرن و صرع و... و بخصوص اگر فشار خون شدیداً بالاتر از حد طبیعی و غیر قابل کنترل باشد.

\*در مورد بیماریهایی که ذکر شد باید بدانید که به عنوان مثال اختلالات سدیم پتاسیم و یا ضربه به سر و یا توده مغزی نیز میتوانند منجر به تشنج شوند که علت طبی دارند و با درمان دارویی یا جراحی برطرف و یا ریشه کن میشوند و مزمن نمیشوند لذا به آن **صرع** نمیگویم، در اصل صرع تشنجی است مزمن، نسبتاً شدید، تکرار شونده و **بدون علت شناخته شده** که با هیچ دارویی نیز بهبود نمی یابد که در این مبحث وقتی میگویم صرع منظور این نوع از تشنج است نه هر تشنج دیگر، به همین شکل مسمومیت با مواد هالوسینوزن و توهم زا و یا عناصری مانند مس و یا حتی گاهاً توده های مغزی نیز میتوانند باعث حالات وهم و توهمی کم و بیش مشابه جنون شوند ولی این نوع جنون از علل قابل درمان جنون است که با دارو و یا ظرف مدت کوتاهی خودبخود ریشه کن میگردد لذا وقتی میگویم **بیماری اسکیزوفرنی** منظورمان اختصاصاً بیماری جنونی اسکیزوفرنی است که مزمن میشود و هیچ علتی برایش یافت نمیشود که شخص دیوانه میشود و هیچگونه درمان قطعی پزشکی هم برای آن وجود ندارد، به همین منوال وقتی میگویم **بیماری میگرن** منظورمان سردرد میگرنی است که بدون علت شناخته شده بوجود میآید، لا علاج است و مزمن میشود، نه سردردی که به دنبال مصرف داروهای

جلوگیری از بارداری و یا فشار خون بالا بوجود میآید چرا که این نوع سردرد ناشی از دارو که از قضاء الگوی شبیه به میگرن هم دارد (که همراه با حالت تهوع و اذیت شدن از نور و سر و صدا و.... است) با قطع کردن قرص جلوگیری به راحتی و ظرف مدت کوتاهی برطرف میشود ولی میگرن اینچنین نیست و هرکاری که بکنید باز هم سردرد به سراغتان خواهد آمد و برطرف و ریشه کن نخواهد شد چرا که آن عامل خبیث و پلید بیماریهای ذکر شده در صورت عدم درمان معنوی تا آخر عمر همراه شخص وجود دارد و قطعاً حال روحی و جسمی شخص را تا حدی که بتواند به هم خواهد زد و با سباحت تر از آن است که بیمار را به حال خود رها کند، به همین دلیل وقتی میگویم **بیماری صرع** یا **بیماری** و **سواس** یا **بیماری میگرن** منظورمان تشنج یا سردردی است که به طور شایع در بین مردم شیوع دارد، علتی برای آن یافت نمیشود و لا علاج است، و الا سردرد یا تشنجی که به دنبال مصرف دارو یا ضربه به سر بوجود میآید در آن صورت به آن **سردرد** و یا **تشنج** میگویم و دیگر اسمشان **بیماری میگرن** و **بیماری صرع** نیست. (فهمیدن این نکته برای جلوگیری از افراط و تفریط و تشخیص های غلط در این مقوله لازم است به همین جهت بهتر است تشخیص های تخصصی زیر نظر متخصص مربوطه صورت بگیرد).

در عین حال توجه داشته باشید که نمیتوان گفت هر نوع بیماری که لا علاج و مزمن و ناتوان کننده و با علت نامشخص باشد از ناحیه جن و چشم زخم و جادو است، ولی تاجایی که من متوجه شده ام تمام **بیماریهایی** که در این کتاب بیان شدند و **حالات ذهنی و روحی و جسمی** شان نیز ذکر شد در این مقوله (**هزاد، چشم زخم، جادو**) می گنجند و در موارد بسیاری درمان کامل را شاهد بوده ام.



## \* برنامه درمانی برای بیمارهای مذکور از قرار زیر است:

**(الف) رعایت شرع** (نماز، روزه واجب، خمس، زکات، صدقه روزانه، رعایت احکام شرعی، غسل واجب جنابت، حیض و...)

در یک کلام و به طور خلاصه رعایت شرع همان ترک محرمات (کارهای حرام) و انجام واجبات است و از آنجایی که هر نفسی در گرو عمل خویش است (سوره المدثر آیه ۳۸) انتخاب با خود شخص است.

**\*نکته:** توصیه الف مهم ترین نکته و اساس درمان است بطوریکه بیمارانی که این موضوع را رعایت نکنند ولی مابقی نکات را رعایت کنند تأثیر نسبی (ونه کامل) در درمان خود خواهند دید، یعنی با وجود عدم اعتقاد باز هم تأثیر گذار است ولی نه به طور کامل به این معنی که تلقین کردن تأثیر زیادی در این درمان ندارد و این رعایت و انجام موارد ذکر شده است که تأثیر گذار است و نه اعتقاد به این درمان و تلقین و تخیل، و از آنجایی که اینجانب این درمان را روی همه قشر آدم اعم از با دین یا بی دین امتحان کرده ام در هر دو مورد بهبود سریع علایم بالینی بیمار مشهود است، یعنی حتی اگر بیمار نعوذ بالله اعتقادی به خدا و پیامبر و یا این درمان نداشته باشد باز هم این درمان بر روی بیمار تأثیر گذار است و شدت بیماری را کم و یا حتی درمان میکند ولی یکی از تفاوت های مهم این است که آن قشر از بیماران مبتلا به بیماری های ذکر شده که خیلی مقید نیستند از قبول این درمان جداً اجتناب میکنند و یا با آکراه میپذیرند و یا بعد از چند روز انجام برنامه حتی با وجود تأثیر دیدن از این درمان ادامه درمان را متوقف میکنند الا ما شاء الله، لذا سخن را کوتاه میکنم، هر آنکس که جوینده درمان است یابنده است ان شاء الله.

شروع اثر درمان بسیار سریع و از حدود روز پنجم تا هفتم است ولی در بعضی موارد سریعتر است (انتظار از این درمان زمانی معقول است که تمام نکات از زمان شروع تا حد امکان همگی باهم رعایت شوند. نه اینکه برخی موارد را رعایت کند و مابقی را روزها

یا هفته های بعد رعایت کنند، می توانید تاریخ شروع و پایان دوره ۳۰-۴۰ روزه را در تقویم علامت بزنید)

توصیه مؤکد می کنم که درمان را نیمه کاره رها نکنید، در طول درمان ممکن است افکاری بی دلیل به صورت پیش قضاوتی مبنی بر تأثیر نداشتن این کارها یا تمسخر این روش ها به ذهن بیمار بیاید و یا شک و تردید زیادی در ارتباط با این برنامه پیش بیاید تا بیمار از ادامه درمان منحرف شود به طوریکه ممکن است خودش هم نداند چرا میل به انجام آن ندارد ولی با توکل به خدا و ایمان و بدون شک و تردید برنامه را ادامه دهید تا آن شا الله به نتیجه مطلوب برسید.

**ب) روزانه نزدیک غروب اسپند همراه با مقدار خیلی کمی کندر دود داده شود و بدن و سر و صورت در معرض آن قرار گرفته شود و با چشمان بسته از راه دهان و بینی در دود آن نفس کشیده شود (بخور کردن) فقط ابتدا شعله آن خاموش شود تا آتش نگیرد! در خانه و اتاق ها نیز دود آن منتشر شود (در آسم احتیاط شود).**

**ج) تشمت آبی آورده (پُر باشد، می توانید در حمام و یا بیرون از حمام این کار را انجام دهید) سپس رو به قبله نزدیک تشمت نشسته دهان را نزدیک آب برده و با صدای نسبتاً بلند به طوریکه با بازدم شخص آب تکان بخورد سوره ها خوانده شود (خود بیمار و یا شخص دیگر نیز می تواند این کار را انجام بدهد و ترجیحاً خود شخص بیمار یا شخصی از خانواده که مؤمن است و غسل واجب بر گردن اش نیست و طهارت دارد بخواند) و بعد از خواندن هر بار سوره و آیات تکرار شونده به آب فوت شود. یعنی اگر قرار است که سوره ای ۳ مرتبه خوانده شود در پایان هر بار باید ۱ مرتبه فوت شود. برای آیات تکرار شونده مثل و ان یکاد بعد از هر بار خواندن آیه باید به آب فوت شود.**

**آیاتی که باید به آب خوانده شود:**

سوره حمد ۳ بار، توحید ۳ بار، ناس ۳ بار، فلق ۳ بار، کافرون ۳ بار، آیه الکرسی ۱ بار (تا العلی العظیم)، سوره صافات از ابتدا تا شهاب ثاقب ۳ بار، سوره جن تا آیه شهاباً رسداً ۱ بار، آیه ۱۰۲ سوره بقره ۱ بار، سه آیه آخر سوره بقره (آمن الرسول) ۱



بار، آیه ۸۰ تا ۸۲ سوره یونس ۳ بار، آیه آخر سوره قلم (و ان یکاد) ۳ بار، شش آیه اول سوره ملک ۱ بار، آیه ۳۳ سوره الرحمن ۷۰ بار (یا معشرالجن والانس) و بعد از هر بار خواندن آیه فوت شود\*\*\*آیه ۳۳ سوره الرحمن بسیار مهم و کاربردی است، ولی اگر ۷۰ بار خواندن اش مشکل بود به ۳ مرتبه خواندن آیه اکتفا شود ولی ۷۰ بار خواندن این آیه بسیار مؤثرتر است. سوره زلزال ۴ بار، سوره انشراح ۳ بار، سوره نصر ۳ بار، چهار آیه اول سوره فتح ۳ بار، چهار آیه آخر سوره حشر ۳ بار، آیه ۸۱-۸۲ سوره اسراء ۳ بار، به آب خوانده شود (در صورت تمایل آیات بیشتری نیز برای این امر وجود دارد ولی اگر برایتان سخت بود به همین مقدار آیات اکتفا شود ولی اگر به دلیل ناتوانی یا معلولیت و.... همین مقدار را هم نتوانستید انجام دهید پس به خواندن سوره های حمد (۳ مرتبه)، ۴ قل (هر کدام ۳ مرتبه) و آیه الکرسی (۱ مرتبه تا وهو العلی العظیم) بسنده کنید)

سپس با این آب: ۱. مقداری از آن در آبپاش گذاشته شود و به چهارگوشه بالا و پایین خانه و اتاق ها و حمام و محل خواب، لباس های شخصی، جاهایی که بیشتر دچار ترس و اضطراب می شوید و همچنین ورودی خانه پاشیده شود (هر ۲-۳ روز یکبار). ۲. جهت وضو گرفتن روزانه نیز مقداری جدا شود. ۳. مقداری نیز در یک پارچ جهت نوشیدن روزانه استفاده شود (یک استکان صبح و ظهر و شب مصرف شود) و در صورتیکه آب حمام، آب غیر شرب باشد، باید یک مرتبه دیگر آیات به ظرف آب شرب خوانده شود و سپس برای یک هفته استفاده گردد و پس از اتمام تکرار شود. ۴. حال چون آب لکن هم نصف شده و هم ممکن است سرد باشد، آب گرم یا ولرم به لکن اضافه کنید تا پر شود سپس هفته ای یک بار با چنین آبی غسل ترتیبی کنید (ابتدا سر سپس نیمه راست و در آخر نیمه چپ بدن).

\*در صورت امکان هنگام غسل یک تشت زیر پایتان قرار دهید تا آب غسلی که انجام می دهید به دلیل حرمت اش درون جای ناپاکی نرود. در پایان میتوانید آن را پای درختی بریزید.

\* در صورتی که آیات به حجم بالایی از آب خوانده شود مثلاً روی یک تشت، آب بدست آمده برای یک هفته کافیست (یعنی لازم نیست که هر روز اینکار را انجام دهید بلکه با ۱ بار انجام اینکار برای ۱ هفته آب خواهید داشت) برای دیدن نتیجه بهتر یک روز قبل از اینکه آب تمام شود دوباره این کار انجام شود به مدت حداقل یک دوره ی تقریباً ۴۰ روزه و نکته دیگر اینکه بعد از غسل، دیگر آبی روی سر و بدن نریزید و در صورتی که سر و بدن را سریعاً خشک نکنید تأثیر بیشتری خواهد داشت. (با رعایت شرایط دمای منزل)

\* در مورد اطفال و نوزادان مبتلا به فلج مغزی و یا صرع و کولیک نوزادی و... میتوانيد با آب بدست آمده در هنگام حمام آنها را غسل دهید و قدری از آب را در ظرف آپاش ریخته و روزانه به صورت ملایم به نوزاد و اطراف اش و ۴ گوشه های بالا و پایین خانه و اتاق ها و ورودی اتاق ها پاشیده شود و هم اینکه با قطره چکان هرروزه اندازه ۱-۲ قطره در هر سوراخ بینی اش چکانده شود، گذاشتن صدای پخش قرآن بخصوص سوره بقره با گوشی موبایل و... با صدای کم در هنگام خواب نوزاد بخصوص شب ها میتواند به آرامش کودک در موارد کولیک و صرع و CP و... کمک کند؛ در نوزادان کولیک که همیشه در حال گریه هستند و حتی با ترس و گریه از خواب میپرند جابجا کردن اتاق خواب نوزاد و تنها نگذاشتن نوزاد و گذاشتن حرز ابودجانه صغیر که دست نوشته ای مبارک از پیامبر است (باید به اسم نوزاد باشد به این شکل که بجای صاحب کتابی هذا باید نام {اسم مریض فرزند مادرش} را بنویسید به طور مثال علی ابن معصومه یا الهام بنت معصومه) سپس بر گردن یا لباس نوزاد و یا حتی شخص بالغ دچار بیماری ذکر شده، آویزان شود که برای حفاظت از شیاطین جن و انس و تمام بیماری های نامبرده شده در این کتاب و دفع اضطراب بی دلیل و... تأثیر گذار است انشاءالله.)

\* اگر برای فردی قرائت آیات به آب به دلیل سواد نداشتن و یا هر دلیل میسر نبود تمام آباتی که ذکر شد (و اگر برایتان دشوار بود فقط سوره های حمد ۴ قل و آیه الکرسی) را بر روی برگ کاغذ A4 ترجیحاً سفید و بدون خط توسط خود بیمار یا دیگری نوشته شود (در این صورت لازم نیست که مثلاً سوره حمد ۳ بار نوشته شود بلکه همان یک مرتبه



نوشتن آیات کافی است) سپس آن نوشته را در تشت آب حمام قرار دهید (جهت غسل و وضو) و همچنین یک مرتبه دیگر نیز آیات نوشته شده و در پارچ آبی گذاشته و روزانه صبح ظهر شب از آن آب نوشیده شود، در آخر اگر نوشته ها پاره شدند و یا پاک شدند برگه ها را خاک کنید و یا در آب روان بیندازید و دوباره بنویسید و چندین مرتبه اینکار را انجام دهید تا طول دوره درمان به حد ۴۰-۳۰ روز برسد.

**د) رقیه شرعی :** اینکه عامل ایجاد فلان حالت یا بیماری صعب العلاج-لاعلاج ناشی از همزاد است یا ناشی از چشم زخم و یا سحر و جادو برخلاف آنچه که بسیاری از افراد دعانویس برای جلب مشتری بیان میکنند اهمیت خاص و تفاوت آشنائی در نحوه درمان ندارد، چرا که درمان همه اینها مشترک است به اینصورت که ابتدا طی چند دوره ۴۰-۳۰ روزه این درمان با آب قرآنی و بخور اسپند را انجام داده (که در اکثر بیماران مبتلا به میگرن و IBS حتی با یک دوره درمان بیماریشان کاملاً و به راحتی از بین میرود و ریشه کن میشود.) و در نهایت در صورت شدید یا مقاوم بودن علائم بیمار (مثلاً صرع مقاوم، فلج مغزی (CP) و یا فلج ناشی از دیستروفی دوشن و یا اختلالات ستون مهره ها در نوروفیبروماتوز و یا تومور بدخیم شدیداً بدخیم پیشرونده مغزی، استخوانی، شکمی و یا سایر نقاط، اسکیزوفرنی شدید با توهمات آمرانه، دوقطبی (فاز مانیا) و... (کلاً بیماریهایی که نیاز به بستری مکرر و بعضاً شوک مغزی، جراحی ارتوپدی و... پیدا میکنند) توصیه به رقیه شرعی (با قرآن) میشود که در این مورد جوینده یا بنده است (هر چند که این رقیه شرعی، نباید باعث به عقب افتادن جراحی و شیمی درمانی و... گردد و چه بهتر اگر همزمان هردو باهم پیگیری شوند)، البته لازم به ذکر است که در این راستا باید بسیار مراقب باشید چرا که احتمالاً با بسیاری از انسان های شیاد و شیطان صفت و متجاوز و یا ساحر که در لباس تقوا پنهان شده اند روبرو میشوید، لذا لازم است که به خوبی نسبت به شخص راقی تحقیق شود که احتمال دارد در صورت عدم دسترسی مجبور شوید از علمای حوزه های علمیه مشورت بطلبید تا به فرد مورد نظر هدایت شوید. در نهایت در صورت عدم دسترسی به راقی، یکی از نزدیکان بیمار که ترجیحاً از جنس مرد و باایمان و محرم باشد ابتدا وضو گرفته، دست راست اش را بر روی سر بیمار گذاشته و با پناه بردن

به خدا و بدون ترس ابتدا اذان سپس سوره های حمد، ۴ قل (توحید، ناس، فلق، کافرون)، آیه الکرسی (تا و هو العلی العظیم) را هر کدام ۳ یا ۷ مرتبه با صدای متوسط رو به بلند، با اقتدار و با فاصله کمی از گوش راست بیمار خوانده و در پایان هر سوره به سمت بیمار فوت کند (همان دم کردن، رقیه کردن)، بیمار طی رقیه شرعی میتواند دراز بکشد و چشمانش باید ترجیحاً با پارچه ای بسته باشد (ولی حتی الامکان به خواب نرود) و در صورتی که برای شخصی توانایی خواندن این سوره ها میسر نیست میتواند ۷۰ مرتبه سوره حمد را بخواند و بدمد که بسیار اثر گذار است، و در مواردی که مثلاً تومور بدخیم به صورت ناگهانی در ناحیه تحتانی استخوان ران اتفاق افتاده ترجیحاً هنگام رقیه شرعی، دست راقی بر روی موضع مورد نظر گذاشته شود. (نظر شخصی بنده این است که بجای سردرگمی برای پیدا کردن راقی دیندار در این شهر و آن شهر که بعضاً هزینه هایی هم در پی دارد یکی از افراد خانواده که مؤمن باشد و دائماً در دسترس باشد بسیار کمک کننده است و میتواند جای خالی راقی را پر کند ولی برای بیمارانی که با انجام رقیه شرعی رفتار بیمار از حالت عادی خارج میشود بهتر است اینکار نزد راقی با تجربه انجام شود).

برای نتیجه بهتر ممکن است لازم باشد به مدت ۴-۳ هفته و هر بار به مدت ۴۵-۳۰ دقیقه (نه بیشتر) و درمورد تومورها و یا دیستروفی و سایر بیماری های زمینگیر کننده ای که مثال آن ذکر شد، حتی تا چند ماه بیمار به طور منظم رقیه شرعی شود و نکته مهم اینست که نباید مابین جلسات رقیه فاصله باشد و به طور معمول فاصله ۱ روز در میان کافی و مناسب است (برای رقیه های طولانی تر از ۱ ساعت الزاماً باید اینکار نزد راقی مؤمن و یا یک عالم دینی صورت بگیرد چراکه ممکن است حالاتی پیش بیاید، لذا به طور متوسط رقیه شرعی به مدت نیم ساعت و یک روز درمیان آن شالله کافی و شافی است) در حین رقیه شرعی بیمار با قرآن در صورت ایجاد رفتار خارج از اراده توسط بیمار، رقیه را پایان دهید و با باز کردن چشمان بیمار و یا پاشیدن آب سرد به سر و صورت اش او را هوشیار کنید و نکته دیگر اینکه برای رقیه بیمارانی مبتلا به جنون اسکیزوفرنی و یا دوقطبی باید مراقبت و احتیاط بسیار زیادی صورت گیرد.





موضوع دیگری که باید به آن توجه شود این است که به عنوان مثال برای پدری که بسیار ثروتمند است و یک دختر دم بخت مبتلا به صرع مقاوم شدید و توهم بینایی دارد که با قویترین داروهای ضد صرع هم کنترل نشده وقتی که برای انجام راهکار درمان قرآنی توصیه ای داده میشود آن پدر از آنجا که میداند دخترش بی حجاب و مقید به دین و نماز و عفاف نیست به جای امر به دخترش برای رعایت شرع و انجام درمانی معنوی قرآنی (مشابه چیزی که در این کتاب گفته شده) چون میداند دختر بیمارش گوشش به این حرف ها بدهکار نیست و هیچ چیزی را قبول ندارد به جای آن شدیداً سراغ راقی (رقیه کننده) را میگیرد تا دخترش را با قرآن نزد یک شخص مؤمن دیندار رقیه شرعی و درمان کند، در چنین موردی نه تنها آن عامل شیطانی ایجاد کننده بیماری دست بردار چنین شخصی نیست بلکه در صورت موفق شدن به درمان با رقیه (که احتمالش کم است) ظرف مدت کوتاه چند هفته ای یا چند ماهه بیماری دوباره برمیگردد و حتی ممکن است با شدت بیشتری شخص را مجدداً گرفتار کند (که علای دین این موضوعات را بهتر میدانند و حتی به صورت تجربی موارد بسیار زیاد اینچنینی را بسیاری از راقی ها مشاهده میکنند) که مهمترین دلیل این حالت عدم رعایت شرع مقدس است.

با این اوصاف رقیه شرعی برای همه شما خوانندگان محترم نیست بلکه فقط و فقط برای موارد خاص بسیار شدیدی است که مثلاً بیمار دچار فلج ناگهانی ناشی از MS یا ALS شده و یا دچار جنون اسکیزوفرنی (توهمات شنوایی) و یا بیماری دو قطبی میباشد و یا دچار صرع و تشنج های مقاوم به دارو و یا CP میباشد، یا اینکه بیمار کودکی است مبتلا به اوتیسم که به درمان با آب قرآنی طی چند دوره پاسخ نسی و یا ضعیفی داده و برای به دست آوردن توانایی تکلم باید رقیه شرعی شود، یا کودکی است که هر شب در خواب راه میرود و در خیابان ها گم میشود و پلیس آن را ناهوشیار در خیابان پیدا میکند و یا در حالت خواب اقدام به قتل و یا اقدامات مجرمانه میکند و... که صد البته برای نتیجه گیری کاملتر و پایدارتر، پابندی و رعایت شرع بسیار کمک کننده و عضو جدایی ناپذیر است.

مواردی غیر از امراض فوق غالباً آنقدر شدید نیستند که به آب قرآن خوانده و بخور اسپند و رعایت شرع جواب ندهند، بلکه تا جایی که اینجانب دیده‌ام در سایر بیماری‌های ذکر شده به محض شروع درمان ظرف یک هفته شروع تغییرات بهبودی جسمی و روحی را با سرعت بالا مشاهده خواهید کرد ان شاءالله.

از نظر بعضی بیماران و یا حتی پزشکان چون بیماری‌های شدیدی مثل صرع و میگرن و روده تحریک پذیر و MS که پزشکان متخصص و آن‌هم با داروهای خارجی و گران قیمت روز دنیا توانسته‌اند آنها را درمان کنند پس این یعنی درمان ندارند و باید تا آخر عمر بیماری را تحمل کنند و با آن زندگی کنند و بسازند، در حالیکه این ضعف طب را می‌رساند و من به شما امید می‌دهم که درمانتان ان شاءالله در این نسخه است. لذا باز هم تأکید می‌کنم که اگر شروع می‌کنید درمان را نصفه و نیمه رها نکنید و اما یک نکته دیگر، شما طی این درمان به خدا و کلماتش (قرآن) متوسل میشوید و به عظمت و برکت و نورانیت و حرمت این کلمات (کلام الله) از این امراض نجات پیدا میکنید، برای آن دسته از بیماران که اعتقاد به چیزی ندارند اگر حاضر به انجام چنین درمانی شوند در آنصورت خیرشان به خودشان رسیده است. فرقی اساسی که این درمان با درمان‌های دیگر دارد این است که شخص بیمار طی این درمان به عبارتی به خدا و کلامش توسل و توکل میکند. کاری که برای بسیاری از خدا ناپاوران از جان دادن هم سخت‌تر و سنگین‌تر است که بیایند و از قرآنی که به آن اعتقاد ندارند برای درمان مرضشان استفاده کنند (سوره بقره آیه ۴۵). ولی به هر حال در صورت انجام دادن آن و درمان شدن با قرآن تصمیم برای ادا کردن دینی که به دنبال فهمیدن حقایق و معجزه قرآن و خداوند برگردنشان می‌آید و یا عدم انجام آن با خود آن‌هاست و نکته مهم اینست که کسی که این درمان قرآنی را برای درمان میگرن و صرع و فوبیا و استرس و سایر بیماری‌های ذکر شده انجام میدهد در صورت عدم رعایت شرع که یک عامل حفاظتی است احتمال عود و برگشت مجدد بیماری در آن شخص بیشتر از کسی است که دستورات شرع را رعایت میکند و این رعایت شرع برای رضایت من نیست بلکه فقط و فقط برای حال خودشان است.



دلیل حالت گرانبار و سنگین بودن انجام این برنامه در بعضی بیماران صعب العلاج و **فرار کردن** از درمان قرآنی حاصل غلبه چندین ساله و قوت گرفتن و تسلط کامل آن عامل بیماریزای وسوسه افکن است که این حالت اضطراب و وحشت ناگهانی و سنگین بودن قرائت قرآن جهت درمان را در آنها ایجاد می کند بطوریکه فراری میشوند و به هیچ وجه (حتی اگر ببینند که بعضی از بیماران با این شیوه درمان شده اند) حاضر به انجام این برنامه نمیشوند درحالیکه خودشان هم میدانند چرا (شاید وصف حالشان مشابه سام بن نوح باشد که هنگام وقوع سیل عظیم و طوفان، پدرش نوح فقط از او خواست سوار شود و حتی از او نخواست که در همان دم ایمان بیاورد و سپس سوار شود، ولی با این وجود به خاطر لجابت دینی و غرور حاضر شد غرق شود ولی سوار بر کشتی نشود، چراکه از قبل آن را تمسخر و مسخره کرده بود و سعی داشت بر سر حرف خود بماند! و از خدا کمک نگیرد.) و این هم توضیحاتی عمیق تر لاولی الأبصار.

### \*درمان امراضی که ذکر شد به طور کلی به ۴ طریق است:

(الف) دارو درمانی و بکار بردن پزشکی روز دنیا (اعم از دارو، جراحی، شوک مغزی، روان درمانی و...) که از میان اینها معمولاً دارو درمانی اولین گزینه درمان بیماران است که تأثیر سریع و موقت برای بهبود حال بیمار و رفع علایم بیمار (هرچند موقت) ایجاد می‌کند ولی اکثراً در بیماری‌های مذکور عود مکرر بیماری مشاهده می‌شود و یا بیمار باید برای سالهای طولانی یا حتی تا آخر عمر دارو بخورد با اینکه نه خود و نه پزشک اش غی دانند که چه چیزی را می‌خواهند درمان کنند، مثلاً در میگرن بیمار بدون دلیل و به دنبال هر محرکی مثل یخ‌خوابی و گرسنگی و حتی گاهی بدون دلیل سردرد می‌گیرد و ما مکرر مسکن می‌دهیم و حتی در بسیاری موارد با رعایت کردن رژیم غذایی و اصلاح خواب و.... نیز آنچنان فرقی به حال بیمار نمی‌کند و گمان سردرد اتفاق می‌افتد. یا در صرع مغز بیمار بدون دلیل شناخته شده‌ای از زمان خاصی ناگهان تحریک پذیر شده و بیمار تشنج می‌کند و ما ضد تشنج (تضعیف کننده سیستم اعصاب مرکزی یا به عبارت عامیانه همان آرامبخش) می‌دهیم که این کار علامت درمانی است نه درمان ریشه کتی قطعی، که گاهی برای کنترل تشنج‌های شدید و مکرر بیمار مجبور به تجویز چند داروی ضد تشنج و آن هم با دوز کامل (Full Dose) می‌شویم به طوریکه بیمار در تمام طول شبانه روز یا خواب است یا احساس خواب آلودگی دارد و بعضاً بیمار باز هم تشنج‌های گاه و بی‌گاه می‌کند و آتھایی هم که برای مثال با یک داروی ضد تشنج بیمارشان کنترل میشود (حتی اگر عوارض این داروها را در نظر نگیریم) در اینصورت باید سال‌های سال دارو مصرف کنند و همچنان خطر مرگ ناشی از غرق شدن و یا تصادف و یا ضربه به سر ناشی از تشنج گاه و بیگاه وجود دارد و صد البته حتی اگر بیمار با مصرف دائم دارو دیگر تشنج نکند باز هم حالات عصبی-اضطرابی بی دلیل که ذکر شد غالباً تا آخر عمر همراه آنان خواهد بود.

البته جدیداً برای علاج بعضی از بیمارهای ذکر شده درمانهایی ارائه شده که بیشتر شبیه حذف صورت مسأله هستند تا درمان. به عنوان مثال برای درمان صرع شدید مقاوم سعی



میکنند بیمار را قانع کنند تا رضایت دهد که قسمتی از بافت مغز اش (یا حتی نیمکره مغز!) که در ایجاد تشنج صرعی دخیل است را به روش جراحی بردارند (که هیچ تضمینی هم برای عدم بازگشت تشنج وجود ندارد) که در بعضی موارد نیز تشنج دوباره از ناحیه دیگری از مغز شروع به فعالیت میکند! و یا در میگرن شدید گاهی اعصاب حسی ناحیه شقیقه (گیجگاه) در سمت درگیر را با جراحی برمیدارند، اینکار مثل این است که انگشتی را که درد میکند چون درمانی برای آن سراغ نداریم آن را قطع کنیم، در این شرایط از آنجا که عامل ایجاد کننده این بیماری ها مقداری از ما زرنکتر میباشد جالب است که حتی اگر درچنین بیماری اعصاب حسی پیشانی و شقیقه اش را قطع کنیم احتمال دارد که سردرد در آن سمت شقیقه شروع شود! و نکته دیگر اینکه حتی اگر نیمکره مغز در بیمار مصروع برداشته شود و یا اعصاب شقیقه و فرونتوتیمپورال در میگرن جراحی شوند و موفقیت آمیز هم باشند در نهایت باز هم آن استرس ها، ترس و اضطراب ها، بی خوابی ها و بختک ها و... کم‌کم آن حضور خواهند داشت چرا که علت همچنان حضور دارد!

در مورد بیمارهایی مثل اختلالات اوتیسم نیز که طی آن کودک به دارو درمانی (داروهای آنتی سایکوتیک (ضد جنون)) پاسخ نمیدهد نهایتاً کودکان بیمار را به کارگاه های آموزشی برده تا با کودکان مشابه خود که آنها نیز گرفتار این بیماری اند عمر خود را به سر آورند و با وجود اینکه هیچگونه علت و درمانی برای آن پیدا نمیکنند برای سرپوش گذاشتن بر روی ضعف و ناتوانی در درمان از طرف بهداشت جهانی طوری وانمود میشود که این کودکان استعداد خاص در موسیقی و ادراک و تصورات، آهنگسازی، پیانو زدن، نقاشی و... دارند و یا اینکه نباید آنها را دست کم گرفت و یا در کشورهای دیگر شاهد کمپین و تجمعات بی هدف و راهپایانی ها و انجمن های بیماران صرع، اوتیسم و.... هستیم درحالیکه جمیع این ها دردی از بیمار و خانواده بیمار و وجهه اجتماعی این بیماران در جامعه دوا نمیکند، بلکه باید یک جواب منطقی و قانع کننده داده شود تا بیمار بداند که علت درد اش دقیقاً چیست با برطرف شدن بیماری اش بتواند همچون شخص سالم ازدواج کند، شاغل شود و به زندگی خود پردازد، چیزی که با درمان پزشکی نوین امروزی در

مورد بیماری‌هایی مثل ام اس، اسکیزوفرنی، اوتیسم، صرع و.... نسبتاً عجیب و غیر ممکن است.

**ب) درمان با طب سنتی-گیاهی** که این روش هم در درمان بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج در بهترین حالت اثری تقریباً مشابه با داروهای پزشکی مدرن دارد با این تفاوت که عوارض جانبی کمتری دارد ولی اثر این درمان هم در مورد بیماری‌های صعب‌العلاج-لاعلاج ذکر شده تا حدود زیادی درمان علامتی است بطوریکه مثلاً برای بیماری‌هایی مثل میگرن از چکاندن روغن بنفشه در بینی و یا برای بیماری‌های جنونی از آفتیمون (سودا بر) و برای بعضی اضطراب‌ها و تشنج‌ها از اسطوخودوس و یا گل گاوزبان و سنبل الطیب استفاده میشود که تقریباً اثرات خواب‌آور-آرامبخشی مشابه داروهای بنزودیازپین (آلپرازولام-لورازپام-کلونازپام و...) در پزشکی مدرن دارند، ولی این درمان هم نمیتواند بیماری‌های صعب‌العلاج-لاعلاج ذکر شده را به طور کامل ریشه کن کند چرا که عامل اصلی ایجاد بیماری را هدف قرار نداده و بیشتر جنبه درمان کمکی دارد. همگی بیماران مبتلا به این بیماری‌ها و پزشکان و حتی اطباء سنتی نیز این موضوع را متوجه شده اند که اگر بیماران مبتلا به میگرن و صرع و وسواس و... بخواهند به طب سنتی و یا مدرن اکتفا کنند ممکن است لازم باشد تا آخر عمر یا حداقل برای دوره‌های طولانی مدت سالیان دراز گل گاو زبان و سنبل الطیب یا کلونازپام و فلووکسامین یا ایوپروفرن و نوافن و دیکلوفناک و یاروغن بنفشه و یا والپروات سدیم و اولانزاپین و سیتالوپرام و... مصرف کنند (که اکثراً در طولانی مدت برای بیمار زخم اثنی عشر و یا معده و چاقی یا وابستگی و اعتیاد ایجاد میکنند خواه اعتیاد به داروی بنزودیازپینی باشد خواه گل گاو زبان و سنبل الطیب گیاهی) و این چیزی نیست که من بگویم بلکه حقیقت عیان است و قریب به اتفاق این گروه بیماران میدانند که چه میگویم چرا که از مصرف انواع آمپول‌ها و قرص‌ها گرفته تا مصرف انواع عرقیات سنتی و دم‌کردنی‌ها تا حمامات و زالو درمانی و طب سوزنی و انرژی درمانی و یوگا و در نهایت دعا نویسی و... هم مراجعه کرده اند! نکته کار اینجاست که موارد ذکر شده در صورتی مفید واقع میشوند که در کنار



درمان قرآنی-معنوی به کار برده شوند و نه به تنهایی به این معنی که تا زمانی که توصیه به معنویت و توسل و دعا به درگاه خداوند در علم پزشکی و طبابت جایی نداشته باشد نتیجه همین چیزی میشود که میبینید.

ج) استفاده از سحر و جادو و کمک گرفتن از موجوداتی خبیث جنی و نادیدنی به قصد درمان بیمارهای صعب العلاج - لاعلاجی مثل صرع و وسواس و میگرن و انواع فلج و.... چرا که از قدیم الایام وقتی مردم به زیاده خواهی های رویایی خود دست نمی یافتند و یا بیمار لاعلاج داشتند و میدیدند پزشکان و اطباء سنتی از درمان آنها عاجزند و یا برای ابطال سحر و چشم زخم و یا به هر علت دیگری وقتی میخواستند خدا را دور بزنند و سریعتر و راحتتر به نتیجه مورد نظرشان برسند به این عمل حرام متوسل می شدند که بعضاً هم در اثر جهل و خرافات و یا با این فکر که این کار یک عمل الهی است به آن مبادرت می ورزیدند و به دلیل رواج فراوان این رفت و آمد ها نزد دعانویس، مردم و حتی مذهبیون برای این عمل قبحی قائل نبودند کما اینکه همچنان هم ادامه دارد و حتی از علم روز دنیا هم عقب نمانده اند بطوریکه در فضای مجازی و به طور علنی با پیشنهاد جادو برای به دست آوردن پول و ثروت و درمان امراض و ازدواج با همسر دلخواه، جلب محبت افراد و.... مردم را به بیراهه میکشانند.

ولی در باب بیمارهای صعب العلاجی که ذکر شد از آنجا که این قبیل بیماران طی دوران بهاریشان اکثراً دچار حالاتی مثل کابوس و بختک مکرر، غش های بی دلیل، ترس از تنهایی، احساس حضور شخصی نامرئی در پشت سرشان، اضطراب های بی دلیل، شنیدن صداهای عجیب و.... میگردند و خصوصاً بعد از اینکه دیدند با دوا و داروی پزشکی و یا گیاهی بهبودی ندارند متوجه میشوند که یک مشکلی در کار است! ولی متأسفانه اکثریت شان اولین راهکاری که به ذهنشان میرسد غلط ترین راهکار ممکن است که همان رفتن نزد دعانویس و ساحر است که باطل و شرک است چرا که انسان به غیر خدا متوسل می شود پس اگر فقط خدا را میپرستید بنا به فرمایش حضرت محمد(ص): کسی که نزد چنین افرادی برود و حرفهایشان را تصدیق کند کافر شده است به آنچه که بر من نازل شده است.

\*از رفتن نزد هر گونه دعانویس و ساحر و جادوگر و ملّا (تمام این اسامی که ذکر شد تقریباً به یک معنی اند) اجتناب کنید.

\*به هیچ وجه برای هیچ کاری چه گشایش های کاری و مشکلات مالی و ازدواج و چه درمان امراض مزمن صعب العلاج نزد دعانویس نروید و لااقل بدانید که با انجام این کار برای شخص مسحور از نظر طبی فاجعه به بار میآورد طوری که هیچ علاج طبی برای آن شخص پیدا نشود، در عوض درمان امراض و حالات مرتبط با چشم زخم و جادو و جنون و همزاد و... را بوسیله سنت نبوی پیامبر به شکلی که ذکر کردم درمان کنید و شک نکنید که درمانی موثرتر از این وجود ندارد.

در صورتیکه به طور اتفاقی نوشته یا چیزی در خانه پیدا شد که متعلق به شخص صاحب خانه نبود و یا چیزی جهت دفع چشم زخم یا به اسم محافظت برگردتان آویزان کرده اید و به شما گفته اند که آن را باز نکنید و باز کردید و دیدید روی آن در کنار آیات قرآن نوشته های عجیب و غریب و ناخوانا مشابه **شارلیوس فیطوش فیطوش هینطوش** (به طوری که معنی آن دانسته نشود) و یا مربعات و اعداد نوشته شده بود بدانید که خود آن نیز می تواند برای شما مشکلاتی بوجود بیاورد فلذا با دیدن جمله **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**

**الرَّحِيمِ** و آیاتی از قرآن سریعاً گول نخورید و خیالتان راحت نشود چرا که هیچ کدام از این امور بدون اذن الله تعالی صورت نمیگیرد و غالباً وجود کلمه بسم الله و یا آیاتی از قرآن برای کار افتادن طلسم الزامی است و خداوند اجازه انجام چنین عملی را در حیطه اختیارات انسان گذاشته است، چرا که بر اساس حکمت خداوند هبناطور که یک قاتل میتواند انسان بیگناه را با فتنه و نیرنگ به قتل برساند و اجازه و اختیار آن از طرف خداوند برای امتحان بشر صادر شده است در مورد جادو نیز چنین است، هر چند که این عمل کاری بس خبیث و پلید است و برای شخص سحر کننده حد شرعی ضرباً **بِالْأَسِيفِ** (مرگ) و در آخرت وعده عذاب جهنم مقرر شده است، لذا نباید ناامید شد چرا که خدایی که درد را داده درمان را هم معین کرده است، به همین جهت کاملاً حروف و گوشه و کنار و پشت و روی نوشته را چک کنید تا اطمینان حاصل کنید که جادو





حمل نمیکند و چه بهتر اگر کلاً از دست کسی چیزی نگیرید و به خود نیاویزید و شرط عقل را به جا بیاورید.

در چنین شرایطی و همچنین در صورت دستیابی اتفاق به طلسم که در گوشه و کنار خانه آن را پیدا کرده اید به هیچ وجه آن نوشته یا شیء را دور نیاندازید چراکه با باطل کردن طلسم، سحر و جادو اکثر اوقات بطور یکجا باطل میشود حتی اگر یک خانواده چند نفری را تحت تاثیر قرار داده باشد، چون در مورد بعضی سحر ها اگر بعد از دستیابی به طلسم آن را ندانسته دور بیاندازید ممکن است هیچگاه نتوانید آن جادو را باطل نمایید و یا کار بسیار دشوار گردد.

جهت باطل کردن طلسمی که پیدا کرده اید آن طلسم را جلوی دهان گرفته و سوره های حمد و ۴ قل هر کدام ۳ مرتبه، آیه الکرسی ۱ مرتبه، آیه ۱۰۲ سوره بقره ۳ مرتبه، آیات ابطال السحر حضرت موسی (ص) (سوره یونس آیه ۸۲-۸۰، سوره طه آیه ۷۰-۶۵، سوره الشعراء آیه ۴۸-۴۳، سوره آل عمران آیه ۱۲۲-۱۱۵) را به آن خوانده و در انتهای هر سوره و آیات تکرار شونده به آن شیء فوت و دمیده شود. جهت اطمینان از ابطال میتوانید تا ۳ روز متوالی اینکار را تکرار کنید، سپس بعد از اتمام سه روز، آیات ذکر شده به ظرف آبی خوانده و فوت شود و سپس آن طلسم را داخل آب قرآن خوانده شده قرار دهید (به مدت حداقل سه روز)، سپس در صورت امکان آن را متلاشی و منهدم نموده و از بین برده شود تا به اذن الله باطل گردد و موکل های آن سحر سوزانده شوند، ولی برای سحر هایی که به گره خوانده شده است ضمن خواندن همزمان آیات به گره ها و فوت کردن به آن گره را باز کنید تا به اذن الهی سحر باطل گردد، ولی در مورد سحرهایی که بوسیله قفل انجام میشوند باید قفل به هر طریق باز شود و آیات به آن خوانده شود و در آب قرآن خوانده شده گذاشته شود و سپس منهدم گردد و در مواردی که چاقوی ضامن دار علت آن است، باید ضمن خواندن آیات آن چاقو باز شود و در مورد سحر نعل اسب و سحری که توسط همسر در بالش گذاشته شده است و... نیز به طریقی که ذکر شد به اذن الله تعالی باطل میگردد، ولی در مورد سحرهایی که با پاشیدن سحر (سحر مرشوش) به صورت مایعی مثل روغن یا گریس یا ادراک یا خون و....

شخصی که به دنبال اینکار می‌رود در اصطلاح مردم عامه دعا کرده است در صورتی که دنبال سحر و جادو رفته است که در اصل کلمهٔ **دعا** در طول سالیان سال سرپوشی برای اقدامات شیطانی این قبیل افراد بوده تا در شیطانی بودن این عمل شبهه ایجاد شود و بتوانند آن را خدایی جلوه دهند که بعضی از مردم و حتی متأسفانه اشخاص مؤمن ساده لوح آن را به صورت انگشتی که شکل‌های عجیب و غریب دارد در دست می‌کنند، مانند سنگ شرف شمس که شکل‌های طلسم آلود شیطانی مانند \*م م م م م #**ق** و یا به شکل طلسم عین علی که متأسفانه در خانه های بسیاری از مردم ایران



وجود دارد، کلمات بی معنای شرک آلود جادو را در ساعت و زمانی خاص به قصد گشایش در امور و وسعت رزق و.... حک می کنند و حتی سندیت این طلسمات را بعضی کم عقلان و گمراه شدگان به ظاهر مذهبی نعوذ بالله به پیامبر (ص) و یا ائمه منصوب می کنند و حتی بی شرمی را به حدی می رسانند که این حروف طلسم را معادل اسم اعظم خداوند میدانند با اینکه خداوند چنین نامهای بی معنی و طلسم مانند ندارد (این را هم بگویم کلماتی مانند الم (الف-لام-میم)، الر، المص، کهیص، حمسق و... از کلمات مقطعه و آیات عظیم الشان قرآن کریم میباشند که نباید آنها را با کلمات جادو جایجا گرفت، ولی در صورتیکه در کنار آن کلمات جادو و اعداد مشاهده شود، آن نوشته جادو است و دیگر قرآنی نیست) و یا برای خودشان اینگونه توجیه میکنند که چون نیت مان آزار رساندن به کسی نیست و خیر است پس ایرادی ندارد و یا رزق و روزی و محبت و عشق و یا فروش کالا و احترام در بین مردم و گشایش بخت دختران و یا بستن آن و یا درمان امراض جسمی و روحی را از دعا و پوس و ملا می خواهند و بعضاً حتی کسانی که بچه دار نمی شوند اولاد و بچه آوردن خود را نیز از سحر (شیطان) طلب می کنند (که با اینکار شیطان جتنی از طریق جسم شوهری که طلسم را بر بازو یا کمرش بسته، با همسرشان همبستر میشود تا حامله شوند) (آیه ۶۴ اسراء) و یا در مورد بستن بخت دختران موکلی از جنس شیطان جنی با ترساندن خواستگارها و یا فراری دادنشان مانع ازدواج آن دختر میشود و یا با توسل به اینچنین کارهایی به اصرار و به حرام ازدواج هایی صورت میگیرد بطوریکه مثلاً با توسل به جادو کاری میکنند تا پدر دختر که با ازدواج دخترش با فلانی شدیداً مخالف بوده ناگهان موافقت میکند درحالیکه بعد از رضایت خودش هم نمی فهمد که چرا و چگونه به این سرعت راضی شد و یا مادری که برای پسرش از فلان دختر فامیل خواستگاری کرده و هنگامی که میبیند به او جواب رد میدهند کینه به دل میگیرد و با دزدیدن لنگه کفش آن دختر در یک مهمانی عمومی و جادو کردن به آن، بخت آن دختر را می بندد به طوریکه هیچگاه نمیتواند ازدواج کند و در صورت ازدواج احتمال طلاقش بالاست و یا به عنوان مثال دختر مجردی که عاشق مردی متأهل است با سحر محبت و تحیب قلوب و.... کاری میکند که آن مرد ناگهان عاشق و دلباخته اش گردد و همسرش را رها کند و یا

طلاق بگیرد تا با آن دختر ازدواج کند که پشتوانه اینچنین ازدواج هایی سحر و شیطان بوده (نه خدا) که اکثراً هم تا جایی که تجربه نشان داده کمتر از شش ماه بعد از ازدواج چنین زن و شوهرهایی دشمن خونی یکدیگر میشوند و یا سر از طلاق در می آورند (حتی اگر بچه دار هم شوند احتمال ابتلاء نوزاد به بیماریهایی که ذکر شد) (صرح مادرزادی فلج مغزی و...) از بدو تولد اش گرفته تا آخر عمر بسیار زیاد است و حتی ممکن است تا چند نسل بعد از خود را گرفتار کند)، و یا در مورد سحر گشایش رزق و روزی با گذاشتن طلسم لابه لای اجناس با جلب نظر مشتریان و رهگذران و ایجاد وسوسه شدید برای خرید رهگذران از آن مغازه به رزق حرام دست می یابند و یا مادری که از ازدواج پسرش با فلان دختر راضی نیست سحر جدایی و تفریق انجام میدهد تا زن و شوهر را از هم جدا کند که در بسیاری از موارد نیز عملاً منجر به طلاق و جدایی میشود بطوریکه زن و شوهر بدون دلیل منطقی خاصی حتی با نگاه کردن به یکدیگر دچار حس نفرت و کینه و دشمنی شوند و خود نیز متوجه نمیشوند که از کجا و چه کسی ضربه خورده اند (در چنین مواردی احتمالاً توصیه های روانشناس خانواده و دیگران هیچ سودی نخواهد داشت چرا که احتمالاً هر شخصی (حتی اگر خود روانشناس) گرفتار چنین موضوعاتی شود خواسته یا ناخواسته سر از طلاق بیرون خواهد آورد مگر اینکه آن شخص زرنک و باهوش باشد و قبل از آنکه دیر شود متوجه حالات بوجود آمده در خود و همسرش شود و از آن مهمتر اینکه بعد از متوجه شدن به جای رفتن نزد ساحری دیگر برای علاج، راه درست الهی مشابه چنین نسخه ای را برای ابطال سحر انتخاب کند (آیه ۱۰۲ بقره) و یا مردی که به دختری قول ازدواج میدهد ولی به قول اش عمل نمیکند و با زنی دیگر ازدواج میکند و آن دختر که کینه به دل گرفته با سحر و جادو کاری میکند که زندگی آن مرد رو به تباهی برود و دچار فقر شدید مالی و مبتلا شدن خود و تمام فرزندان به فلج های ناشناخته و لاعلاج و گنگی زبان شوند، و یا دختری بدنام از یک مادر بدنام با آنکه یتیم است و پدر خانواده فوت کرده و از نظر مالی نیز وضعیت مناسبی ندارند با جادو کاری میکند که برایش خواستگار دکتر و مهندس پیدا میشود به طوریکه برای ازدواج با آن دختر اشتیاق نشان میدهند و حتی



رقابت میکنند و در نهایت با آن دختر ازدواج میکنند و یا پسری که با استفاده از مهره مار (یک نوع جادو) باعث جلب شدید علاقه و نظر جنس مخالف و حرف شنوی مردم از وی میشود و یا زنی که برای حرف شنوی و اطاعت شوهرش از او به دنبال چنین کاری میرود و ظلمی بزرگ در حق شوهر خویش میکند، و یا مرشدی به ظاهر عرفانی که با جادو کاری میکند که مریدان و دست بوسان زیادی پیدا میکند تا از او تبعیت بی چون و چرا کنند بطوریکه مریدان از باقیانده لیوان دهان خورده مرشدشان به قصد تبرک بین خود تقسیم میکنند و به دلیل تقدسی که به وسیله جادو در ذهنشان درست کرده همسران خود را به هخانه ارشاد و سیر و سلوک به عقد آن پیر ساحر شیطان صفت درمیآوردند، و یا خانواده ای که پدر آنها در شرف مرگ است یکی از پسرانش با ریختن سحر مرشوش (پاشیده شده) به زیر تخت پدرش که به دلیل سکنه مغزی روی آن تخت زمین گیر است کاری میکند تا نظر او را به خود جلب کند و قسمت اعظم ارث را به او ببخشد تا بتواند حق ارث مابقی برادرانش را به حرام بخورد، و یا ساحری که برای مثال روی برگه ای نام شخص مورد نظر را نوشته و آن را در وزش باد رها میکند و شخص مسحور ناگهان دیوانه و ذهن اش پریشان و سرگردان میشود، یا زنان یک روستای خاص که برای بچه دار شدن مرغی با فلان ویژگیهای ظاهری را زیر درختی خاص سر میبرند و خون آن را به آن درخت میسایند و سرش را زیر درخت خاک میکنند که به عبارتی اینکار نوعی شرک از دوران جاهلیت است که با قربانی دادن به درخت و یا موکلین جتنی آن درخت! انتظار بچه دار شدن را دارند (که گاهاً جواب هم میگیرند ولی از خدا یا شیطان؟! ) و صدها مثال دیگر.... که اکثراً همگی کسانی که به دنبال این کار میروند متأسفانه اکثراً از جنس زن هستند، هم نقائاتی که خودشان سحر را انجام میدهند و در گره ها می دمند (سورة الفلق) و هم زنانی که به درخواست شان جادوگر آن سحر را انجام میدهد، به طور کلی غالباً مردان تمایل دارند مشکلات خود را با افراد از طریقۀ مواجهه رو در رو و یا درگیری و یا گذشت و عفو انجام دهند ولی زنان به این دلیل که توانایی انجام چنین کاری را ندارند به جهت انتقام شخصی، کینه و یا به کرسی نشاندن رأی خود با ترفند به این امور مبادرت میکنند، اینچنین افرادی به دنبال

دعا نویس می روند و حتی گاه تا حدی تنزل میکنند که مثلاً برای درمان بیماری روحی خود و یا گشایش بخت با ادرار خود غسل میکنند و یا برای حرف شنوی شوهرشان ادرار خود را مخفیانه در ترکیب با جادو به خورد آنها میدهند، یا اسپند را (که یک دانه مبارک است) با مدفوع سگ و فلفل ترکیب و بخور میکنند و یا گندر که بخوری مبارک و مقدس است را با بزاق دهان و تیغ جوجه تیغی به اسم طب اسلامی (با انتساب به حدیثی از ائمه) ترکیب و بخور میکنند تا مثلاً حالات اضطرابی و پریشانی و فقر و بیماری و جنون و.... را از خود و خانواده شان دور کنند....

تمام این اعمال، شخص و خانواده اش را تباه می کند و عبادت و نماز تا زمانی که چیزی از این قبیل دعاها در خانه یا همراه شخص (بر گردن یا بازو یا میچ دست یا انگشتر و...) باشد مورد قبول واقع نمی گردد چون انسان با این کار دچار شرک می شود و برای خداوند شریک قائل شده است و گناه شرک بخشیده نمی شود (آیه ۴۸ سوره النساء) و از طرفی حد شرعی خودِ ساحر ضربه ای با شمشیر است (قتل)، نگهداری این چیزها و یا کتب جادوی مربوط به آن در خانه موجب بحث و جدال بین اعضای خانه و حتی طلاق و دشمنی و ایجاد انواع بیماریهای صعب العلاج-لاعلاج جسمی می شود که مرتبط با موضوع مورد نظر ما است. به صورت تجربی بسیار مشاهده شده که با استفاده از سحر و جادو این امراض قابل درمان نیستند، استفاده از جادو برای درمان بیماریهای ذکر شده مثل میگرن، وسواس، صرع و.... دقیقاً مثل این است که کسی بخواهد نجاست را با نجاست پاک کند، در این حین اگر بهبودی مختصری هم حاصل شود معمولاً موقت و در حد ۱-۲ ماه است و بعد از مدت کوتاهی دوباره عود می کند و یا حتی به کرات حال بیمار بدتر از قبل می شود و این گفته تکراری و معروفشان که میگویند "مریضان را حتی پیش دعا نویس هم بردیش خوب نشد" و جواب نگرفتن بیمار از رفتن نزد دعا نویس و مؤلاً و ساحر منجر به این میشود که بیمار به طور کلی از اعتقادات و حتی نماز و پرستش خداوند ناامید میشود، چرا که بیمار با خود فکر کرده که دعا نویس حتماً دیگر خط آخر درمان قطعی است و علاج قطعی اش نزد اوست.... ولی اشتباه فکر کرده است، دعا در درجه اول به درگاه خداوند متعال و یا از طریق توسل به انبیاء و ائمه و



کتاب آسمانی معنی دارد که آن هم نهایتاً به معنی طلب از خداوند با واسطه کردن انسان های قدیس و بزرگوار است و غیر از آن هر دعایی که انجام شود شرک است و به درگاه شیطانی سرکش است (آیه ۱۱۷ نساء) و تبعات آن مادام العمر به گردن شخص می افتد.

**\*نکته:** چیزی به اسم دعای قرآنی، طلسم قرآنی، طلسم خوب، طلسم بد، دعای خوب، دعای بد، موکل خوب، موکل بد، همزاد خوب، نعوذ بالله تسخیر ملائک! طلسم رحانی اعم از یهودی و یا صبی و یا نعوذ بالله سلجانی و یا به نام آصف بن برخیا و یا دانیال نبی و یا ائمه اطهار و همچنین موکل رحانی و یا جادوی قرآنی و یا سرکتاب قرآنی وجود ندارد، هر چند که شخص انجام دهنده سید و از اولاد پیامبر باشد و یا شدیداً مقید به نماز اول وقت باشد ولی به دنبال نوشتن و انجام این قبیل چیزها باشد. چرا که در اصل بسیاری از کسانی که دعانویسی میکنند، خودشان هم نمیدانند که دارند مرتکب فعل حرام نابخشودنی میشوند و هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً و خود نیز در گمراهی غرق شده اند و برای این عمل پلید خود علاوه بر عدم پیشیانی، ارزشی الهی هم قائل میشوند و متأسفانه بعضی افراد ساده لوح هم به آنها مراجعه میکنند و برای شوهر یا نامزدشان دعا (جادو) میگیرند و بعد از اینکه مثلاً کارشان راه گرفت خدا را نیز شکر میکنند از اینکه گره از کارشان باز کرده است! در حالی که از ابتدا خدایی در این کار نبوده است و فقط شیطان بوده! بنابر روایت پیامبر (ص): **السحر من عمل الشیطان** (سحر از عمل شیطان است)، لذا اینکه کسی بخواهد کاسه داغ تر از آش بشود و درحالی که خداوند اجازه چنین کاری برای الفت بین زن و شوهر را نداده برود و برای ایجاد محبت بین عروس یا داماد در حال طلاق دعای (سحر) محبت بنویسد با اینکار موکلی شیطانی را به درون جسم وی میفرستد تا ظرف مدت کوتاهی او را وادار کند تا سر زندگی اش بماند و به همسرش عشق و علاقه نشان دهد درحالی که آن مرد هیچ اختیاری از خودش ندارد و جالب است که معمولاً میبینیم که بعد از مدتی چنین مردهایی ضعیف و بیمار و مبتلا به میگرن و اختلالات خواب و ترمور و پانیک و استرس و مشکلات روان پزشکی (مشابه آنچه گفته شد) میشوند به همین جهت است که

هرگونه استفاده و نزدیک شدن به سحر و جادو به هر نیتی چه پیدا کردن دزد برده، چه طلب فرزند، چه پیدا کردن محل سحر، چه محبت بین زن وشوهر، چه باطل کردن جادو با جادو، چه درمان بیمارها حرام شده است.

در اصل برای شرعی نشان دادن این اعمال از اسم سلیمان نبی و دانیال نبی و آصف و قرآن کریم و لفظ رحمانی و... استفاده میشود و به دروغ این مسائل را به آنها نسبت میدهند و نکته مهم اینکه سرکتاب قرآنی ابداً وجود ندارد، آنچه که در قرآن آمده دستوراتی از شرع و احکام و برهان و قصص انبیاء الهی و... است و هیچگاه در قرآن توضیحی از اینکه چرا در زندگی پری دختر رو بخیر گره افتاده نوشته نشده است و با هیچ رمز و رازی نمیتوان از غیب اشخاص گفت مگر یک حالت، و آن اینکه آن شخص رَمال و یا سید و دعانویس و... با دستان نامبارک اش قرآن کریم را برای گول زدن ظاهری مراجعین در دست گرفته و در تھان با ذهن اش از آن شیاطین جنی که با آنها در ارتباط است سؤال به عمل میآورد و آن شیاطین بنا بر اینکه بخواهند حقیقت را بگویند و یا دروغ تحویل آن شخص دهند و یا ترکیبی از این دو، کلماتی را به سمع آن دعانویس خواهند رساند و در گوش او نجوا خواهند کرد، به همین جهت غالباً فقط برای گمراه کردن افراد از کلمات قرآنی و تصاویر قرآن و... خصوصاً در فضای مجازی به وفور استفاده میشود (متأسفانه) که غالباً در باطن تمام این ها جادو نهفته است، چرا که شما هیچگاه با قرآن نمیتوانید شخصی را از مکانی دور احضار کنید و یا هیچگاه نمیتوانید یک موکل از جنس فرشته و ملائک برای امور زندگی و یا درمان امراض خود در اختیار داشته باشید! یا نمیتوانید با قرآن آن هم به صورت تضمینی کسی را عاشق و دلباخته خود کنید و... مگر با جادو.

ذکر یک خاطره که شاید دلیل حرام بودن جادو را برایتان واضحتر کند: "خانم مسن تعریف میکرد که دختری داشت که ازدواج کرده بود و به دلیل سندرم تخمدان پلی کیستیک (PCOS) به مدت حدود ۱۰ سال با وجود مصرف انواع داروها (متفورمین، تزریق های هورمونی و...) و جراحی ها (رزکسیون گوجه ای تخمدان





و... بچه دار نشده بود، اینچنین شد که آن مادر پیر با خود گفت خوب است نزد سید فلانی که از قضا دست اش هم خوب است برویم! تا شاید برایمان چاره ای بیاندیشد. آن زن مسن از آنجا که زنی مؤمنه و مقتید بود شب در عالم رویا دید که آن سید دعانویس در اتاق خانه حضور دارد، لذا نزد او نشسته و عرض حاجت نمود و گفت دختری دارم که برای بچه دار شدن به هر دری زده جواب نگرفته است، خواهشاً برایمان کاری کنید خدا خیرتان بدهد، آن سید همانطور که نشسته بود پاچه عبايش را بالا زد و به او گفت: بیا یکی از اینها بر، این هم یک بچه، و آن نوزاد را جلوی پای آن پیرزن انداخت، آن زن خوشحال شد و وقتی خوب به نوزاد تازه متولد شده نگاه کرد دید که همه چیز نوزادی که گریه میکند طبیعی است ولی ناگهان پاهای نوزاد که همچون سم گوسفند تازه متولد شده به نظر میرسید برایش جلب توجه کرد، ناگهان ترسید و به آن سید دعانویس گفت که من ازین بچه ها نمیخواهم، بلکه یکی از طایفه خود ما انسان ها میخوام، آن سید در جواب گفت که من چیزی به غیر از اینها ندارم به تو بدهم که ناگهان آن زن با حالت پشیمانی از خواب بیدار شد و از آن عمل منصرف شد.

آن زن جوان نیز بعدها به خواست خداوند حامله گردید و صاحب دو دختر شد. \*باید توجه داشت اینکه هر شخصی که دچار اضطراب و استرس فکری و روحی و یا حتی علائم بالینی بیماری های عصبی شد فوراً با خود بگوید احتمالاً سحر شده ام و یا چشم زخم خورده ام درست نمیباشد و افراط است، تشخیص سحر و جادو و چشم زخم و یا جن زدگی و همزاد داشتن در صورتی احتمال دارد که اول از همه درگیری مزمن و طولانی مدت باشد (یعنی علائم جسمی و روحی و فکری و سایر علائم مربوطه به مدت حداقل چند ماه یا سال وجود داشته باشد) و در درجه بعد علل جسمانی و طبی و... عامل ایجاد آن نباشند و با درمان دارویی نیز ریشه کن نگردد و بعد از قطع دارو علائم مجدداً ظاهر شوند و یا اینکه شخص به یکی از بیمارهای که لیست آن ارائه شد مبتلا شده باشد که در آنصورت ابتلا به حداقل یکی از علل همزاد، چشم زخم و جادو قطعی است.

به همین دلیل اینکه دختری که به سن ۳۰ سالگی یا بالاتر رسیده و دانشگاه رفته و طی تمام این مدت از ۱۳ سالگی تمام خواستگارهایش توسط خود یا خانواده اش به بهانه ادامه تحصیل و یا طرز فکر های عجیب و غریب امروزی و در سال های بعد نیز به هر شکلی (چه خودش چه خانواده اش) آنها را رد کرده است و مبتلا به غرور و خودشیفتگی میباشد، خیلی عجیب است که کمی بخواهد این موضوع را به جادو و دشمن داشتن نسبت دهد، در چنین مثالی زمانی میتوان احتمال وجود جادو را مطرح کرد که هم خود دختر و هم خانواده اش مایل به شوهر دادن وی باشند و با وجود اینکه به خواستگارها جواب مثبت میدهند و آن خواستگارها در نگاه اول بسیار مشتاق به نظر میرسند لکن بعد از مدتی میروند و دیگر پیدایشان نمیشود! و این قضیه نه یک مرتبه، بلکه بارها و بارها اتفاق میافتد که اکثراً در ابتدای امر، خواستگار بسیار راضی به نظر میرسد ولی بعد از دیدار اول، قضیه معکوس میشود به هر شکل، و به طور کمتر شایع گاهی روی پدر و مادر و یا برادر و دختر و یا خود دختر اثر میگذارد که ممکن است با طرح انواع بهانه ها یا مثلاً غیرت بی مورد برادر برای امری که حلال است، مانع از ازدواج وی شوند و یا خود دختری که مسحور است به محض شنیدن اسم خواستگار یا حضور خواستگار دچار علائمی مثل تهوع، سردرد، سرگیجه، دل پیچه، تپش قلب، تنگی نفس، احساس نفرت، اضطراب، گریه غیر عادی، کابوس و بختک در شب قبل از خواستگاری شود و یا اینکه با خود بگوید و این فکر در ذهنش بیاید که این ازدواج حتی اگر صورت بگیرد قطعاً! منجر به طلاق و بدبختی و آوارگی خواهد شد و یا حتی در عالم خواب رویای فلاکت و کتک خوردن از آن شوهر و... را ببیند.

درعین حال جادو تقریباً هیچگاه بدون علامت نیست و غالباً سردرد میگرد و یا علائم IBS (روده تحریک پذیر) و یا اضطراب و افسردگی، بختک و کابوس و یا حملات پانیک، یک یا چند مورد از این موارد یا سایر بیمارهای ذکر شده حضور خواهند داشت.



**د) کمک گرفتن از الله جلّ جلاله** با استفاده از قرآن و درمان های قرآنی - معنوی که در این نسخه به طور کامل ذکر شده است و هدف اصلی ام از این نوشته است. متأسفانه در حال حاضر مثلاً در درمان بیماری وسواس، روانشناس و یا طبیب به جای توصیه به پناه بردن به قرآن و نماز و اذکار هیچ اسم و جایگاهی از خداوند در درمانشان پیدا نمیشود و یا مثل اینکه برایشان کسر شأن است که به عنوان یک پزشک در کنار داروهای تجویزی به بیمارشان بگویند که از خدا و معنویت نیز کمک بخواه و یا از نماز و قرآن و عبادت کمک بگیر (به این دلیل که میگویند هدایت کار ما نیست) ولی همین پزشکان (نه همه آنها) در عوض بیمار را به مجسمه سازی و ورزش ایروبیک و مسافرت توصیه میکنند بطوریکه اگر بیمار ذره ای اعتقاد در او بود با این حرف طبیب که شیطان خرافات است و منظور از شیطان همان افکار منفی است و این موجود وجود خارجی ندارد و نمی تواند عامل وسوسه باشد و این حرف که وسواس، نشخوارها و تکانش های وسواسی ذهنی خود بخودی! و زائیده خیال هستند ک عامل بیماری ات هستند آن یک ذره اعتقاد بیمار را هم از بین می برد در حالیکه اگر انسان وجود میکروبو و باکتری و ویروس های بیماریزا را انکار کند و به وجود آنها اعتقاد نداشته باشد این اعتقاد نداشتن او را از ابتلا به سرماخوردگی و آنفلوآنزا و سل و... در امان نگه نمیدارد و این ویروس و باکتری ها کار خودشان را میکنند و همچنان انسان را بیمار میکنند خواه بیمار به وجود آنها اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد. در این قضیه هم بر اساس حکمت خداوند کسی که از یاد خدای رحمن روی برگرداند بر او شیطانی میگرداند تا همنشین او باشد خواه قبول داشته باشد یا نداشته باشد (سوره فصلّت آیه ۳۶، سوره زخرف آیه ۴۰-۳۶، سوره ناس) و بدانید اگر یک بیمار روحی مبتلا به صرع و اسکیزوفرنی و میگرن و.... به وجود شیطان بیمار کننده اعتقادی نداشته باشد در عوض، آن شیطان به آن انسان اعتقاد دارد و از این حمل و حماقت انسان نهایت سوء استفاده را میبرد و بدترین بیمارهای ناشناخته و لاعلاج را در او بوجود میآورد و حتی زمین گیر میکند، ولی چه اهمیتی دارد که نظر شخصی بنده یا فلان پزشک چیست، مهم این است که چه راهکاری این بیماری را ریشه کن میکند و بیماری را با کمترین زمان ممکن و با کمترین هزینه و راحتترین شکل ریشه کن

می کند به طوریکه بیمار دیگر نیازی به مصرف دارو نداشته باشد، مهم این است که درمان این بیمارهای ذکر شده همان چیزی است که ذکر شد و اگر آن را در کنار درمان دارویی درست انجام دهید انشاءالله درمان می شوید، تعجب نکنید، انجام دهید، به طور عجولانه قضاوت نکنید و نگویید نماز خواندم، آیه الکرسی هم خواندم، معوذتین هم خواندم ولی تأثیری نداشت و بیماری ام فرقی نکرد، و یا فکر نکنید که قرآن ضعیف است و برای درمان معنوی و روحانی حتماً باید به یک عارف و یا پیر و سید و یا یک شخص دارای قدرت و انرژی روحی متوسل شوید، بلکه برعکس با داشتن قرآن که تمام کلمات آن وحی است و از آسمان توسط جبرئیل نازل شده صاحب همه چیز هستید و هیچ نیازی به اقتداء و پیروی از یک شخص روحانی و یا عارف ندارید مگر آنکه بخواهید در این روزگار وافسوسا خودتان را از چاله به چاه بیندازید، درمان با قرآن را به این روشی که ذکر شد انجام دهید، چون هر درمانی روش خاص خود را دارد و در این مورد قرائت به تنهایی برای درمان کفایت نمیکند و تأثیرش نسبی است و باید به صورت نوشتن آیات و خواندن به آب و مواد غذایی و.... و طی چند هفته باشد تا تأثیر چند برابرش را ببینید.

\* اما در مورد نتیجه گیری از شیوه های مختلف درمانی (الف، ب، ج، د) که ذکر شد وقتی دربارهٔ بیمار مبتلا به اسکیزوفرنی و یا وسواس و... طب مدرن پزشکی میگوید که این حالت به خاطر افزایش نوروترانسمیتر دوپامین در مسیرهای نیکرواستریال و یا وسواس بدلیل اختلالات نوروترانسمیتر سروتونین اتفاق افتاده و یا طب سنتی میگوید که غلبه خلط سوداء اتفاق افتاده و طب سوزنی چینی میگوید که اختلال در تنظیم و تطابق بین نیروهای یین و یانگ در چاکرا ها اتفاق افتاده و اسلام و سایر ادیان ابراهیمی متفق القول میگویند که شیطان جَنّی در بدن داخل شده و یا آن را تحت تأثیر قرار داده اینها به این معنی نیست که یا طب سنتی درست میگوید یا طب مدرن یا طب چینی و یا اسلام! بلکه همه آنها درست میگویند و همه این تغییرات در بدن اتفاق افتاده است، ولی سؤالی که مهم است اینست که آیا این بیماری اسکیزوفرنی که به عنوان نمونه تیپیک و بارز جن زدگی و جنون مثال زده شد با تجویز داروی گیاهی سودا بر و اصلاح خلط سوداء توسط طب سنتی درمان شده؟ و آیا با مهار کردن نوروترانسمیتر دوپامین بوسیله



داروهای آنتی سایکوتیک (ضد جنون) و اصلاح میزان آن در مغز و هسته های قاعده ای اسکیزوفرنی توسط پزشکی نوین درمان قطعی شده بطوریکه دیگر نیازی به مصرف دارو نداشته باشند؟! خیر اینچنین نیست، چرا اینچنین نیست؟ چون عامل اصلی بوجود آورنده و آن علت اصلی را درمان نکرده اند چرا که علت اصلی بوجود آورنده نه افزایش دوپامین است و نه عدم تعادل نیروها در طب سوزنی چینی. بلکه علت اصلی به هم ریختن اینچنینی سیستم بدن ورود نیروی ماورایی شیطانی و ایجاد تغییرات شیمیایی و مولکولی به نفع خود به طوریکه مثلاً با افزایش دوپامین بتواند شخص را بی خواب و مبتلا به جنون مانیا و سرخوشی و اسکیزوفرنی و توهم و... کند و سیستم عامل بدن را به هم بریزد و انواع تغییرات روحی-روانی و حتی جسمی را در شخص مجنون پدید آورد و یا با کاهش سروتونین بتواند بیمار را دچار افسردگی کند و تعادل انرژی چاکراها را به هم بریزد و...، لذا مادامیکه آن علت اصلی سرکوب و یا مهار و یا از بین برده نشود بیماری قطعاً همچنان و حتی تا آخر عمر ادامه خواهد داشت کما اینکه این قضیه را تقریباً در تمام بیمارهای ذکر شده از قبیل میگرن، صرع، وسواس، جنون، پانیک و... شاهد هستیم و حتی اگر تمام طب های پزشکی مدرن و سنتی و سوزنی و... را همگی با هم به کار بندیم باز هم مادامیکه آن علت به روش و شیوه اش ریشه کن نگردد بعید است که هیچ یک از این اقدامات درمانی کارگر باشد.

### \*برخی از حالات روحی بیماران مبتلا به میگرن و سایر بیماری های ذکر شده و دلیل آن:

سردرد میگرنی که یکی از شایعترین بیماریهای مرتبط با این مقوله است عبارتست از سردردهای طولانی مدت که هر از گاهی با محرک هایی مثل گرسنگی یا بوی عطر واسپره، بی خوابی و استرس و عصبانیت، عادت ماهیانه، هوا و یا باد گرم و سرد و... آغاز می شوند و درد بیشتر در ناحیه شقیقه ها، چشم ها و گاهی پشت سر و یا نیمه صورت است و معمولاً دو طرفه و گاهی یکطرفه است و عصر یا غروب ها آغاز یا تشدید می شود. بیمار از نور و سروصدا و بعضاً حتی بوی غذا اذیت می شود، گاهی با حالت تهوع همراه است، یا رگهای شقیقه نبض میزند و یا ضربان دارد و یا جرقه های نور (اسکوتوم) در جلو چشمشان ظاهر میشود و گاهی دچار سرگیجه های بی دلیل و همچنین گرم و سرد شدن و خواب رفتن اعضای بدن و بی حالی می شوند و این سردرد با سینوزیت متفاوت است (در سینوزیت درد فقط در نواحی سینوس های بین ابروها و یا در فک بالا ثابت است و با ترشحات چرکی و یا آلرژیک شفاف از بینی همراهی دارد با تهوع همراه نیست و با گرسنگی و بیخوابی و استرس و... سردرد نمیگیرند)، ولی غالب مردم اکثراً این را نمی دانند و این سردرد را به طور بسیار شایع از سر ندانستن و یا حتی صاحب نظر دانستن خود! آن سردرد را به سینوزیت و یا چربی خون و یا سردرد ژنتیکی و کمبود ویتامین D و یا حتی کم خونی نسبت می دهند بطوریکه برای پیشگیری یا درمان سردرد مکرر که حتی خودشان هم نمیدانند که به علت میگرن است بعضاً خودسرانه داروی چربی آتورواستاتین مصرف میکنند و بر درست بودن حرفشان اصرار دارند!! درحالیکه در میگرن، تصویرداری و آزمایشات کاملاً نرمال می باشند و یا حتی از قضا و شانس ممکن است در مواردی همزمان چربی خون و یا بکد چرب و یا کم خونی و یا سینوزیت آلرژیک یا چرکی را نشان دهد که هیچکدام از اینها علت ایجاد کننده میگرن نیستند و در بعضی موارد، میگرن و سینوزیت چرکی خفیف هردو باهم همزمان در شخص



میگرنی وجود دارند و این باعث میشود که بیمار میگرنی به اشتباه سینوزیت را عامل سردرد میگرنی اش قلمداد کند.

برای مثال بیمار دختر نوجوان مبتلا به میگرن شدید چندین ساله را ویزیت میکردم و وقتی از خانواده اش میپرسیدم تا الان به چه نتیجه ای رسیده اید میگفتند این دختر به خاطر کم خونی که دارد دچار سردرد میگرنی شده است!! که مشابه آن زیاد شنیده میشود و در آخر بر اساس رد بیماریهایی مثل صرع و توده مغزی و.... تایید تشخیص میگرن گذاشته میشود درحالیکه کلمه میگرن فقط یک اسم است و علم جدید هیچ عامل اتیولوژیک ایجاد کننده ای برای آن نمیشناسد، ولی انتظار دارم تا الان فهمیده باشید که علت پشت پرده این بیماریها چه چیزی است که با استفاده از قرآن فراری می شود.

به دلایل متعدد چیزی به نام میگرن و سردرد عصبی و یا روده عصبی که امروزه باب شده وجود ندارد و این حرف کم خردانه ای است. چرا؟! به این دلیل که به شما میگویم:

آیا هر انسانی که زیاد عصبی بشود میگرن، صرع، روده تحریک پذیر، وسواس و.... می گیرد؟ ولی اینطور نیست، استرس، عصبانیت یا محرک هایی مثل بیخوابی و... که ذکر شد فقط باعث تلنگر و آغاز و شروع سردرد و تشنج و.... می شوند ولی دلیل اصلی اینکه چرا یک شخصی از پایه و اساس میگرن و یا صرع و.... می گیرد و یک شخص نمی گیرد بر اساس علم پزشکی تاکنون کشف نشده است ولی من برای شما توضیح می دهم که مکانیسم آن به چه شکل است:

علتی پشت این بیماریها وجود دارد که باعث ایجاد سردرد و حالت عصبانیت و مشکلات خواب و خودخوری و خیالات فاسد و یا ترس مدام از اینکه مثلاً نکند خانواده ام یا مادرم یا شوهرم یا فرزندم را ازدست بدهم و یا نکند خانواده ام تصادف کنند و یا نکند سرطان گرفته ام و پزشکان به من تفهیمه اند! و اگر ورشکسته شوم آنوقت چه کار کنم؟ و یا آینده بچه هایم چه میشود...؟ با اینکه دیگر مردم نیز فرزندان و زندگی های مشابه دارند ولی از این قبیل حرفها نمیزنند و یا مثلاً به خاطر نیم ساعت دیر آمدن

شوهرشان از سرکار سریعاً به فکر رفتن سر شوهرشان به زیر چرخ ماشین تریلی نمی افتند! ولی در این لیست بیماران ذکر شده (و به خصوص بیماران مبتلا به میگرن) به کرات مشاهده میکنیم که برای اتفاقاتی که هنوز اتفاق نیافتاده اند و یا ممکن است هیچگاه هم اتفاق نیافتند دچار اضطراب و حالات عصبی میشوند به حدی که اکثراً بعد از چند سال از شدت استرس و اضطراب و درگیری فکری دچار زخم معده و اثنی عشر و افسردگی و... میشوند و میروند آندوسکوپی میدهند و به آنها گفته میشود که معده شما اصطلاحاً عصبی است، و آموغ متعجب میبند که خدایا! این زخم و التهاب معده دیگر از کجا پیدا شد! که جای تعجب و فکر دارد و یا این گفته تکراری و معروف شان که میگویند " فکر زیاد میکنیم "، درحالیکه فکر کردن به خودی خود بد نیست ولی این قبیل بیماران با این طریقه فکر کردن درباره آینده یا گذشته و یا خیالبافی فقط به خودشان ضرر میزنند.

برای مثال یکی از بیماران خانم مبتلا به میگرن میگفت هنگامیکه شوهرم بیرون از خانه میروند مادامیکه بیرون است دچار ترس و اضطراب میشوم که مبادا دچار سانحه تصادف و یا درگیری و یا مرگ ناگهانی و... شود، و هنگامی که صحیح و سالم به خانه برمیگردم با خود خدا را شکر میکنم که اتفاقی برایش نیافتاده ولی فوراً فکری در ذهنم می آید که " آخر که یکروز شوهرت از خانه بیرون خواهد رفت و برخواهد گشت!! " و من به شما میگویم که این قبیل حالات در این بیماران ذکر شده دست خودشان نیست و عاملی خبیث پشت این بیماری ها هست که آنها را به این حال و روز می اندازد (این حالات را بیش از همه در میگرن دیده ام ولی در درجات بعد در روده تحریک پذیر و وسواس و صرع و سایر بیماریهای ذکر شده و یا حتی افرادی که در ظاهر سالم هستند نیز ممکن است دیده شوند)

این حالات بدون آنکه خود بیمار بداند که چرا دچار این حالات عصبی و اضطرابی شده است رخ میدهند ولی بیمار اشتبهاً فکر می کند به خاطر اینکه فردی استرسی یا اضطرابی است دچار سردرد میگرنی و این حالات شده، یعنی در حقیقت اکثر مردم اینچنین فکر می کنند که این استرس اعصاب و اضطراب است که عامل ایجاد میگرن و





تشنج و تیک عصبی و روده تحریک پذیر و MS و... است و آنقدر طیبیان و پزشکان این شهر و آن شهر به او گفته اند بیماری ات از اعصاب است تا اینکه بعد از ۳۰-۲۰ سال ابتلاء به وسواس و یا میگرن و یا صرع، بیمار تبدیل به یک دیوانه واقعی میشود به طوریکه تنظیم فشار خون و قند خون و... نیز به هم بریزد و لازم باشد روزانه ۱۵-۱۰ قرص و کپسول مصرف کند و باز هم بیماری اش ریشه کن نشود.

لذا با این طرز فکر که مکرراً بگویم علت این بیماریها از اعصاب است و یا ژنتیک است چیزی درست نشده و این بیماریها درمان نشده اند، ولی من برعکس آن را به شما میگویم: یک عامل پشّت پرده بیماریزای نادیدنی وجود دارد که دارد کارخراشی می کند و این بیمار را دچار اضطراب و تشنج و تیک عصبی و بختک و میگرن و ام اس و صرع و... می کند، استرس و اضطراب و عصبانیت و... فقط سیر و شدت بیماری را بدتر می کنند و معمولاً نقش تشدید کننده بیماری را دارند نه نقش وجود آورنده برای مثال جای تعجب است است که به مادر یک کودک ۵ ساله که کودک اش در رفاه اقتصادی و بدون هیچگونه مشکل خانوادگی زندگی می کند و دچار تشنج صرعی و یا راه رفتن در خواب و خیابان گردی است و یا اوتیسم و یا بیش فعالی و یا میگرن یا تیک عصبی است بگویم که از اعصابش است و توجیه و جوابی بیشتر از این نداشته باشیم درحالی که این کودک نمی داند که اعصاب یعنی چه؟ خصوصاً اینکه در اکثر موارد شرح حالی از مشاجرات و مشکلات خانوادگی آشنائی وجود ندارد. (دقت کنید و دوباره این پاراگراف را بخوانید)، نکته دیگر اینکه باز هم عجیب است که مثلاً به بیمار ۱۵ ساله ای که دچار میگرن و یا بیش فعالی شده بگویم تا ۵۰-۴۰ سالگی سردرد و یا تا چندین سال شر و آشوب کودک را تحمل کن چون احتمال دارد خودبخود با گذشت زمان کم و یا برطرف شود! که در آن هم تضمینی وجود ندارد!

\* بر اساس چیزی که مکرراً در برخورد با بیماران مبتلا به میگرن مشاهده کرده ام با کمال تعجب اکثر این بیماران، میگرن خود را انکار میکنند و با وجود سردرد های مکرر طولانی مدت چندین ساله همراه با اضطراب و تهوع و... به هرشکلی تا جایی که بتوانند از قبول آن امتناع میکنند و یا حتی از شدت ترس حاضر به مراجعه به پزشک نیستند و

حتی وقتی به آنها گفته شود که سردرد چندین ساله شما از نوع میگرنی است دچار استرس و اضطراب میشوند و یا حتی گاهی از اسم آن هم میترسند و یا ترس های بیش از حد نسبت به انواع بیماریها خصوصاً سرطان دارند و به جهت پیشگیری مدام آزمایش و سونوگرافی و سی تی اسکن و MRI و اسکن قلبی و اکوی قلبی و آندوسکوپی! و.... انجام میدهند که این موضوع یک نشانه و رد پا است اگر بدانید.

**\* نکته بسیار مهم:** ابتدا به میگرن و صرع و وسواس و MS و اسکیزوفرنی و روده تحریک پذیر و اوتیسم و راه رفتن در خواب و تمامی بیماریهایی که در این کتاب ذکر شد **همیشه** به معنی درگیری با یکی از علل **همزاد** و یا **چشم زخم** و یا **سحر و جادو** است و **لاغیر** و من با اطمینان کامل به شما میگویم که در این موضوع شک نکنید و اگر هم شک دارید درمان را شروع کنید تا ببینید چگونه آب قرآن خوانده همانند آب روی آتش عمل میکند و ظرف **فقط چند روز** از شروع درمان حال بیمار رو به بهبود رفته و نهایتاً بیماری را ظرف مدت کوتاه ۲-۱ ماهه ریشه کن میکند، ولی به عنوان یک اصل کلی هیچگاه زودتر از موعد و عجولانه قضاوت نکنید تا اینکه خودتان این موضوع را به درستی و حقیقت دریابید ان شاءالله.

توجه کنید علت اینکه ممکن است در یک خانواده مثلاً نصف اعضاء دچار میگرن یا وسواس شوند اختلال ژنتیکی و کروموزومی نیست! و برای یک مسلمان جای تعجب است که بگویم شخصی به **طور ژنتیکی دچار وسوسه می شود و در نمازش شک می کند و یا به خاطر ژنتیک اش است که دچار سردرد مکرر میشود!** (هرچند که آن عامل اصلی بوجودآورنده از طریق توارث و ژنتیک هم میتواند منتقل شود ولی نباید این لفظ ژنتیک باعث ناامیدی و ضعف اعتماد بنفس و یا تبدیل به مانعی برای علاج و یا بی توجهی به درمان این قبیل بیماریها شود و مثلاً برای طایفه ای که به صورت آندمیک همگی اهل فامیل و خانواده مبتلا به میگرن و یا وسواس هستند به عنوان پزشک به آنها بگویم بهاریتان ژنتیکی است و آنها هم بگویند پس این در ژن ما نهفته ست و چیز خاصی نیست). گاهی دلیل این سرایت بیماری در اشخاص یک خانواده و خاندان و فامیل که



همگی را در جوار هم درگیر کرده این است که آن عاملی بوجود آورنده گاهی می تواند اشخاصی که در نزدیکی و مجاورت بیمار به سر می برند را در طولانی مدت گرفتار کند و دچار بیماری وسواس و میگرن و... کند، حال به علت دقیق توارث پیردازیم:

در خانواده هایی که دو یا چند نفر از اعضاء دچار میگرن، وسواس، اسکیزوفرنی، دو قطبی، صرع، تیک عصبی و ترمور (لرزش) و سایر بیماری های ذکر شده به صورت خانوادگی هستند توجه داشته باشید که آن عامل خبیث بیماریزا علاوه بر توانایی سرایت محیطی (از طریق تماس طولانی مدت و همنشینی با شخص بیمار)، قابل به ارث رسیدن نیز میباشد و میتواند از طریق والدینی که مبتلا به بیماری های ذکر شده از قبیل میگرن، صرع، وسواس، ام اس و... هستند در نطفه دخل و تصرف شیطانی کند و جنین را مبتلا سازد (سوره اسراء آیه ۶۴) کما اینکه در مورد اسکیزوفرنی طبق مطالعات بعمل آمده توسط محققین بطور مثال اگر پدر و مادر هر دو مبتلا به اسکیزوفرنی باشند احتمال دارد که حدود ۱/۳ فرزندان دچار اسکیزوفرنی شوند و به طور کلی از آنجاکه شیطان با زاد و ولد انسان مشکل دارد و نمیتواند نسل بنی آدم را تحمل کند اگر در جسم انسان، خصوصاً جسم زن دخل و تصرف و حلول کند به هر طریق که بتواند مانع لقاح اسپرم و تخمک و یا تخمک گذاری میشود و یا منجر به عدم کفایت جسم زرد یا اختلالات کروموزومی و سقط مکرر و یا حاملگی نابجای مکرر و یا عدم موفقیت مکرر IVF و... خواهد شد و در صورتی که به اصرار و با دغا نویسی نطفه ای شکل بگیرد نطفه، نطفه شیطان خواهد بود و ما یملک شیطان محسوب خواهد شد (به همین جهت است که سفارش شده عمل نزدیکی در ایام اول و وسط و آخر ماه قمری و یا بدون بسم الله و یا هنگام قمر در عقرب و یا با جنابت، حیض و خیلی حالت های دیگر صورت نگیرد که دقیق تر اش را میتوانید از علماء دین پرسید چرا که مسائل بسیار متنوع و فراوانی میتوانند در این امر دخالت کنند).

به همین دلیل است که رسول الله میفرماید: شیطان همانند خون در تن بنی ادم جریان پیدا میکند و یا در جایی دیگر میفرماید: کمی که در حالت احتلام (جنابت در هنگام خواب که حالتی ناشی از تماس شیطان جنس مخالف با شخص است) قبل از اینکه غسل

جنابت کند برود و با همسر خود نزدیکی کند اگر کودکی زاده شود و دچار جنون (دیوانگی، جن زدگی) باشد جز خودش را ملامت و سرزنش نکند. که بنا بر آنچه ذکر شد این جنون نوزاد میتواند به صورت صرع مادرزادی، انواع فلج ها (CP، SMA و...)، اوتیسم، کر و لالی مادرزادی، سندرم های عجیب و غریب و... خود را نشان دهد.

(از خوانندگان محترم خواستارم که از حرف های واضح و بی پرده که در این باره زده میشود نترسید بلکه این موضوع حقیقی است که برای درمان این بیماریها باید با آن روبرو شوید و اجتناب نپذیر است) (آیه ۳۶-۳۷ سوره الزخرف و آیه ۲۷۵ سوره البقره و آیه ۴۱-۴۲ سوره صاد و آیات و روایات بسیار دیگر مبنی بر بیمار شدن جسم و روح و روان انسان توسط شیطان (جنی) در اثر مس شیطانی (دخول شیطان به درون جسم انسان)، سحر و جادو و طلسمات و عین (چشم زخم) که جهت اطلاعات بیشتر میتوانید به قسمت استنادات آخر کتاب مراجعه کنید و یا به قرآن و یا علماء دینی رجوع کنید)

دلیل اینکه چرا آن عامل پشت پرده این بیماریها در یک نفر اسکیزوفرنی و در دیگری میگرن و در دیگری MS و در یکی ترکیب و معجونی ازین بیماریها را ایجاد میکند و یا اینکه چرا بعضی از بیماریهای ذکر شده در محدوده سنی خاص و یا جنس خاصی شایعتر هستند مشخص نیست (شاید به طبع و غذای انسان و یا زمینه های جسمانی و زمینه های فردی و یا قدرت آن عامل بیماریزا و دلیل ابتلاء آن شخص و یا درگیری یک شخص با همزاد و جادو و چشم زخم به طور همزمان و... ربط داشته باشد) ولی خوشبختانه بیماری های ذکر شده معمولاً مسیر نسبتاً مشخص و شناخته شده ای را طی میکنند که به لطف پیشرفتهای علمی پزشکی تا حدود زیادی قابل تشخیص میباشد ولی مهم این است که ما بتوانیم رد پای آن عامل را پیدا کنیم و بیماری را به طور صحیح و به سرعت تشخیص داده تا مانع قدرت گرفتن و تسلط آن عامل بر بیمار شویم. برای مثال اگر کودکی ۱۰ ساله را که به تازگی بعد از دزدی شدن از خانه شان و دیدن دزد به دنبال حمله ترس دچار اسکیزوفرنی و توهم شنوایی و یا میگرن یا اوتیسم یا حتی صرع شده را تشخیص دهیم و راه حل دینی و معنوی را در کنار درمان دارویی به کار بندیم و لجاجت



دینی را کنار بگذاریم احتمال موفقیت درمان قطعی این بیماری های به ظاهر لاعلاج به نزدیک ۱۰۰٪ میرسد، درحالیکه اگر بدانید با درمانی که امروزه اساس آن فقط و فقط درمان دارویی ضد جنون و سرکوب کننده اعصاب (همان آرامبخش) است اکثر بیماران حالشان طی سالیان رو به وخامت میرود و هیچگاه شرایط ازدواج و کار و زندگی همانند یک انسان عادی را نخواهند داشت.

\* احتمال اینکه شخصی همزمان هم دچار میگرن و هم دچار یکی دیگر از بیماری های صعب العلاج-لاعلاج باشد بالاست. کلاً احتمال اینکه ۱ یا ۲ یا ۳ یا حتی کلکسیونی از بیماری های ذکر شده **همزمان** در یک فرد مشاهده شود بسیار بالاست چراکه آن عاملی که بدن را به این روز می اندازد میتواند تمام بیماری ها و حالت هایی که ذکر شد را تقلید و ایجاد کند، آن وقت است که بیماری که مبتلا به MS و میگرن و روده عصبی، به طور همزمان است با خود میگوید که خدایا چرا از بین همه من؟ و از بین این همه بیماری گرفتار ۲-۳ مورد بیماری نسبتاً شدید مغز و اعصاب و گوارش لاعلاج با هم شده ام طوریکه همه پزشکان از درمان من عاجزند و حتی نمیدانند علت این ابتلاها چیست؟ اینچنین است که بذر ناامیدی و یأس نیز پاشیده میشود.

برای مثال آیا فکر نمیکنید که چرا یک بیمار مبتلا به صرع همزمان دچار بیماری وسواس و وسوسه هم هست و حمام کردن اش حدود ۲-۳ ساعت طول میکشد؟ و یا مثلاً یک بیمار دارای روده تحریک پذیر (IBS) همزمان مبتلا به سردرد میگرنی و اضطراب و افکار خود بیمار انگاری است و یا بیمار مبتلا به تیک های سر و صورت، همزمان دچار سؤظن و سادیسم هم هست؟ و یا فردی مبتلا به بیماری دوقطبی (Bipolar) ناگهان به هوسش تهمت ناروا میزند و افکار کفری پیدا میکند و روی بدنش با چاقو خط می اندازد و گرفتار همه اینها با هم میشود و بعد از دارو درمانی که حالش کمی بهتر شد میگوید خودم هم نمیدانم که چرا به هوسرم تهمت زده ام و کلمات کفر گفته ام درحالیکه هیچ دلیلی برای اینکار نداشته ام و یا حتی بگوید که من اصلاً چنین کارهایی نکرده ام و همه آنها را انکار کند و واقعاً هم چیزی به یاد نداشته باشد...؟! یا ممکن است کودکی همزمان دچار صرع و بیماری راه رفتن در خواب باشد و مثلاً همزمان خواهرش هم دچار روده تحریک پذیر و

پدرشان دچار سادیسم (دیگر آزاری) باشد؟ آیا فکر میکنید این بیماریها به طور اتفاقی در یک شخص و یا یک خانواده جمع میشوند؟ آیا در یک شخص خاص که مبتلاء به چند بیماری از بیماریهای ذکر شده است بیماری صرع اش را متخصص مغز و اعصاب و وسواس و تیک عصبی اش را روانپزشک و روده تحریک پذیر اش را متخصص گوارش درمان میکند و جمیع این درمان ها بیمار را شفای ریشه کنی کامل میدهند؟ یا بیشتر درمان علامتی کنترل کننده برایشان تجویز میشود؟ آیا انسان میتواند ادعا کند که بر اساس دستورات سازمان جهانی بهداشت WHO میتواند بیماریهای صعب العلاج و لاعلاج مزمن ذکر شده را که غالباً همراه با حالات فکری-روحي-عصبی-اضطرابی-جنونی هستند را ریشه کن کند بدون اینکه حرفی از خدا و دستورات رسول و شرع و حلال و حرام و.... در درمان مطرح باشد؟؟ و صرفاً به داروی گیاهی و شیمیایی و طب سوزنی و موسیقی درمانی و یوگا و... اکتفا شود؟ اینجانب ادعا نکرده ام که شفای بیماران آرتروز و دیسک کمر و سرماخوردگی و دیابت و سنگ کلیه و تب و آنفلوآنزا و آپاندیسیت و..... نیز در این نسخه است ولی انشاءالله با این نسخه میتوانید در مورد بیماری های ذکر شده بهبودی ۹۰-۸۰٪ ی و بسته به انجام دقیق برنامه حتی شفای کامل ۱۰۰٪ ای ظرف مدت کوتاهی را انتظار داشته باشید که ریشه کن کردن کامل یک مقدار به پیگیری خود شما بستگی دارد و نکته دیگر اینکه از بلند بالا بودن لیست بیماریهایی که عرض شد اصلاً تعجب نکنید چراکه بعد از خواندن این کتاب و دیدن علایم افراد مبتلا در اطرافیان و گرفتن یک آمار سر انگشتی و فهمیدن آمار سر به فلک کشیده افراد مبتلا در جامعه احتمالاً خودتان این موضوع را بخوبی متوجه خواهید شد.



## \*دلایل ابتلاء به این امراض:

توجه داشته باشید که گاهی اوقات بیمارهای ذکر شده به طور ناگهانی بدون سابقه قبلی و به دنبال حملات ترس ناشی از تنها ماندن کودک در خانه، تصادف، سانحه، طلاق، رفتن شبانه به قبرستان و یا با جنابت و یا شیون بسیار در آنجا و یا مرگ یکی از نزدیکان، دیدن فیلم های ترسناک (بخصوص برای کودک)، ورشکستگی، اسکان در یک خانه جدید و یا حتی قبول نشدن در کنکور! و خیلی مثال های دیگر که خودتان هم سراغ دارید و به طور کلی در هر شرایطی که انسان دچار شوک روحی و ترس و ضعف ایمان و ناامیدی از خداوند می شود ظاهر می شوند و این خود شوک روحی نیست که باعث بیماری میگرن یا صرع و... می شود، بلکه در این شرایط زمانی که انسان آسیب پذیر شد نیروی منفی و موقعیت طلب و شیطانی شخص را مورد تسلط قرار می دهد و این است که مثلاً می بینید پدری پسرش را به دلیل درس نخواندن در شبستان تاریک و ترسناک زندانی می کند تا تنبیه شود و درس بخواند ولی بعد از یک روز که به سراغش می رود می بیند که بیهوش افتاده و کف از دهانش بیرون می آید و دچار صرع شده است و از آنروز به بعد تا آخر عمر این شخص نه حالت تعادل عقلی سالمی دارد و نه توانایی رانندگی و نه شنا و نه توانایی انجام امور مهم و نه حتی گاهی توانایی ازدواج و طی این بیماری ماهانه یا حتی روزانه بیمار تشنج می کند و اگر شانس بیاورد در اثر زمین خوردن با سر به جایی نمی خورد. یا خانمی که بعد از قبول نشدن در کنکور پزشکی دچار سرخوردگی و افسردگی و بعد از چند ماه آغاز علائم MS گردید. یا خانمی که شوهرش زندانی و معتاد بود و غالباً در ترس و تنهایی و خود خوری به سر می برد تا اینکه بیماری لوپوس ظاهر شد (لوپوس به معنی گرگ، که طی آن ایمنی به تمام اعضاء خودی حمله میکند و گاهی صرع و جنون و توهم بینایی شنوایی فقط جزئی از بیماری لوپوس است). یا کودکی که همراه مادرش به هنگام ظهر در خیابان خلوت کیف پول مادر توسط موتورسیکلتی دزدیده شد و کودک ترسید و از آن به بعد کودک مبتلا

به سردردهای میگرنی و راه رفتن در خواب و بختک شبانه گردید، یا زنی که توسط جاری اش از روی حسادت جادو خورانده شد و از آن زمان دچار علائم روده تحریک پذیر (IBS) و آندومتریوز و قاعدگی دردناک لاعلاج گردید، یا دختری نوجوان که شبها در اتاقی جداگانه در تنهایی و بدون لباس میخوابید و مقید و معتقد به شرع نبود که بعد از مدتی دچار آثار کبودی و خون مردگی مکرر بی دلیل روی بدن و بروز سردرد میگرن گردید و شب‌ها کمی بدن اش را لمس میکرد، یا مادری که بعد از زایمان به دلیل تنها ماندن در خانه دچار جنون دوره نفاس میشود، یا پسر بچه ای که در سلامت کامل بوده و به دلیل آزار دادن یک حیوان (گره-سگ و...) به طور ناگهانی دچار صرع و یا فلج‌های ناشناخته و لاعلاج میگردد بطوریکه با چندین جراحی مغز و اعصاب و ارتوپدی هم قامت اش راست نشود، یا پسری جوان که به دنبال بختک مکرر (آپنه خواب) بعد از دیدن کسی که درحالت خواب بیداری با انگشت به چشم اش ضربه میزند بعد از چند ماه دچار بیماری MS با علائم چشمی شدید و نایبانی پیشرونده در آن چشم گردید، یا کودکی که به دنبال ادرار کردن در چاه، رودخانه و یا زیر درخت همان شب ناگهان تب و تشنج میکند و از آن به بعد شب‌ها در خواب راه میرود، یا زنی که بدون ذکر الله آب جوش برنج را در ظرفشویی میریزد و ناگهان دچار حمله صرع میشود و تا آخر عمر مبتلا به صرع میاند، یا خانمی که دچار میگرن است و جدیداً احساس میکند که بوی بسیار متعفنی در خانه میپیچد و در نهایت به این نتیجه میرسد که بوی بد نعوذ بالله از کتاب قرآن است و باید آن را از خانه بیرون برد! ولی سایر اعضای خانواده چنین بویی احساس نمیکند، و همچنین از بوی اسپند متنفر و فراری است و وقتی اسپند دود میشود از خانه به بیرون فرار میکند ولی بعد از درمان قرآنی دیگر سردرد ندارد و از همان قرآن بوی بد استشمام نمیکند و همچنین بسیار از دود دادن اسپند و بوی آن لذت میبرد، یا شخصی عابد و زاهد که بیمار صرعی را با قرآن طی چندین جلسه رقیه میکند تا اینکه کاملاً درمان میشود و وقتی آن شخص عابد به خانه برمیگردد میبیند که بچه اش تشنج کرده و به صرع مبتلا شده است، و یا پسری که برای اثبات شجاع بودن اش شبانه به قبرستان رفت و در یکی از گورهای از قبل کنده شده خوابید و از





همان شب مبتلا به صرع شد، و یا خانمی که بعد از اقدام به سقط عمدی (که شرعاً حرام است مگر در موارد خاص که ممکن است جان مادر به خطر بیافتد) دچار بیماری میگرن گردید. یا پیرمردی که بعد از نزاع فرزندان بر سر ارث دچار پارکینسون گردید. یا مردی که درصدد تسخیر و احضار جن برآمد و به دنبال کتاب های طلسم و سحر و جادو و یا عرفان های نوظهور رفت و نهایتاً خودش دچار اسکیزوفرنی گردید. یا کودکی که از پدری صرعی متولد شد و کودک دچار عدم توانایی ارتباط کلامی (اوتیسم) بود و همزمان از تیک عصبی نیز رنج می برد. یا اینکه خانمی هنگام مرگ مادرش در حالت حیض به قبرستان می رود و با صدای بلند زجه و فریاد و ناله می کند و از ههنا روز تا آخر عمر دچار سردرد میگرنی می شود، یا جوانی که در زمینه غلبه خلط سودا دچار جنون می شود ولی بعد از ابتلا به جنون، با اصلاح خلط سودا و مصرف داروی سودا بر دیگر جنونش برطرف و ریشه کن نمیشود، یا آقایی که بعد از مصرف شیشه بمدت چند سال با وجود کنار گذاشتن آن دچار حالات جنونی شده است و به صورت بدبینانه و با تهمت خیانت همسرش را کتک میزند و توهم شنوایی دارد که تا آخر عمر دست بردارش نیستند (حتی با وجود اینکه با آزمایش مکرر ثابت می گردد که دیگر مصرف نداشته است)، یا خانمی محترم و مؤمن که به طور ناگهانی دچار اختلال شخصیت می شود به طوریکه به میهمانان و فرزندان فحش های رکیک می دهد و در آخر کارش به جایی رسید که صدای پارس کردن سگ از خود درمی آورد و با هیچ دارویی درمان و حتی کنترل نمیشد! که وقتی از وی پرسیده شد که چرا اینچنین میکند ابراز بی اطلاعی نموده و خودش نیز از این موضوع تعجب کرده که نهایتاً بعد از کندن باغچه و بیرون آوردن یک لوح طلسم و یک قفل بسته شده و نوشته های سحر و جادو که نام اهالی خانه و طلسماتی که روی آن نوشته شده بود (که خود من نیز برای بررسی حقیقت ماجرا آن را مشاهده کردم) و بعد از ابطال و دور کردن آنها از خانه کاملاً به حالت اولیه برگشت و یا بیمار مبتلا به اسکیزوفرنی، کسانی در وهم خود میدید که در گوشش نجوا میکردند و به او امر کردند که اگر میخواهی تو را نکشیم باید کتاب قرآن را شبانه و مخفیانه به قبرستان ببری و بسوزانی، متأسفانه آن بیمار برای خلاصی از تهدید آنها قرآن را شبانه به قبرستان برد و

سوزاند و بهاریش بدتر شد، یا دختر خردسالی که در حمام ناگهان جیغ میزند و درخواست کمک می کند و وقتی به او می رسند بدنش را زخم خورده و کبود می بینند و بعد از مدت کوتاهی دچار توهّمات بینایی-شنوایی (اسکیزوفرنی) گردید و که منجر به دیوانگی و عدم ازدواج و.... شد.

تقریباً در تمام موارد یک استرسور واضح (مثلاً طلاق یا مرگ نزدیکان) به عنوان عامل مساعد کننده وجود دارد (هر چند که همیشه هم به این شکل نیست) ولی اگر در نظر بگیریم که مثلاً به دنبال ترسیدن آن پسر بچه که در شبستان زندانی بود بگویم که از شدت ترس یک بار تشنج کرده قبول، ولی تکرار این تشنج ها تا ۲۰ سال بعد و یا تا آخر عمر چه؟ این امری غیر عادی و غیر منطقی است که بگویم بخاطر اینکه در آنروز ترس شدیدی به او وارد شده دیگر احتمال دارد تا آخر عمر گاه و بی گاه و حتی در مواقع آرامش و حتی موقع خواب تشنج کند و این تکرار تشنج نشان میدهد علتی وجود دارد که همراه آن بیمار مانده است و هر از گاهی او را تحت تاثیر قرار میدهد و در بعضی موارد تا جان بیمار را نگیرد ول کن ماجرا نخواهد بود (تصادف، غرق شدن، سقوط و...).

\* تقریباً قریب به اتفاق مثال ها و شرح حال هایی که ذکر شده واقعی بوده و بیماری بوده اند که آنها را ویزیت کرده ام و تحت درمانی مشابه آنچه گفته شد قرار گرفته اند و برخی نیز به دلیل عدم اعتقاد و عدم پیگیری همچنان گرفتار میباشند.

از نظر پزشکی امروزی دلیل وجود چند بیماری از بیماریهای ذکر شده در کنار یکدیگر مشخص نشده ولی انتظار دارم که با توضیحات مفصلی که تا اینجا داده ام دلیل اش را بدانید.

یکی دیگر از دلایل ابتلا به این بیماریها چشم زخم است، افرادی که اصطلاحاً چشم شور دارند در اصل نیرویی منفی و شیطانی با توانایی چشم زدن آنها را گرفتار کرده است، لذا خود این افراد غالباً حداقل به یکی از بیماریهای ذکر شده نظیر میگرن، وسواس، IBS، و یا سایر حالت های روحی که ذکر شد گرفتار هستند به علاوه



اینکه به دلیل داشتن توانایی شیطانی چشم زخم دچار حالت غرور و در عین حال حسادت نیز هستند و یا حتی در درجات شدیدتر ممکن است محض تفریح و سرگرمی و جلب توجه، مال و اموال یا سلامت افراد را ویران کنند.

از آنجایی اکثر این افراد در طول زمان توسط اطرافیان خود به بدیمنی و نخوست و نامبارکی شناخته میشوند و همه مردم از آنها فراری میشوند اگر جان و سلامت و مال و حیات و زندگی سایر مردم برایشان ارزش دارد و می خواهند که ازین حالت روحی ویرانگر خلاص شوند پس میبایست آنها نیز این برنامه را مشابه آنچه که برای سایر بیمارها انجام میشود انجام دهند و این موضوع از آنجا اهمیت دارد که این قبیل افراد با حضورشان بین مردم و فامیل و... با تعریف دنیابینانه خود از مال و ثروت و زیبایی و جایگاه اجتماعی و شغلی و سلامت مردم و... به راحتی هر ماه چندین نفر و یا چندین خانواده را بی خانمان، و یا دچار فقر مالی و یا اخراج از کار و یا بیمار کردن (ابتلا به میگرن، صرع، MS، ناپیئانی حاد ناگهانی، ناشنوایی حاد ناگهانی، انواع سرطان ها و تومور های مهاجم با مرگ و میر بالا بخصوص در افراد جوان، مرگ ناگهانی بخصوص در افراد جوان و...) می نمایند که در صورتی که از این ویژگی خود خبر داشته باشند، قطعاً برای آن اتفاقات پاسخگو خواهند بود.

نیروی که طی چشم زخم زدن از شخص ساطع میشود در اصل تاحدودی مشابه جادو است، با این تفاوت که برای انجام جادو وجود سحر الزامی است و همچنین برای سحر کردن دیگران معمولاً نیاز به اسبابی مثل مو، ناخن، عکس، لباس و یا کفش و... که منسوب به آن شخص باشد، و یا نیاز به معجونی با ترکیبی خاص است که به آن شخص مسحور خورانده شود و... ولی در چشم زخم تاحدودی قضیه متفاوت است و بدون نیاز به سحر و رفتن نزد او و یا بدون داشتن یک شیئی از آن شخص، به راحتی با تعریف و تعجب از یک پدیده و بدون دیدن مشیت خداوند و ذکر الله تعالی این نیروی شیطانی به کار می افتد و وارد کار و زندگی و جسم آن شخص شده و اختلالی اساسی بوجود خواهد آورد لذا اگر میخواهند ازین حالت رها شوند لازم است به فکر باشند.

\*از بین بیماریها و حالاتی که ذکر شد کسانی هستند که مثلاً در دوران کودکی دچار سانحه تصادف و یا گیر افتادن در آسانسور و.... میشوند و این باعث میشود که در بزرگسالی همانند مارگریده از ریسمان سیاه و سفید بترسند و یا با به خاطر آوردن صحنه تصادف و یا سانحه دچار سندرم استرس پس از سانحه (PTSD) و یا فوبیای آسانسور و مکان در بسته و... گردند و یا مثلاً در بین بیماران وسواس کسانی هستند که به دلیل وسواس مادر، کودکانی که با تربیت مادر وسواسی بزرگ میشوند دچار اختلال شخصیت وسواسی و یا وسواس جبری میشوند که این حالت نباید با چیزی که گفته شد جایجا گرفته شود، چراکه تا حدودی با موضوع بحث ما متفاوت است و در اصل در حوزه روانشناسی جای میگیرد و بر عکس بیماریهای ذکر شده در این کتاب که غالباً درمانی ندارند ولی این گروه پاسخ بهتری به درمان دارویی و همچنین روان درمانی شناختی و.... میدهند و حتی با پیگیری دقیق و ممارست ریشه کن میشوند، با این وجود در صورتیکه این فوبیا و PTSD و وسواس که ذکر شد با میگرن و صرع و وسواس و IBS و سایر بیماریهای ذکر شده همراهی داشته باشند و یا به درمان دارویی و روانشناسی پاسخ ندهند و ریشه کن نشوند احتمالاً از انجام این برنامه سود خواهند برد ان شاءالله.

\*مطالبی که ذکر شد مجوزی برای ترک داروهای تجویز شده توسط متخصص مربوطه نیست بلکه داروها باید طبق دستور مصرف شوند، در صورتی که با انجام این اعمال انشاءالله بهبودی حاصل گردید فقط با اجازه پزشک مربوطه داروها را تعدیل یا قطع کنید، اگر این برنامه به طور کامل رعایت شود انشاءالله نهایتاً تا ۴۰ روز شفای کامل خود را مشاهده خواهید کرد، آنهایی که بهتر شده اند ولی بهبود کامل نیافته اند این برنامه را ادامه دهند و تکرار کنند، ولی آثابی که اصلاً تغییری در حالشان مشاهده نشده که البته بسیار نادر است مثلاً در بیماری که صرع مقاوم طول کشیده، اسکیزوفرنی شدید، فلج مغزی و... دارند می توانند درباره رقیه شرعی از کتب مربوطه و یا اینترنت تحقیق کنند هرچند توضیحاتی که قبل تر در این باب ارائه شد به حد کفایت بیان شده است.



\* موضوع ذکر شده نه تعصبی دینی پشت آن است نه القای نظریات دینی به کسانی که قبول ندارند، نه موضوعی جدید و قابل بحث و جدل و نه یک نظر شخصی، بلکه توسط بیماران قابل تجربه است و بنده نیز بارها این بیماریها را با نسخه های مشابه و حتی نسخه های ناقص تر از این نسخه کامل که الان در اختیار شما عزیزان است درمان کرده ام، برای بیمارانی که استناد میخواهند در درجه اول باید بگویم کسانی که دچار چنین بیماریهای شدیدی هستند که زمینگیرشان کرده و زندگی شان نابسامان شده بطوریکه با وجود مصرف چندین ساله انواع داروها هیچگونه درمان قطعی درکار نبوده، باید خدا را شاکر باشند که چنین درمانی معنوی برای بیماری لاعلاجشان در دسترس است و اگر به این درمان شک زیادی دارند و برای نماز خواندن و قرآن خواندن و اسپند دود دادن با وجود تأکید فراوان آیات قرآن و روایات، در باب توسل و کمک گرفتن و شفا گرفتن از خدا و قرآن و... باز هم استناد میخواهند شاید بهتر باشد به حال خود رها شوند و با بیماریشان بسازند چراکه این درمان اجباری نیست، ولی به هر حال از نظر استناد برای هر مسلمانی قرآن یک سند است و کسی که قرآن خوانده باشد میداند که میتوان از آیات و راهنمایی های قرآن برای شفای روح و جسم استفاده کرد (سوره اسراء آیه ۸۲) ولی برای آن دسته از بیماران ذکر شده که استناد به قرآن برایشان کافی نیست به تجربه پذیر بودن این نسخه استناد میکنم به این معنی که بیماران این نسخه درمانی را در کنار درمان دارویی پزشک معالجشان (چون قطع دارو حال مریض را بسیار بدتر میکند و صحیح نیست) انجام دهند تا انشاءالله ظرف مدت کوتاه چند هفته ای سیر بهبودی بیماریشان را مشاهده کنند، و اگر درمورد قطع داروها مسئولیتی متوجه من نمیگردید برای کسانی که بسیار شکاک اند و میخواهند بدانند که آیا واقعاً با تأثیر آیات قرآن و اسپند درمان شده اند یا تلقین خودشان بوده، پیشنهاد میکنم که تمام داروهای خود را قطع کنند و حتی یک قرص مسکن هم مصرف نکنند سپس درمان با آب قرآن خوانده شده و اسپند را شروع کنند تا یقین حاصل کنند که واقعاً این درمان اثر داشته است و ارتباطی با تلقین نداشته است، حال اینجانب نتایج کار خود را همراه با توضیحات مفصل بخاطر رضای الله تعالی در اختیار شما قرار داده ام و این نسخه حاصل تجربه عملی و مشاهده

نتیجه درمانی بر روی بیمارام بوده است و اساس و پایه آن برگرفته از قرآن و سنت پیامبر بزرگوارمان حضرت محمد(ص) و اهل بیت ایشان میباشد و صحت ۱۰۰٪ آن بر اینجانب ثابت شده است(و نه صرفاً تکرار و کپی کردن نوشته های موجود در مفتاح الجنان که بسیاری تان آن را بلیدید و شنیده اید، بلکه با امتحان بر روی بیماران مختلف صحت کامل آن و قدرت و عظمت درمان آن به من ثابت گردید و توانستم بیمارهای قابل درمان با این نسخه را افتراق دهم) هرچند که ممکن است برخی از همکاران بنده از این تجویز من خوششان نیاید و آن را حماقت بدانند که البته اگر چنین باشد هیچ دلیلی برای دشمنی با این نسخه قرآنی معنوی ندارند جز اینکه مؤمنان به خدا ایمان دارند و برعکس، و این درمان چیزی از ارزش و جایگاه پزشکی نوین کم نمیکند.

اگر این موضوع بسیار مهم را درک کنید که علت خبیث پشت پرده این بیمارها چه موجودی است و درمانش چیست به خودتان کمک کرده اید و اگر این درمان را رد کنید به کمی ضرر نرسانده اید جز خودتان. متأسفانه به دلیل جدا شدن کامل دین از علم پزشکی و طبابت بخصوص طی سالهای اخیر و همچنین تمسخر و طعنه به حضرت عیسی مسیح(ص) و سایر پیامبرانی که صرع، وسواس و جنون را به شیوه الهی و یا با انجیل و قرآن و... درمان میکردند و انکار هرگونه اثر جادو، طلسمات و چشم زخم بر بدن و همچنین ممنوعیت چندین ساله یکی از اصلی ترین سنت های پیامبر به نام حجامت و بیان نکردن راهکارهای دینی و معنوی توسط طبیبان، بیمارهای روحی مثل وسواس و میگرن و تیک عصبی و روده تحریک پذیر و اضطراب های همه گیر و... در مردم به شدت افزایش پیدا کرده به طوریکه اگر در کنار تجویز دارو در مورد علت بیماری وسواس یا میگرن دلیل مذهبی و دینی مرتبط با ایجاد این بیمارها توضیح داده شود بیماران مات و مبهوت می مانند چون اینچنین در ذهن بیماران رفته که طب از معنویت جداست و روح و معنویت هیچگونه ارتباطی با جسم و بیماری ندارد، درحالیکه درمان صحیح درمانی است که تمام زوایا و علل یک بیماری را بسنجد سپس آن را درمان کند، نه اینکه فقط با در نظر گرفتن جنبه جسمی و بُعد مادی بیماری فقط به درمان علامتی آن بیماری بسنده کنیم و ندانیم که علت ایجاد آن بیماری چه بوده است، در عین حال نمیتوان بیماران را فقط و



فقط توصیه به درمان معنوی کرد و از درمان جسمی و پزشکی و طبی قضیه غافل شد چراکه این دو مشمول درجانی از افراط و تفریط هستند، بلکه باید هم جسم و هم روح را در نظر داشت، درمانی که بیمارهای ذکر شده را متحد درمان قطعی و ریشه کنی جلو میبرد ترکیب درمان های دارویی پزشکی با درمان معنوی و قرآنی و روحانی است که تأثیر درمان را چندین برابر میکند، و در آخر بدانید حتی در **صورتیکه بیمار هیچگونه اعتقادی به خدا و دین و مذهب و یا این درمان نداشته باشد باز هم اثر درمانی خواهد داشت (ادعای بزرگی است!)** و ارتباطی به تلقین کردن ندارد (همانگونه که اگر بیماری بگوید من اصلاً قبول ندارم که دیازپام اثر آرامبخش بر روی من داشته باشد سپس به آن بیمار دیازپام تزریق کنیم به راحتی میتوانیم آن بیمار را با این دارو خواب کنیم و قبول نداشتن او چندان هم مانع اثر کردن دارو نمیشود، ولی این قبول داشتن فقط به سود خودشان است).

شاید کسانی بگویند اگر عامل ایجاد این بیمارها عاملی نادیدنی و ماورایی و با معنویت در ارتباط است پس چرا با دارو بهتر می شود؟ در جواب باید گفت بیمارهای مزمن مذکور اکثراً با دارو ریشه کن نمی شوند و با وجود مصرف دوزهای بالای دارو بعضاً باز هم بهبود کامل نمی یابند و در برخی موارد عود هم می کنند و حتی بدتر میشوند، و اگر هم به صورت موقت بهتر می شوند به دلیل تأثیر خواب آور و سرکوب کننده سیستم اعصاب مرکزی است که بیمار را خواب می کند و در صورت قطع دارو بیماری سریعاً عود می کند و مادامیکه دارو مصرف می کنند موقتاً حالشان بهتر است لذا اکثر این بیماران مادام العمر باید دارو مصرف کنند، به طور مثال در میگرن یا صرع یا وسواس یا ام اس یا اسکیزوفرنی عامل اتیولوژیک اصلی ایجاد کننده بیماری از نظر علمی شناخته شده نیست و فقط علم در این حد پیشرفت داشته که متوجه شود که در میگرن جریان خون مغز به طور ناگهانی تغییر می یابد یا در صرع تحریک پذیری سیستم اعصاب مرکزی افزایش یافته یا در کره هانتینگتون که توارث اتوزومال دارد توالی کدون CAG در ژن های بیمار تکرار شده است که طی این بیماری شخصی که سالم بوده ناگهان دیوانه میشود و شروع به حاشی به مردم و رفتار ضد اجتماعی و ضد اخلاقی و توهم و ادرار کردن در جلوی چشم مردم و... میکند! (و خود این جهش ژنتیکی نیز باید علت داشته باشد و اینکه

بگویم فلان بیماری ژنتیکی است به عنوان دلیل کافی نیست چرا که خود جهش ژنی هم به دنبال علل و عواملی ایجاد میشود) و در MS سیستم ایمنی علیه اعصاب مرکزی بدن فعالیت می کند و به آن حمله میکند یا در وسواس فکریهای پلید منفی و تکراری از جانی (که تا اینجا باید متوجه شده باشید از کجاست) به ذهن بیمار القاء می شود که اگر بیمار در برابر آن فکر مقاومت کند و آن فکر القاء شده را انجام ندهد بیمار دچار اضطراب شدید می شود و اگر انجام دهد موقتاً دست از سرش برمیدارد، ما همگی میدانیم غیر ممکن است که مغز و فکر یک انسان با آن همه عظمت و پیچیدگی ناگهان مثل یک کامپیوتر و ویروس از زمان خاصی به طور خودبخود! سر به سر خودش بگذارد و آزار و اذیت روحی و فکری و ذهنی به خودش برساند و بی دلیل دچار وسوسه های تکراری و مکرر و آزار دهنده مبنی بر آسیب رساندن به خود و یا وسواس شستشو یا فکر به نجس بودن و کثیف بودن اعضای بدن اش یا وسوسه های القای کلمات کفرآمیز در ذهن انسان شود **مگر آنکه واقعاً گرفتار ویروس شده باشد!** بعد بگویم این چیز خاصی نیست و فقط دارو دهیم و از درمان دینی و قرآنی آن عامل وسوسه گر شیطانی (در این مثال ویروس کامپیوتر) غافل شویم، و یا در اسکیزوفرنی که توهم بینایی-شنوایی دارند سطح ماده ای به نام دوپامین افزایش می یابد و در نتیجه شخصی که تاکنون سالم بوده به طور ناگهانی دیوانه و دچار جنون می شود و از زمانی خاص صدای یک مرد یا زن را میشنود که با او حرف میزند که به او و مقدسات اش دشنام و فحش میدهند و یا به او میگویند که مثلاً همسایگان قصد کشتن ات را دارند و باید فرار کنی و یا احساس میکند که یک کسی یا کسانی دارند افکارش را جابجا میکنند و ذهن اش را کنترل میکنند و یا به او می گویند که قصد داریم فکر های پلید و سوابق گناه هایت را منتشر کنیم تا همه مردم بفهمند که چگونه آدمی هستی!! یا برایش فکری کار میگذارند و القا میکنند و در درجات شدیدتر به او دستور به خودکشی و یا قتل همسرش و دیگران را میدهند!

پس ما نمی توانیم بر اساس این اندک اطلاعات بگویم که ما علت را فهمیده ایم، این دلایل (برای مثال افزایش تحریک پذیری مغز) (در صرع) که بوسیله نوار مغز کشف میشود) به عنوان علتی قابل قبول برای صرع کافی و توجیه کننده نیست، چون هر معلولی





**علتی دارد و خود افزایش تحریک پذیری مغز نیز یک معلول است که باید علت آن پیدا شود و اگر در این مرحله درجا بنزیم و بیاییم به مدّت یک عمر به بیمار داروی ضد تشنج بدهیم با این کار فقط فقط درمان علامتی کرده ایم (که گل گاوزبان و سنبل الطیب هم میتوانند برای بیمار چنین کاری کنند که در اینصورت حتّی نیازی به داروهای پرعوارضی مثل سدیم والپروات و فنی توئین و کاربامازپین و... هم نبود) در این مثال (بیماری صرع) در حدود ۲۰٪ موارد علت تشنج مواردی از قبیل ضربه به سر، توده مغزی، اختلالات الکترولیتی سدیم-کلسیم و یا گلوکز (قند خون) و... است که معمولاً با درمان دارویی و یا حتی بعضاً بدون دارو نیز سریعاً برطرف می شوند چون مشکل، طبی و جسمی است، ولی ۸۰٪ باقیانده که به آن صرع (Epilepsy) میگویم و اکثریت را تشکیل می دهد چه؟ علت آن چیست؟ تاکنون چه ریسک فاکتورهایی (عوامل مساعد کننده ای) برای بیماری صرع و یا میگرن و یا اسکیزوفرنی شناخته شده است؟ برای مثال بعضی از انواع سرطان ریه با مصرف سیگار ارتباط خیلی نزدیکی دارد به طوریکه مثلاً ۱۰-۲۰٪ از افرادی که به مدت حداقل ۳۰ سال سیگار می کشند ممکن است دچار نوع خاصی از سرطان ریه شوند، و از طرفی تعداد نسبتاً زیادی از کسانی که دچار سرطان ریه می شوند سیگاری قهار هستند!! در اینجا متوجه ارتباط نسبتاً قوی بین سرطان ریه با سیگار میشویم، ولی ارتباط این حجم زیاد بیماریهای صعب العلاج-لاعلاج که تقریباً تمامی آنها ناشناخته اند و صعب العلاج و یا لاعلاج و با دلیل نامشخص و ایدیوپاتیک و همگی دارای حالات اضطرابی و روحی روانی و... هستند با چیست؟ با کدام ریسک فاکتور مستعد کننده است؟؟ ژنتیک؟؟ اعصاب؟؟ به نظر من به دلیل حذف کردن و خارج کردن و جداسازی دین از طب این معضل بر سر انسان آمده، طبی که با وجود پیشرفت های فراوانی که در پزشکی داشته ولی در بعد فلسفه و اعتقادی نظریه توطئه آمیز داروین را تأیید می کند و اعتقاد دارد که اجداد پدری و مادری ما بوزینه و میمون بوده اند و ما از آن حیوانات به تکامل رسید ایم و متأسفانه این نظریات کفرآمیز در مدارس اجباراً به دانش آموزانی که هنوز ایمان در قلب هایشان آنچنان که باید نهادینه نشده یاد داده می شود و از آن نظریه امتحان هم گرفته میشود تا**

مطمئن شوند که به خوبی آن را یاد گرفته اند، تا بنی آدم فراموش کنند و یا نخواهند قبول کنند که خدایی وجود دارد و انکار کنند که پدرشان حضرت آدم(ص) بوده که در آسمانها و بهشت جای داشته و اگر آن دانش آموز بابت گناهی که مرتکب شده ذره ای عذاب وجدان داشته، با این حرف که نه آدمی بوده و نه حوا دیگر خیالش آسوده باشد که قیامتی هم در کار نخواهد بود، تا انسان ها فراموش کنند که دشمن قسم خورده ای به اسم شیطان از جنس جن دارند که اگر بتواند جسم و روح انسان را تسخیر کند لحظه ای درنگ نمی کند و آن را صرفاً یک فکر منفی بدانند و نه یک موجود فعال که در دشمنی با بنی آدم خواب ندارد، که فراموش کنیم بیماری های بالینی و سوسه و یا جنون و صرع و میگرن و اضطراب و وحشت از کجا منشأ می گیرد و برعکس آرامش و ثبات و اطمینان روحی که باید برای انسان تأمین شود از کجا می آید و برای رهایی ازین وضعیت به چه کسی باید پناه برد، اینچنین شد که بخاطر موجود نبودن دلیل محکم در علم روز دنیا از کلمه ژنتیک و ژن و اعصاب و علل محیطی برای توجیه این بیمارها استفاده شده، می شود، و خواهد شد.

اینجاست که فرضیات تا به امروز (۲۰۲۰ میلادی) علت این بیماری ها که غالباً ترس و اضطراب و استرس عضو ثابت آنها هستند را پیدا نکرده اند و فقط به دنبال پیدا کردن دلیلی هستند که بشود زیر میکروسکوپ آن را دید که نتیجه اش تعداد بیشمار بیماری های اعصاب و روان و مغز و اعصاب و..... شده است که جای تعجب هم ندارد چرا که **جای خداوند در این طب خالی است.**

\* این برنامه یک دستور العمل عام می باشد، انجام حجامت و بخور اسپند و قرائت قرآن و عمل به سنت پیامبر (ص) و درخواست شفا از خداوند در کنار درمان دارویی غیر علمی نیست، چرا که دین نیز علم است، اخلاق علم است، طب نیز علم است که این علم طب با بسیاری از علوم دیگر هم پوشانی دارد و هیچکدام از صاحب نظران این علوم نمیتوانند علوم دیگر را نفی کنند و زیر سوال ببرند مگر آنکه با آن عداوت و دشمنی داشته باشند که در آنصورت تحریفات زیادی در علم رخ خواهد داد. انجام این برنامه تداخلی با



کار همکاران محترم و پزشکان متخصص ندارد چرا که مستقل و جدای از برنامه درمان دارویی انجام میشود و هیچگونه عارضه‌ای به دنبال نخواهد داشت.

تأیید بر درمان قرآنی در کنار درمان های پزشکی به این دلیل است که مردمی که به این حالات و امراض مبتلا هستند شفای خود را با آب معمولی (حتی آب ساده لوله کشی) ببینند تا واضحاً و بدون هیچ شک و اتهامی در وهله ی اول متوجه شوند که علت بیماری چه بوده که از آب قرآنی تأثیر گرفته و نکته دیگر اینکه این درمان یک درمان جامع و کامل و قوی است و ان شاءالله توانایی ریشه کنی بیماری شما یا عزیزانتان را خواهد داشت و بیشتر از آن چیزی است که فکر میکنید.

\* بیماری که توسط پزشک متخصص برایشان تشخیص صرع و یا وسواس و یا میگرن و سایر بیماریهای نامبرده شده گذاشته شده ولی هیچ شکایتی از حالات عصبی-اضطرابی ندارند (هرچند که بسیار بعید است) اینها در هر صورت مبتلا به آن عامل ذکر شده هستند، چرا که گاهی عامل بوجود آورنده ی صرع و میگرن و.... ممکن است خباثت و شیطنت کند و پشت علائم جسمی مخفی شود و علائم اضطرابی و روحی زیادی نشان ندهد. یا حتی فقط انحرافات اعتقادی و رفتاری بوجود بیاورد و یا اینکه همه این حالات جسمی و روحی و اضطرابی و سایکوتیک را با هم نشان دهد و یا در محدود مواردی هیچکدام از علائم را نشان ندهد. تمام اینها ممکن هستند و این برنامه میتواند باعث ریشه کنی کامل بیماریشان شود ان شاءالله.

\*نکته: آن چیزی که با تولد حضرت مسیح (ص) و حضرت محمد (ص) طی چند مرحله ممنوع شد ممنوعیت دخل و تصرف در زندگی انسانها و بیمار کردن آنها و.... نبود، بلکه ممنوعیت برای استراق سمع و یا همان دزدی اخبار غیب بود که توسط شیاطین جنی صورت میگرفت که به این طریق اتفاقات آینده را پیش بینی میکردند که بعد از رسول الله خداوند ورود شیاطین به آسمان ها را ممنوع کرد و شیاطین مارد و سرکش که به اینکار اصرار داشتند توسط شهاب رانده میشدند و میشوند و خبر دادن از آینده که در این مقوله ذکر شد که در حال حاضر نیز توسط برخی افراد و یا بیماران صورت میگیرد به صورت بسیار محدود بوده و قطعیت آنچنانی ندارد و موضوع دیگر اینکه بنابه حکمت

الهی باید انسان و جن (مؤمن کافر) جن شیطانی- اصطلاحاً شیطان) که به استناد قرآن جنیان از قبل در زمین زندگی میکردند و گروهی از آنان بعد از هبوط به تبع ابلیس کافر شدند) و شیطان جنی (ذریه و نسل ابلیس شیطان اصلی که همراه با آدم به زمین هبوط کرد و قبایل تشکیل داد) در جوار یکدیگر و در یک کره خاکی تا روز دادرسی زندگی کنیم تا مایه آزمایشی برای هر دو طرف باشد که در این بین دخل و تصرفاتی از جانب آنها به بنی آدم و از بنی آدم به آنها صورت میگیرد که هر کدام تبعاتی دارد. (سوره جن آیه ۹. سوره صفات آیه ۶-۱۰، سوره مؤمنون آیه ۹۸-۹۷، سوره اعراف آیه ۲۷)

موضوع دیگر اینکه توانایی جابجا کردن یا دزدیدن اشیاء و اجسام کوچک و سبک به قصد تفریح و شوخی و آزار و اذیت و همچنین تغییر شکل به صورت اعضای خانواده و.... به صورت محدود در توانایی بعضی از آنها میباشد که به دفعات در خانه هایی که آورده به شیاطین هستند (که در حال حاضر نسبتاً شایع میباشد مشاهده میشود که فرقی هم نمیکند آن خانه آپارتمان باشد یا ویلا، شهری باشد یا غیر شهری) که البته بسیار بعید است در هنگام شلوغی این قبیل کارها را انجام دهند، بلکه تقریباً در تمامی موارد هنگامی که یکی از افراد در خانه تنها است (بخصوص آنهایی که به بیماری های ذکر شده مبتلا هستند) حضور آنها را احساس خواهند کرد و یا آنها را خواهند دید و انکار گفته های بیماران صرع و میگرن و وسواس و اسکیزوفرنی و.... و دیوانه و توهمی خواندن بیماران توسط پزشکان متخصص روانپزشک و نورولوژیست به حل شدن این معضل کمک نخواهد کرد چرا که کلمه توهم یا هالوسینیشن (Hallucination) بیشتر برای کسی است که ماده ای محرک مثل حشیش و شیشه مصرف میکند و فرد متشخص و تحصیل کرده ای که مبتلا به میگرن است و یا بیماری که مبتلا به صرع است و حرف از دیدن و یا شنیدن مسائلی میکند دلیلی برای دروغ گفتن ندارد و قطعاً اگر هر شخص دیگری که منکر این مسائل است نیز گرفتار این بیمارها شود احتمالاً حاضر است قسم بخورد که من فلان موضوع را ادراک میکنم در حالیکه بقیه افراد آن را متوجه نمیشوند، به همین دلیل به جای انکار حرف های این گروه بیماران توسط خانواده ی شخص بیمار و یا



سایر افراد بهتر است این مشکل به طور خدا پسندانه ای یک بار و برای همیشه تمام شود که راهکار اینجانب نیز در این مورد مفضلاً ارائه شد.

\* درگیر شدن و ابتلاء به بیماریهای صعب العلاج-لاعلاج همیشه به معنی گناهکار بودن و یا بی ایمان بودن آن شخص نیست ولی بی ارتباط هم نیست، بلکه ارتباطی نسبی دارد، لذا نمیتوان در مورد بیماری های مردم قضاوت کرد چرا که قضاوت در درجه اول کار خداوند است و در درجه دوم این ابتلاء همیشه به دنبال گناه کردن نیست، بلکه گاهی به دنبال ندانم کاری اتفاق میافتد و حتی گاهی شخص بدون هیچ گناهی مورد ظلم واقع میشود و از طریق چشم زخم و یا سحر و جادو و یا هرگونه سهل انگاری ممکن است دنیا و حتی آخرت اش نیز تحت تاثیر قرار بگیرد.

برای مثال حضرت محمد(ص) فرمودند: کسی از شما در حمام ادرا ر نکند چرا که ممکن است دچار وسواس جنی شود(به همین راحتی).

و یا درجایی دیگر میفرمایند: چشم زخم، شتر را در دیگ و مرد را در قبر میگذارد(منظور حدیث مریض شدن ناگهانی شتر با آن هیبت و عظمت به دنبال چشم زخم خوردن و ذبح شدن ناگهانی اش توسط صاحب شتر قبل از مردن حیوان و حرام شدن گوشت اش میباشد، و در مراد از گذاشتن مرد در قبر نیز یعنی چشم زخم میتواند انسان را مبتلا به بیماریهای مشابه بیماریهای لاعلاجی که ذکر شد و یا حتی بیماریهای پیش آگهی بدتر شناخته شده یا شناخته نشده کند و در نهایت جانش را بگیرد).

و یا در جای دیگر میفرماید: شیطان در انسان جریان پیدا میکند همانگونه که خون در رگ های انسان جریان پیدا میکند.

ازینجا متوجه میشویم که طیفی از علل در ایجاد بیماری های ذکر شده دخیل هستند که اکثراً با رفتار خودمان مرتبط است ولی گاهی میتواند به دنبال عللی خارج از اراده مانند سحر و یا چشم زخم نیز ایجاد شود.

برای مثال بنده بیمار مبتلا به صرعی را دیده ام که از دوران نوزادی(احتمالاً به دلیل درگیری نطفه در هنگام انعقاد و یا حتی درگیری در بدو تولد که خود دلایل متعددی دارند) دچار ابتلاء به صورت بیماری صرع شدید از زمان بدو تولد شده بود که با وجود

۳۰ سال مصرف داروی ضد تشنج (درمان علامتی) درمان نشد و ازدواج نکرد و مستقل نشد که دست آخر هم در آب غرق شد و جانش گرفته شد، در حالیکه هفته قبل از مرگ اش با وجود مصرف دوز بالای داروی ضد تشنج باز هم مکرراً تشنج میکرد و در آن حالت دو سایه تاریک را میدید که برای اش یک گور آماده کرده بودند و زیر بغلش را گرفته و کشان کشان به سمت آن میردند و مکرراً به او میگفتند قصد خاک کردند را داریم ولی اطرافیانش اهمیتی ندادند و گفتند **هذیان میگوید** تا اینکه یک هفته بعد در رودخانه در آبی بسیار کم عمق تشنج کرد و جان داد (که شاید اگر اطرافیانش برایش کاری میکردند و در کنار مصرف دارو، درمانی مشابه این نسخه از سنت پیامبر استخراج میکردند زندگی آن بیمار به این شکل به پایان نمیرسید)، و برعکس، خانی را نیمه شب ویزیت کردم که با علایم توهم بینایی ترسناک و اضطراب مراجعه کرده بود که طی شرح حال گفت که مبتلا به میگرن و MS به طور همزمان! است و بسیار بدحجاب و بی اعتقاد بود و علامت طلسم تک چشم یهودی هم به گردن داشت (تقریباً تمامی مثال هایی که در باب ابتلای افراد به بیماریهای ناشی از عوامل ماورائی و جادو و.... در این کتاب ذکر شد و بسیاری از مثال هایی که ذکر نشد جزء بیماریانی بوده اند که طی این چندسال با آنها برخورد داشته ام و دلیل اینکه این مثال ها واقعی به نظر میرسند اینست که واقعی هستند)، با این مثال ها متوجه میشوید که طیف علل ایجاد کننده این بیماریها بسیار وسیع است و بر اساس این ابتلا نمیتوان درباره بیمار قضاوت کرد چراکه قضاوت در اینباره کار ما نیست و ارتباطی هم به ما ندارد، ولی چیزی که قطعی است اینست که توکل به خداوند و کمک گرفتن از درمانهای معنوی (نماز-روزه-توکل به خدا-و در نهایت درمان و شفا با کلمات قرآن) جزئی جدانشدنی از برنامه درمانی بیماران صعب العلاج-لاعلاج میباشد و الا اینکه در بیماریهایی مثل وسواس و میگرن و روده تحریک پذیر و پارکینسون و.... که افکار و نیروهای منفی و سیاه و فاسد و مسموم کننده فکر و بدن شخص مبتلا را گرفتار میکنند و انواع ترس از سرطان و ترس از مردن خود و یا خانواده و اضطراب بی دلیل و.... را بوجود میآورند ما بایم تمام توان و هم و غم خود را فقط و فقط روی دارو درمانی بیمار بگذاریم و درمانی امیدوارکننده و رحمانی و الهی را



از خداوند و کتاب اش قرآن (با روشی که ذکر شد) طلب نکنیم مطمئناً در چنین بیماری سیر بیماری ناتوان کننده و سریعاً پیشرونده خواهد بود و علاوه بر جسم، روح را هم به نابودی خواهد کشاند.

\* ممکن است کسانی پرسند مگر خداوند میان ما انسان ها و شیطان جَنّی حایل قرار نداده تا که نتوانند به انسان آزار و اذیت برسانند و انسان را بیمار کنند و یا رفتار و حرکات جسم و حتی دست و پا و زبان انسان را به میل خود کنترل و در جسم دخل و تصرف و آن را تسخیر کنند؟ در جواب باید گفت: "بله" در حالت عادی انسان عموماً از دخل و تصرف شیطان جنی در امان است ولی تحت شرایط خاصی مانند اعوذ بالله و بسم الله نگفتن در هنگام انعقاد نطفه و یا انجام گناهان کبیره و صغیره و یا سحر شدن و یا چشم زخم خوردن (با به رخ کشیدن مال و ثروت و فرزند به رخ مردم بخصوص بوسیله شبکه های مجازی و حتی عکس گرفتن از غذا یا کودک خود که تبدیل به یک بیماری ایدمیک شده) و یا اسکان در یک منزل آلوده به شیاطین (بدون پناه بردن دائم به خداوند) و یا ماندن طولانی مدت در حالت جنابت و یا حیض و یا هنگام ریختن آب جوش بدون بسم الله و یا ادرار کردن در حمام و یا رودخانه و یا قبرستان، و یا مشروب خواری و مصرف مواد روانگردان بخصوص شیشه، حرام خواری (سوره بقره آیه ۲۷۵) و یا توهین به مقدّسات و یا نماز نخواندن و عبادت نکردن و یا ترک عبادت خداوند (سوره الزخرف آیه ۳۶) و یا رفتن نزد دعا نویس و یا به دنبال افسردگی و عدم تطابق ناشی از فوت والدین و هرگونه درگیری فکری و روحی و استرس و یا حتی ترساندن یک شخص به قصد شوخی و هزاران دلیل دیگر و هزاران ندانم کاری دیگر ممکن است آن حصن و سپر که در حالت عادی انسان را حفظ میکند (جهت اطلاع و دیدن تصاویر زیبای هاله انرژی اطراف بدن میتوانید تصویربرداری کرلیان را در گوگل جستجو کنید هرچند رفتن به دنبال انرژی، چاکرا و... معمولاً بیراهه است) دچار نقص و اختلال شده و جسم و روح انسان گرفتار آن شیطان ملعون شود که در آصورت و وسوسه ذهنی و قلبی شیطان تا حدودی قوی تر میشود و حتی گاهی رفتار و حرکات و گفتار شخص را تحت تاثیر قرار میدهد (که این همان دشمنی است که خداوند در قرآن

درباره آن بارها به بنی ادم هشدار داده است و نه صرفاً یک جن رهگذر)، شدت این اختلال تا حدودی به لطف نیروی ایمان به الله تعالی و قدرت اراده و تلقین و... از شخصی به شخص دیگر متفاوت است (از یک کابوس و تکان خوردن ساده در خواب، تا تسخیر و جنون کامل و بی اراده شدن و در اختیار نداشتن حرکات و افعال بدن که این حالت خیلی شایع نیست ولی وجود دارد).

در نهایت اگر انسانی که گرفتار چنین حالاتی میشود مرتکب جرائم و گناهی شود نمیتواند از عهده گرفتن مسئولیت آن عمل گناه شانه خالی کند چون تحت هر شرایطی انسان اراده نسبی خود را کماکان دارد و شیطان همیشه نمیتواند انسان را مجبور به انجام کاری کند، مگر آنکه: شخص مبتلا به یک یا چند مورد از بیماری های صعب العلاجی که ذکر شده باشد، یا آنکه بیمار ضعف ایمان و اراده و یا اعتیاد داشته باشد و نفهمد که دارد چه میکند و یا بسیار بی دین و فاسد باشد و یا سفیه و کم عقل باشد، و یا کودک باشد و از کودکی گرفتار بیماریهای ذکر شده باشد به این شکل که آن شیطان در کودکی شخص را گرفتار کند تا مانع بلوغ فکری و ایمانی در سنین جوانی شود که باز هم در این شرایط انسان اراده نسبی دارد و میتواند با کمک از خداوند بر شیطان غلبه کند (سوره نحل آیه ۱۰۰-۹۸، سوره نساء آیه ۱۱۹) که این گرفتار شدن از سنین کودکی در زمان حال حاضر بسیار بسیار شایع است (چرا که شاید بهترین طعمه برای پاشیدن بذری اعتقادی و کفر و بی نمازی، کودکانِ مدرنِ نسلِ جدید باشند) که سند و شاهد این قضیه هم میگردان های زودرس در کودکان و لکنت زبان های زودرس و صرع ها و تشنج های زودرس (بخصوص اگر با تب و هذیان و سفید شدن چشم های کودک همراه باشد) و انواع فلج های مغزی مادرزادی و تیک های عصبی کودکان و کولیک های نوزادی و بختک ها و ناله های مکرر در خواب و راه رفتن در خواب و انواع فلج ها و قوزها و دفرمیتی های ستون مهره ها و روده تحریک پذیر عصبی (IBS) در کودکان و آسم کودکی و دندان قروچه بی دلیل و ترس و اضطراب ها و توهم های دیداری-شنیداری ترسناک و بروز افکار و رفتار جنسی در سنین ۵-۴ سالگی! به خصوص در کودکان مبتلا به میگردان و یا سایر بیماری های ذکر شده، که صد البته با ماهواره و... هم بی ارتباط نیست)





و اوتیسم ها و بیش فعالی های فراوان و... هنوز هم بگویم؟؟؟ (که تقریباً در تمام موارد، کودک رفتار تحریک پذیر و عصبی و پرخاشگرانه و اضطرابی بی دلیل و غیرعادی دارد و هیچ علتی برای این رفتار کودک پیدا نمیشود با اینکه اکثراً از نظر رفاهی و توجه نیز در حد عالی به سر میبرند).

**ذکر یک خاطره درباره قدرت اختیار انسان که بیان آن خالی از لطف نیست:** شخصی که در یکی از شهرستان های دور افتاده زندگی میکرد تعریف میکرد که یک شب از سر زمین زراعی به سمت خانه میرفتم که تا خانه نسبتاً مسافتی بود، در راه یکی از اهالی شان با مینی بوس از آنجا رد شده که وی را بر سر مسیر سوار میکند، وقتی سوار میشود میبیند که دو سه نفر شخص غریبه نیز مسافر سوار مینی بوس هستند، سلام کرده و میپرسد که شما که هستید، به کجا میروید و کارتان چیست؟ یکی از آنها میگوید که آیا اطلاع داری که فلافی (نام یکی از هم شهری هایش) روی خود بنزین ریخته که خود را بسوزاند و خودکشی کند؟! ناگهان جاخورده و میگوید شما که هستید و از کجا میدانید که ناگهان نگاه اش به پاهایشان افتاده و میفهمد که انسان نیستند، سپس درحالی که بسیار ترسیده ازیشان میپرسد پس کار شما این وسط چیست؟! که یکی از آنها به وی میگوید ما داریم به سمت خانه اش میرویم کبریت را به دست اش بدهیم تا کار را یکسره کنیم...

گاهی این خود انسان است که مقصر است و با ندانم کاری خود را گرفتار می کند، یک شاهد این قضیه که این بیماری ها اکثراً ناشی از اعمال و رفتار و یا اشتباهات خود انسان هستند این است که میبینم در تمام طول تاریخ بشر هیچ پیامبر و رسولی نبود که نعوذ بالله مبتلا به بیماری وسواس و یا سردرد مکرر میگرفی و یا صرع و تشنج و یا بختک و راه رفتن در خواب یا افکار خودکشی و یا تیک عصبی و یا پارکینسون و دیگر بیماریهای مزمن اعصاب و یا MS و آلزایمر (فراموشی-نسیان) و.... بوده باشند و آنچه در روایات از این قدّيسان و بزرگان آمده ابتلا به صورت تب و سرماخوردگی و یا زُگام و خستگی موقت و یا ضعف در اثر ریاضت و یا سردرد موقت گذرا ناشی از فشار کاری و....

بوده است و این خود به این معنی است که ابتلاء به اینگونه بیماریهای مرتبط با جن و شیطان و نیرنگ آنها در شأن پیامبران خدا نیست که گرفتار چنین بیماریهای روحی شوند و این خیلی معنی دارد اگر بدانید.

تنها استثناء که خداوند در این مورد قرار داده و ذکر شده و با این مبحث مرتبط است ابتلاء حضرت ایوب (ص) به قصد امتحان الهی و خوار کردن شیطان اتفاق افتاد که بعد از امتحان آن حضرت با گرفتن مال و فرزندان و زراعت و.... اش در نهایت خداوند اجازه بیمار کردن جسم (و نه عقل و قلب) حضرت ایوب توسط ابلیس شیطان را صادر کرد تا خلوص نیت و صبر آن حضرت را در شکرگزاری بیازماید و به شیطان ثابت کند که عبادت بنده اش ایوب بخاطر صحت و سلامت جسمی اش نیست بلکه در همه حال و حتی در بیماری نیز خدا را عبادت و شکرگزاری خواهد کرد.

اینچنین شد که بدنال دمیدن شیطان، آن حضرت گرفتار بیماری پوستی شد بطوریکه از ترس واگردار بودن قوم اش او را از شهر خارج کردند و در نهایت امر با تکیه بر ایمان به خداوند و صبر بر شیطان غالب گردید و تبدیل به اسطوره صبر برای کل نسل بشر شد و در آخر از آب مبارکی که از زیر پای مبارک اش جوشیدن گرفت نوشید و غسل کرد و از مرض جسمی اش که از مَسّ شیطان عارض شده بود شفا یافت (سوره صاد آیه ۴۳-۴۱ . سوره انبیاء آیه ۸۳)

این نحوه تشخیص و درمان بیماران توسط این راهکار معنوی در کنار درمان دارویی شاید بتوان گفت یک انقلاب در سیستم پزشکی امروزی است و من از آنجایی که این درمان را به کرات آزموده ام آنچنان به این درمان معتقدم بطوریکه اگر بگویند با انجام این درمان تمام بیماران مبتلا به میگرن و روده تحریک پذیر عصی کشور (که مجموعاً حدود ۲۰ میلیون نفر هستند!) ظرف ۱ ماه حتی بدون مصرف یک عدد مسکن درمان شده اند تعجب نخواهم کرد.

بالین حال ممکن است افرادی به ظاهر اهل علم پیدا شوند و بگویند که باوجود اینکه اثر درمانی عجیب این نسخه معنوی را دیده ایم ولی همچنان اصرار داریم که فقط به روش علمی دارویی بیماران را درمان کنیم و این درحالی ست که غربی ها مثلاً برای درمان



IBS(روده تحریک پذیر عصبی) جدیداً حتی از امتحان و آزمایش بیوند مدفوع! افراد غریبه با کولونوسکوپ به درون روده افراد بیمار مبتلا به IBS نیز فروگذار نبوده اند! و در این همت حاضرند دست به هر کاری ولو احمقانه و کثیف ولی با ظاهر و رنگ و لعاب علمی و البته هزینه بر بزنند!! و بعد از مدتی این دستور سر از رفرانس های پزشکی بیرون میآورد، ولی در برابر درمانی معنوی با قرآن و یا حجامت اینچنین تعجب میشود، لذا هرکسی باید بتواند صلاح خود را تشخیص دهد تا گرفتار سردرگمی نگردد ان شاءالله.

همانطور که گفته شد این بحث یک ادعای جدید نیست چرا که در آیات و روایات فراوانی آمده که حضرت مسیح(ص) و حضرت محمد(ص) در هزاران سال پیش بارها و بارها افراد مبتلا به صرع و جنون و وسواس و سردرد مزمن لاعلاج(صداع=میگرن) و سحر و جادو و چشم زخم و.... را با قدرت الهی شفا داده اند و با استنادات فراوانی با قدرت الهی شیاطین را از جسم ها طرد و اخراج کرده اند(که در صورت تمایل میتوانید به منابعی که ذکر میشود رجوع کنید) ولی کاری که در اینجا توسط این حقیر صورت گرفته این است که در درجه اول درمانپذیر بودن این بیماریها با قرآن را اثبات عملی میکنم که کلید انجام آن به دست شماسست چراکه کافیسست به خداوند اعتماد و توکل کنید چراکه این درمان به صورت عملی کاربرد درمانی دارد و روایات مرتبط با درمان قرآنی نفوذ بالله صرفاً نوشته هایی بی معنی و بی اساس نیستند که بخواهیم فقط با لقلقه زبان بگویم که قرآن برای بسیاری از بیماریها شفاست و صدها همایش و کنفرانس و مقاله برگزار کنیم و خودمان هم ندانیم که منظور خداوند از شفا در این آیات دقیقاً چه بیماریهایی؟ و با چه روشی؟ بوده است، بلکه بنده از نزدیک این درمان را بارها و بارها به تجربه دیده ام بطوریکه قابل درمان بودن این بیماریها با قرآن و آب مقدس قرآن خوانده شده برای من مثل روز روشن است و مایلم که شما مردم و پزشکان محترم نیز این معجزه را مشاهده کنید و از آنجا که همانند جمعیت عمومی مردم، بسیاری از پزشکان نیز خود به بیماریهای میگرن، IBS و... دچار هستند از آنجا میخوام که اگر در این گفته ها شک دارند از خود شروع کنند تا اینکه یقین حاصل کنند و از آنجا که بسیاری از مردم و نیز پزشکان دارای مدارک علمی هستند این علم و مدرک دانشگاهی نباید باعث حجاب و یا غرور شود و

مانع قبول این بدیهیات شود، چراکه مطالب گفته شده نیز تماماً علم است و تفهیمیدن و انکار آن مشمول درجاتی از ندانستن است و نکته دیگر اینکه اگر این جای خالی وسیع را در باب این مقوله در طب احساس نمیکردم دلیلی نداشت بنده به عنوان پزشک وارد جزئیات این پرونده سیری و خوف شوم! ولی از آنجا که این قبیل بیماران بسیارند و علت ابتلا به این بیماری ها نامشخص است و درمانی هم وجود ندارد در اینچنین مواقعی حداقل به نظر شخصی بنده اگر لازم باشد باید غرور علمی خود را شکست و حقیقت را بیان کرد چراکه ما قبل از آنکه پزشک، کارمند، شهردار، استاد دانشگاه، وکیل و... باشیم مسلمان هستیم و همانطور که دین از سیاست جدا نیست، در مورد طب نیز اینچنین است و دین از طب جدا نیست بلکه دین در تمام ساختارهای بشری اعم از سیاست، طب، قضاوت دادگاه و... نفوذ دارد و مشیت، حکم و اراده الهی در تمام امور زندگی انسان عضوی جدایی ناپذیر است و اگر سیاسیون، یا قضات و یا پزشکان این امر مهم را کنار بگذارند، گروهی که دود اش در چشم شان میرود مردم هستند، لذا نباید علم پزشکی امروزی آن هم علمی که از غرب آمده و مزیت های فراوانی نیز داشته و دارد (که خود بنده نیز در این حوزه فعالیت دارم) باعث شود که از محکمت دینی و قرآنی مان جدا شویم و یا حتی آیات صریح آن را انکار کنیم و از آنجا که در رفانس های پزشکی صرفاً بر روی روند مادی بیماری ها تأکید میشود مردم باید خود اهمیت این موضوع را دریابند و برای آن چاره ای بیندیشند، با وجود تمام این ها در صورت شک مجدد به گفته هابیم برای راستی آزمایی این موضوع از کارآزمایی بالینی (همکاری نظام پزشکی و حوزه علمیه) به صورت علنی و اطلاع نتیجه آن به عموم مردم شدیداً استقبال میکنم و این همه تأکید برای آنست که از گفته های اینجانب اطمینان حاصل کنید و تا زمانیکه تأثیر این درمان را عیناً مشاهده نکرده اید آن را انکار نکنید چراکه ظلمی بزرگ است (در درجه اول در حق خودتان)، و اینکه بیمارهای قابل درمان را تا حد امکان به تفکیک اسم علمی پزشکی امروزی بیان کرده ام تا بدانید که کدام بیمارها با این نسخه مشترک قابل درمان هستند تا سردرگم نشوید و دلیل اینکه به همه بیمارهای ذکر شده توصیه به درمان واحد و مشترک با آب قرآن خوانده و اسپند میکنم دلیلش اینست که غالب بیمارهای ذکر شده

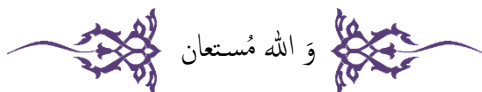


اکثراً علت ایجاد کنندهٔ بیماریشان فقط ۱ چیز است و آن همان چیزی است که با قرآن و اسپند فراری و یا نابود میشود ان شاءالله.

امید که این شفای الهی به برکت پیامبر بزرگوارمان حضرت محمد(ص) و ائمهٔ بزرگوارشان(ع) و کلمات هدایت کننده و شفا بخش کتاب آسمانی مان، کتاب الله قرآن کریم شامل حال تمام بیماران صعب العلاج و لاعلاج مؤمن گردد تا از تاریکی ها و ظلمت های بیمار کننده جسم و روح انسان نجات یابیم انشاءالله.

\* در صورت تمایل کسانی که با این روش ساده و در عین حال الهی علاج قطعی میشوند میتوانند برای اطمینان دادن و یا قوت قلب دادن و یا آگاه کردن دیگر برادران و خواهران دینی خود، نظرات خود را به شکل صوت، متن و یا فیلم به آدرس اینستاگرام @shfaye\_Elahi ارسال کنید تا بیماران بدانند که با همین روش های ساده علاج میشوند و از خطر و گناه رفتن نزد افراد باطل برحذر باشند و در نهایت دردی از دردمندی برداشته گردد ان شاءالله.

\* کتاب را میتوانید از طریق آدرس اینترنتی [www.Shafayehelahi2.ir](http://www.Shafayehelahi2.ir) تهیه نمایید.  
در پناه قادر متعال باشید.



## «استنادات»

- ۱\_ شیطان درون جریان خون بنی آدم (شهاب الاخبار ص ۳۵۹)
- ۲\_ صداع (میگرن) نجاشی پادشاه حبشه و حرز پیامبر برای درمان ایشان (کلام الاخلاق ص ۴۶۴)
- ۳\_ تهمت جن زدگی به رسل (سوره سباء آیه ۸، مومنون آیه ۲۵ و ۷۰ و ...)
- ۴\_ وحی شیاطین جنی به قلب انسان (سوره ی انعام آیه ۱۲۱)
- ۵\_ تشبیه حالات اخروی شخص رباخوار به مصروع و جن زده (سوره بقره آیه ۲۷۵)
- ۶\_ به رنج و عذاب افتادن و گرفتار شدن جسم حضرت ایوب (ع) بدنبال دمیدن شیطان به بدن حضرت (سوره ص آیه ۴۱، تفسیرالقمی ج ۲ ص ۲۴۲-۲۳۹)
- ۷\_ شفای حضرت ایوب از بیماری ناشی از شیطان بوسیله آبی مقدس و مبارک (سوره صاد آیه ۴۲)
- ۸\_ درمان وسواس با رقیه شرعی با قرآن (مکارم الاخلاق ص ۳۶۹)
- ۹\_ خواندن سوره حمد به ظرف آب و نوشاندن به بیمار برای علاج بیماری (حاشیه مصباح ص ۱۵۱)
- ۱۰\_ شیطان جنی ایجاد کننده ی شک در وضو که نامش ولهان است. (المستدرک ج ۱ ص ۳۲۳)
- ۱۱\_ خواندن سوره های قرآن به ظرف آب توسط امام رضا و غسل دادن بیمار مبتلا به صرع و شفای آن. (بحار ج ۹۲ ص ۳۶۴)
- ۱۲\_ شفای یک بیمار مجنون لال به دست حضرت عیسی مسیح (ع) و شفا یافتن از جنون و به سخن درآمدن شخصی که تمام عمر لال بوده است. (انجیل متی باب ۹ آیه ۳۲)
- ۱۳\_ مَسّ شیطانی در قرآن (سوره بقره آیه ۲۷۵)
- ۱۴\_ سرگردانی روحی انسان توسط شیطان و بیان حالات شخص گرفتار (سوره انعام آیه ۷۱)
- ۱۵\_ ارتباط خوردن گوشت ذبح بدون بسم الله و تبعات شیطانی اش (سوره انعام آیه ۱۲۱)
- ۱۶\_ مَسّ انسان توسط شیطان از روی آزار و اذیت و یا دشمنی با شهوت و... (جمع الفتاوی ۱۹/۳۹)



۱۷\_ یک قرین (همنشین، همزاد) از جنس شیطان جنی و یک هم نشین از نوع ملانک برای هر انسان. (سوره قاف آیه ۲۰\_ ۲۹)

۱۸\_ ایمان آوردن قرین پیامبر با اراده ی الهی (بحارالانوار ج ۱۶ ص ۳۳۷)

۱۹\_ قضاء حاجت بر سر قبر در قبرستان و یا ایستاده ادرار کردن و در نتیجه آسیب از ناحیه شیطان جنی و جن زدگی و تبعات آن از بیماری، از زبان امام صادق (ع)، (ذخیره المعاد ج ۱ ص ۳۱)

۲۰\_ کراهت ادرار کردن در آب جاری و راکد و حمام و احتمال پیش آمدن هر پیشامدی بدنبال آن (احکام الخلوه باب ۲۹ ص ۲۸۴، شیخ صدوق الحصال ج ۲ ص ۵۰۴)

۲۱\_ امکان ارتباط زناشویی جن با انس (سوره الرحمن آیه ۷۴ و آیه ۵۶)

۲۲\_ زن فاحشه ای بدنام که توبه کرد و خارج کردن هفت دیو از جسم آن زن توسط حضرت عیسی (ع)، (انجیل یوحنا باب هشتم آیات ۱\_ ۱۱)

۲۳\_ ایجاد نقایص جسمی و کوری و گنگی توسط شیطان (انجیل متی باب ۹ آیات ۳۳، ۳۲\_ انجیل مرقس باب ۹ آیه ۱۸\_ انجیل لوقا باب ۱۳ آیات ۱۱\_ ۱۷)

۲۴\_ اخراج دیوها توسط حضرت عیسی (ع) با کلمات کوتاه و اشارات به واسطه روح القدس (انجیل مرقس باب ۵ آیات ۱\_ ۲۰)

۲۵\_ شفای کودک بیمار مبتلا به مس شیطان جنی و دعای حضرت محمد (ص) بر سینه کودک و خروج ناگهانی یک سگ از جسم کودک با گفتن "اخرج عدوالله انا رسول الله" و فرار آن. "خارج شو ای دشمن خدا من رسول الله هستم". (مجمع الزوائد روایت عبدالله ابن عباس، امام احمد حدیث ۷۰۹۸)

۲۶\_ ابتلای به وسواس عثمان بن ابی العاص صحابی پیامبر و شک بسیار او در رکعات نماز و شفای او با اشاره ی پیامبر (ص) به سینه اش و امر به خروج عدوالله (شیطان)، و شفا یافتن او از وسواس (الطب باب الفرع رقم ۳۵۴۸)

۲۷\_ آب نیسان رومی برای رقیه با قرآن و شفای بسیاری از امراض (بحارالانوار ج ۹۲ ص ۱۵)

۲۸\_ از بین بردن پلیدی شیطان با آبی مقدس از باران (سوره انفال آیه ۱۱)

۲۹\_نشستن چربی و بوی بد گوشت از دست ها بعد از صرف غذا و بوکشیدن شیطان از آن در خواب و ترساندن کودک در خواب و احتمال ایجاد هر گونه عارضه ای بدنبال آن از زبان پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) (عیون الاخبار الرضا ج ۲ حدیث ۳۲۰، دعائم الاسلام ج ۲ حدیث ۴۱۲)

۳۰\_کافر شدن کسی که نزد کاهن و غیب گو و دعانویس برود. (سفینه البحار ج ۴ ص ۹۴)

۳۱\_حرام بودن سحر به هر شکل (الخلاف ج ۵ ص ۳۲۹)

۳۲\_حد ساحر، یک ضربه با شمشیر (قتل)، (جواهر الکلام ج ۴۱ ص ۴۴۳)

۳۳\_رقیه شدن پیامبر (ص) توسط ملک جبرئیل (اصول کافی ج ۸ ص ۱۰۹)

۳۴\_آیات ابطال سحر حضرت موسی و توبه ساحران فرعون (سوره یونس آیه ۸۲-۸۰، سوره طه آیه ۷۰-۶۵، سوره شعراء آیه ۴۸-۴۳، سوره آل عمران آیه ۱۲۲-۱۱۵)

۳۵\_کافر شدن کسی که سحر یاد بگیرد و یاد بدهد. (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۰۷ باب ۲۵)

۳۶\_حرام بودن ابطال سحر بالسحر و ارتباط سحر با عمل شیطان (شرح ابی داود ج ۳۴۹/۱۰ حدیث ۳۸۶۲)

۳۷\_حرام بودن رقیه غیر شرعی و خواندن تعویذات با کلمات بی معنی و شرک آلود جادو (صحیح مسلم ۴/۱۹ دارالفکر)

۳۸\_سحر شدن پیامبر و خبر دادن جبرئیل از محل سحر به آن حضرت و فراهم شدن دلیل برای نزول سوره های ناس و فلق و باز شدن گره های سحر با خواندن سوره ها به ریسمان بدست حضرت علی (ع)، به روایت اهل سنت (صحیح بخاری ۴/۳۲ حدیث ۵۷۶۳)

۳۹\_قبول نبودن نماز کسی که نزد ساحر برود، تا چهل روز (صحیح مسلم ۵/۳۷ دارالفکر)

۴۰\_مرتد شدن کسی که جادو میکند (فتح الباری ۱/۱۸۳ احیاء التراث)

۴۱\_جدا کردن زن و شوهر با جادو توسط محمود (سوره بقره آیه ۱۰۲)

۴۲\_حرام بودن تعلیم و تعلم سحر (سوره بقره آیه ۱۰۲)





۴۳\_ نفیرین و لعنت پیامبر و ملائک مقرب خداوند بر زنی که شوهرش را دعا (سحر) محبت خورانده بود. (الوسائل باب ۱۴۴ من ابواب مقدمات النکاح)

۴۴\_ بسته شدن شهوت یکی از صحابه ی امام کاظم از همسرش بوسیله ی سحر به مدت سه سال و درمان نشدن با انواع داروها و در آخر باز شدنش با ابطال سحر بدست آن حضرت (طب الاثمه ج ۱ ص ۴۵)

۴۵\_ ابطال سحر ساحران توسط حضرت موسی (ع)، (سوره یونس آیه ۸۲، ۸۱ و ..)

۴۶\_ حرام بودن رقیه با کلمات شرک آلود و جادو و نامفهوم ورد مانند. (صحیح مسلم رقم ۲۲۰۰)

۴۷\_ وجود چشم زخم و حفاظت پیامبر از چشم زخم (سوره قلم آیه آخر)

۴۸\_ قدرت بیماریزایی و حتی کشنده بودن چشم زخم در روایت پیامبر (ص) (بخارالانوار ج ۶۳ ص ۱۷)

۴۹\_ چشم زخم خوردن سهل بن حنیف از عامر بن ربیع و در نتیجه بیهوش شدن ناگهانی اش (امام احمد حدیث ۱۵۵۵، مشکاة حدیث ۴۵۶۲، مالک حدیث ۱۸۱۱)

۵۰\_ مرگ بسیاری از مردم به دلیل چشم زخم (در الاخبار ص ۶۵۷)

۵۱\_ توصیه حضرت یعقوب به فرزندانش برای ورود به مصر از درهای جداگانه برای جلوگیری از چشم زخم خوردن، بدلیل پسران زیاد (سوره یوسف آیه ۶۷)

۵۲\_ چشم زخم قلّه کوه را پایین می آورد. (المجازات النبویه ص ۳۶۷)

۵۳\_ اسپند دانه ای که دارای فرشته موکل است (مکارم الاخلاق ص ۱۸۶)

۵۴\_ دور شدن شیطان جنی به اندازه هفتاد خانه از جایی که در آن اسپند دود میشود (طب الاثمه ص ۶۸)

۵۵\_ دست بردن شیطان در ذهن زندانی همراه حضرت یوسف (ع) که آزاد شد و تا ۷ سال فراموش کرد که یوسف نبی را نزد فرعون یاد کند. (سوره یوسف آیه ۴۲)

۵۶\_ ابلیس مخلوق از جنس جن (سوره کهف آیه ۵۰)

۵۷\_ نوشته شدن حرز ابودجانه توسط پیامبر و رهایی ابودجانه صحابه ی پیامبر از حالاتی که گرفتار آن بود. (بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۲۶، ۱۲۵)

۵۸\_ کیفر شهاب نشاندار برای شیاطین مارد (سوره صافات آیه ۱۰، سوره جن آیه ۹، سوره حجر آیه ۱۸)

۵۹\_ توانایی جابه جایی اجسام توسط برخی از شیاطین و جنیان (سوره نمل آیه ۳۹)

۶۰\_ نگاه کردن پنهانی ابلیس و جنود شیاطین اش به انسان (سوره اعراف آیه ۲۷)

۶۱\_ غروب زمان انتشار و پخش شدن شیاطین بر روی زمین (صحیح الادب المفرد حدیث ۹۳۵)

۶۲\_ امر کردن شیطان به انسان برای دست بردن و تغییر در خلقت و نعمت های خدادادی و طبیعی خداوند و وادار کردن انسان به شکافتن گوش حیوانات توسط وی (سوره النساء آیه ۱۱۹)